فرهیختگان
روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان
فصل جدید رادیو مضمون: روایت سال‌های جنگ
شماره مسلسل ۴۷۵۷
سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
۱۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۵
۲۸ نوامبر ۲۰۲۳
شماره ۴۰۱۹
vol.15 | No. 4019 | 16 Pages

چهره‌های دانشگاهی، فرهنگی، رسانه‌ای، نظامی و... در همایش «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» از طوفان الاقصی گفتند

هندسه منطقه در پسا ۷ اکتبر به روایت دانشگاه

۳،۴،۵،۶،۱۴،۱۵

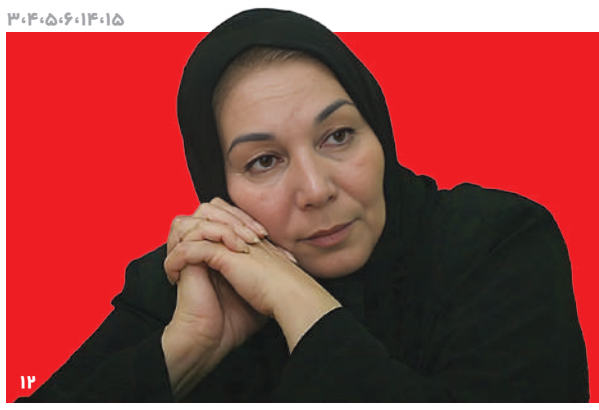

نوستالژی پروانه خانم

مروری بر آثار خاطره‌انگیز بازیگر باوقار مرحومه معصومی از «امام علی(ع)» تا «ناخدا خورشید»

۱۲

با اعلام مرکز آمار نرخ رشد فصل دوم سال ۷.۱ شد، چرا این عدد مهم است؟

رشد اقتصادی تابستان بالای ۷ ماند

صفحه ۱۶

یمن با حمله به اسرائیل و توقیف کشتی‌های تجاری صهیونیست‌ها نقش بزرگی در دفاع از مردم فلسطین ایفا کرد

خنجر یمنی تیزتر از همیشه

۷

دانشگاه‌های دنیا نسبت به تحولات فلسطین چه واکنشی نشان دادند؟

فریاد مظلومیت فلسطین در دل دانشگاه‌ها

۱۴،۱۵

برای استمرار طولانی‌مدت آتش‌بس، صهیونیست‌ها باید تعداد بیشتری از اسرای فلسطینی را آزاد کنند

وقت تغییر معادله تبادل

۲

ظهور پرویز ثابتی در دستگاه پروپاگاندای رسانه‌های فارسی‌زبان چه معنایی دارد؟

پای فاشیسم در میان است

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

«مردم تنها زمانی توانایی پیش‌بینی آینده را دارند که با آرزوهای خودشان منطبق باشد و فاکت‌های به غایت آشکار را اگر با میل‌شان منطبق نباشد رد می‌کنند.» جورج اورول

میشل فوکو درباره وضعیت جهان می‌گوید اولین پرسشی که باید مطرح شود پرسش از ماهیت اکنون است؛ چراکه ماهیت اکنون نشان می‌دهد ما در چه دوره‌ای زیست می‌کنیم و وظیفه روشنفکر و فیلسوف در مقابل جامعه و تحولات آن چیست؟ این پرسش به‌گونه‌ای نشانگر فرم تفکر در هستی است که در برگیرنده پیش‌های دیگری است اما تا حدود زیادی نشانگر شرایط اجتماعی هر عصری می‌تواند باشد، چناچه خود فوکو در هنگام این پرسش معتقد بود حقیقت دیگر معنی گذشته خود را از دست داده است و حقیقت در مقام به معرفت تعبیر نمی‌شود، بلکه این معرفت است که در خدمت قدرت است. بنابراین ماهیت اکنون نفوذ هم جانبه قدرت در امر شخصی انسان‌هاست و همه آنها را به انقیاد خود درآورده است.

حال پرسش از اکنون ما معنا پیدا می‌کند؟ اکنون ما در چه وضعیتی است که فردی مثل پرویز ثابتی خود را به‌عنوان ناجی ایران و عنصری عقلانی معرفی می‌کند؟ آیا ما در عصر هک شدن تاریخ هستیم و برساخت تاریخ برگرفته از آنچه رسانه‌های خاصی طلب می‌کنند قرار دارد؟ شما به‌عنوان مخاطب کافی است مصاحبه اوریانا فالاچی خبرنگار معروف دهه ۷۰ میلادی را با محمدرضاشاه یک بار گوش دهید یا متن آن را مطالعه کنید. فالاچی در مصاحبه با زیرکی از وضعیت دهشتناکی که ساواک در آن مقطع رقم زده است، پرسش می‌کند و حتی به طنز می‌گوید این پرسش‌ها باعث نمی‌شود او شکنجه شود؟ پرسش فالاچی یک پرسش ساده نیست، وضعیت بحرانی‌ای که ساواک و شاه با افکار پرویز ثابتی شکل داده بودند، در سیطره ایران فقط معنا پیدا نمی‌کرد. حجم سرکوب و شکنجه ساواک به‌قدری وسیع بود که جامعه جهانی هم به‌خوبی از این رفتارها آگاه بودند. هیچ‌کس در دل تاریخ نمی‌تواند اعمال ساواک را تایید کند و اصلا هیچ منطقی به رفتارهای ساواک مهر تایید نمی‌زند. در همان دهه ۷۰ میلادی در غرب که حامی رژیم پهلوی بود این رفتارها را نوعی بازگشت به قرون وسطی معنی می‌کردند و بسیاری از روشنگران غربی بیانیه‌هایی علیه این سرکوب‌ها امضا کرده بودند، اما مساله صرفا مورد تایید اهل فکر غربی نبود؛ هر ایرانی در آن مقطع با اتمسفری که ساواک رقم زده بود آشنا بوده و خوب می‌دانسته ساواک مصادف با نوعی سرکوب شدید است. نکته جالب توجه در باب خشونت وسیع ساواک را باید در همان گفت‌وگوی فالاچی با محمدرضاشاه فهمید که محمدرضا خیلی هم اعمال خشونت‌آمیز ساواک را رد نمی‌کند و به‌نوعی از آن عبور می‌کند یا در قسمت دوم مستند پرویز ثابتی. ثابتی خیلی ساده ادعا می‌کند آنها در عراق قصد کودتا داشتند و خیلی راحت دست به ترور می‌زدند یعنی اعمال خشونت‌بار ساواک خیلی قابل چشم‌پوشی نیست. اما باید به پرسش اصلی بازگشت که ماهیت اکنون ما چیست؟ که شبکه منوتو با وقاحت تمام از فردی که حتی سال‌ها در غرب مخفیانه زیست می‌کرده است، قصد دارد فرشته نجات خلق کند؟

وضعیت اکنون دو اتفاق جدید را به‌خوبی نمایان کرده که به‌نوعی باعث شده است رسانه‌های فارسی‌زبان روی این دو اتفاق حساب کنند.

عصر پسا حقیقت

ما در عصری هستیم که حقیقت دچار جدل بی‌معنایی است، این جدل به جهت آنکه در دوره‌ای هستیم که شتاب فزاینده وجود دارد، به‌سرعت به برتری بی‌معنایی ختم می‌شود. در کتاب دانشنامه کمبریج، تعاریف مختلفی برای پسا حقیقت وجود دارد، اما یکی از تعاریف با اهمیت این است که در عصر پسا حقیقت باورها و احساسات شخصی از فاکت عینی بیشتر تاثیرپذیر است؛ این تعریف به‌خوبی نشان می‌دهد اگر رسانه‌ها بتوانند از طریق احساسات مخاطب و شکلی از نوستالژی‌سازی اقدام کنند، می‌توانند واقعیت‌ها را به‌نوعی وارونه نشان دهند و این نکته در بروز سفیدشویی فردی مثل پرویز ثابتی بی‌تاثیر نیست.

عصر فرا واقعیت یا وضعیت حاد

در وضعیت فراواقعیت یا وضعیت‌ها پیررئالیتی مساله واقعیت دیگر معنایی ندارد. آنچه به‌عنوان واقعیت ساخته می‌شود یا باید بازنمایی شود به شکلی خود واقعیت معرفی می‌شود. در اینجا مساله وضعیت حاد پدید می‌آید که در پس فراواقعیت شکل می‌گیرد. وضعیت حاد واقعیت به تعبیر بودریار، فضایی است که همه اعمال دچار افراط می‌شوند و این افراط در اتمسفر باعث می‌شود منطق درونی رسانه‌ها به‌جای روشنگری به‌نوعی پروپاگاندا برای جذاب نشان دادن اعمال خشن یا حتی وحشتناک سوق پیدا می‌کنند، به‌نوعی که هرچند مخاطب باید از اعمال و رفتارهای فردی مثل پرویز ثابتی و دستگاه سرکوبی مثل ساواک ابراز انزجار کند اما در لحظه‌ای همنوا با این شرایط، اعمال فردی مثل ثابتی را عملی جذاب صورتبندی می‌کند، به‌گونه‌ای می‌توان بیان کرد که کارکرد وضعیت حاد سفیدشویی ساده یک فرد نیست، بلکه جذاب نشان دادن تمامی اعمالی است که تا پیش از این به‌شدت مغضوب افکار عمومی بوده است. حال که تا حدودی مشخص شد وضعیت اکنون ما چیست، شاید بهتر بتوان متوجه شد ظهور فردی مثل پرویز ثابتی که یک نمونه امنیتی خاص در سطح رده بالایی مثل ریاست ساواک بوده است در این مقطع چه معنایی دارد. پرویز ثابتی و تیم رسانه‌ای منوتو خوب می‌دانند فقط در موقعیت اکنون است که می‌توانند با فرمی که به خودشان می‌دهند از دوره فعلی نهایت استفاده را کنند و مسیری را شکل دهند که مخاطب تصور کند آنها در حال بازخوانی حقیقی تاریخ هستند. حال آنکه آنچه ثابتی می‌گوید بیشتر نوعی خاطره‌سازی نوستالژیک بر اساس طرحی است که از قبل‌تر در شبکه منوتو به نام مستند «تونل زمان» رقم خورده است. آنچه در مستند تونل زمان معروف بود، تهی‌کردن امر تاریخی یا تاریخ به مثابه امر علمی بود. آن مستند به‌صورت گزینشی سعی می‌کرد حافظه جمعی را ایجاد کند که بسیار نزدیک به زندگی روزمره انسان‌های خوشبخت باشد که در مقطعی از زمان زیست می‌کردند و گویی همه چیز وجود داشته، رفاه و آسایش فراهم بوده است و این عناصر تندرویی بودند که باعث شدند جامعه یک زندگی نرمال را از دست دهد. این برساخت‌ها دقیقا براساس همان دو فاکتوری که در بالاتر گفته شد، شکل گرفته است. حال مستند «پرویز ثابتی» را هم باید در راستای ردپای ظهور فاشیسم رسانه‌ای فهم کنیم، شاید پرسش شود که این مستند با توجه با ماهیت فعلی چه ارتباطی به فاشیسم دارد؟ فاشیسم درحقیقت دو عمل مهم دارد؛ عمل ابتدایی آن تخیل کردن به‌جای سوژه‌هاست یعنی تخیل کردن را از سوژه‌ها می‌گیرد و این عامل باعث بروز دومین عامل می‌شود و شاید مهم‌ترین عامل است که در باب مستند ثابتی و تونل زمان صدق می‌کند. این عامل درواقع از بین بردن حافظه تاریخی است یا بهتر گفته شود مانع از شکل‌گیری خاطره خاص می‌شود و مغزشویی ویژه‌ای را شکل می‌دهد که در این مغزشویی تاریخ تبدیل به تعدادی خاطره واحد می‌شود که در گذشته وجود داشته و حال از بین رفته است. این نوع عمل باعث می‌شود مخاطب‌ها دیگر توان سوژگی و تخیل کردن برای خود را نداشته باشند، بلکه باید به‌صورت دستوری تن به آن تخیل مشترکی دهند که در پس آن خاطره‌سازی نوستالژیکی صورت می‌گیرد که اهداف سیاسی خاصی دارد و نمونه بارز آن را می‌توان در پروژه تونل زمان و امتداد آن در مستند پرویز ثابتی مشاهده کرد که از طریق شبکه منوتو دنبال می‌شود؛ هر چند این مستند و مستندهای تونل زمان را باید همان‌طور که گفته شد در راستای شکلی از فاشیسم رسانه‌ای که از این شبکه دنبال می‌شود، مورد دقت قرار داد. اما باید توجه کرد که این ماهیت وضعیت ما است که باعث شده این عناصر با تفکرات فاشیسم‌گونه خود بتوانند خود را بروز دهند و مهم‌ترین راه مقاومت و مقاله در برابر چنین وضعیتی ورود به عرصه حقیقی بازخوانی تاریخ معاصر به‌صورت انتقادی است. در غیر این صورت در آینده نزدیک باید شاهد گسترش موجی از افکار باشیم که نه‌تنها تاریخ با تخیل فاشیسم‌گونه بیان می‌کند، بلکه با توجه به ماهیت اکنون ما، خود را موفق‌ترین افراد یا نحله‌های تاریخی معرفی خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

ساخت مستند تونل زمان و ایضا پرویز ثابتی به ما نشان می‌دهد در چه اتمسفر بدی قرار داریم؛ اتمسفری که اکنون ما را علیه حقیقت کرده است. حال همان‌طور که میشل فوکو از پرسش از وضع ماهیت دوره خود به‌دنبال احیای نوعی مقاومت در برابر بی‌حقیقتی بود و راه آن را بازگشت به معنویت و سیاست می‌دانست که تحت تاثیر انقلاب اسلامی شکل گرفته بود، برای ما هم اهمیت دارد که مجدد تلاش کرده در مقابل وضعیت سخت فعلی مقاومت کنیم و رسانه‌های خود را نه صرف در موقعیت واکنشی قرار دهیم، بلکه بیشتر حالت کنشی را به حرکت درآوریم؛ چراکه در جهان فعلی حلقه‌های فاشیسم‌گونه و پوپولیستی به‌علت آنکه از طریق دزدیدن تخیل جوامع، توانسته آنها را به‌سمت غیرحقیقی فکر کردن وادار کنند لحظه به لحظه کار مشکل‌تر خواهد شد و لزوم واقعی آن توجه به تاریخ، رسانه و سیاست در کنار یکدیگر است تا مجدد افق عقلانی در سطح سپهر عمومی عمق بگیرد و از این طریق مانع آن شویم که شبکه‌های فارسی‌زبان تخیل سوژه‌های جامعه ما را به‌سمتی هدایت کنند که خروجی آن احیای مجدد فاشیسم است.

روایت سال‌های جنگ
فصل جدید رادیو مضمون منتشر شد
رادیو مضمون، کاری از گروه پادکست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان
@radiomazmoon
مضمون

فرهیختگان
صدای نخبگان، نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
WWW.FDN.IR
روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سهیل کثیری‌نژاد، کارشناس مسائل اسرائیل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

باخت استراتژیک صهیونیست‌ها در آتش‌بس موقت

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

صهیونیست‌ها پیدا کردن اسرای خود را یکی اهداف آغاز حمله زمینی به شمال غزه معرفی می‌کردند، اما نه‌تنها نتوانستند اسرای خود را پیدا کنند، بلکه در مرحله سوم آتش‌بس در همان منطقه مجبور به مبادله اسرای دوطرف شدند. آتش‌بسی که به‌نظر می‌رسد چند روز دیگر هم تمدید خواهد شد. روز گذشته و در آستانه پایان مهلت چهارروزه آتش‌بس، سخنگوی حماس اعلام کرد آتش‌بس یک روز دیگر تمدید خواهد شد و به ازای آن ۱۰ اسیر آزاد خواهند شد، امری که قطعی بودن این گزاره را تقویت می‌کند. به‌نظر می‌رسد ادامه آتش‌بس موقت، مطلوب‌ترین شرایط برای صهیونیست‌ها در جهت کنترل فشار جهانی خواهد بود، اما فشار افراط‌گرایان داخلی در سرزمین‌های اشغالی این احتمال را تقویت می‌کند که اسرائیل به ادامه حملات زمینی تن دهد. برای بررسی و تحلیل شرایط فعلی جنگ و آینده آتش‌بس با سهیل کثیری‌نژاد، کارشناس مسائل اسرائیل گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

شرایط برای اسرائیل بعد از آتش‌بس سخت‌تر شده است

کثیری‌نژاد در ابتدا به این موضوع اشاره کرد که صهیونیست‌ها نتوانستند به اهدافی که در جنگ غزه به‌دنبال تحقق آن بودند، دست پیدا کنند و نهایتا مجبور به پذیرش آتش‌بس شدند و توضیح می‌دهد: «این آتش‌بس چند نکته داشت. یک نکته آن این بود شکستی که اسرائیلی‌ها در ۷ اکتبر و در روزهای بعدی متحمل شدند را بیشتر به نمایش گذاشت، یعنی تعدادی از اسرائیلی‌هایی که گرایش‌های افراطی‌تر دارند و راست‌گرا هستند، مدام سعی می‌کردند که در روزهای قبل از آتش‌بس این موضوع را مطرح کنند که ما با تهاجم‌های زمینی‌ای که داشتیم، توانستیم خیلی موفق باشیم و در حال از بین بردن حماس هستیم و با پارلمان حماس عکس گرفتیم و آن را از بین بردیم، بیمارستان شفا را به‌عنوان نماد مقر فرماندهی اشغال کردیم ولی وقتی آتش‌بس پذیرفته شده، معلوم شد اتفاقا همه‌چیز برعکس است. همین جریان‌های راست‌گرای افراطی نیز مجبور شدند به آن اذعان کنند که نه آن پارلمان و نه بیمارستان شفا هیچ‌کدام کارکرد فرماندهی برای حماس نداشتند. فرماندهی حماس در جای دیگر و به شکل دیگری در حال انجام بود و بنابراین اسرائیل نتوانست به فرماندهی حماس ضربه‌ای بزند. حماس کار خودش را هم انجام می‌دهد، مخصوصا با حرکت‌های هوشمندانه‌ای که این گروه برای آزاد کردن اسرا از سمت شمال غزه انجام داد که دقیقا در منطقه‌ای که تحت اشغال اسرائیلی‌هاست و آنها نزدیک به ۲۵ درصد از خاک غزه را در این منطقه شمالی تحت اشغال دارند. این نشان داد این تلفاتی که اسرائیلی‌ها در جنگ زمینی متحمل شدند و به اذعان خودشان این تلفات نزدیک به ۷۰ نفر است ولی بعضی از اخبار رسمی می‌گویند این تلفات بالای ۱۵۰ نفر است، یعنی نتوانست آن اهداف را یعنی آزاد کردن اسرا، از بین بردن حکومت حماس و از بین بردن توان نظامی حماس را محقق کند و درنهایت اسرائیلی‌ها مجبور شدند به تبادل رو بیاورند و شروط مقاومت را قبول کنند.»

حماس هنوز اسرای اصلی را آزاد نکرده است

این کارشناس مسائل رژیم‌صهیونیستی در ادامه گریزی نیز به شرایط داخلی سرزمین‌های اشغالی بعد از قبول آتش‌بس زد و گفت: «نکته دیگر این است که شرایط داخلی سرزمین‌های اشغالی بعد از قبول آتش‌بس برای نتانیاهو و به‌طور کلی برای ائتلاف سخت‌تر شد. بعد از پایان چهار روزه آتش‌بس، کار نتانیاهو برای ادامه عملیات سخت‌تر شد، چون از یک طرف افکار عمومی داخلی اسرائیل انتظارشان از جریان حاکم بالاتر رفت و این موضوع مطرح شد که وقتی یکبار نیروهای نظامی توانستند به این موضوع تن بدهند که تبادل اتفاق بیفتد ممکن است دوباره نیز این کار را انجام دهند و بقیه اسرا را آزاد کنند و فایده‌ای ندارد که بخواهند جلوی مقاومت بایستند و الان باید اسرای فلسطینی را آزاد کنند تا از آن طرف اسرای‌شان آزاد شوند؛ بر این اساس این فشار در افکار عمومی بیشتر شد. راهپیمایی‌هایی که علیه نتانیاهو و کابینه او انجام می‌شود روزبه‌روز درحال افزایش پیدا کردن است. مخصوصا اینکه تازه هنوز از بین اسرایی که نیروهای مقاومت آزاد کردند، اسرای اصلی که نظامی‌ها هستند، باقی مانده‌اند که فعلا نوبت به آنها نمی‌رسد و آنها را برای آخرین مرحله گذاشتند. نکته دیگر این است که افکار عمومی خارجی غیر از اسرائیل هم برای بعد از یک مرحله آتش‌بس قطعا فشار بیشتری به اسرائیل وارد می‌کنند که بخواهد دوباره جنگ را شروع کند، تا قبل از آتش‌بس راهپیمایی‌های مردمی در دنیا برگزار شد و تقریبا مردم هیچ کشوری از اسرائیل حمایت نکردند، جز چند تجمع محدود ۴۰، ۵۰ نفره. ولی بعد از یک آتش‌بس قطعا فشارهای بین‌المللی علیه اسرائیلی‌ها و البته آمریکایی‌ها بیشتر می‌شود. خود آمریکایی‌ها هم به این سمت خواهند رفت که فشار بیشتری به اسرائیلی‌ها بیاورند تا فعالیت‌های خود در غزه را کمتر کنند، کما اینکه از قبل هم درحال انجام این کار بودند. از آن طرف آمریکا به‌نوعی درگیر یمن هم شده و این شاید آمریکا را به این سمت ببرد که مقداری از فعالیت‌هایش را در اسرائیل کم کند و تمرکزش را به این سمت ببرد که از طریق نیروهای خودش و عربستان به یمن فشار بیاورد و به‌دنبال کنترل یمن باشد. از آن طرف یمنی‌ها هم احتمالا در روزهای آینده فعالیت‌هایشان را تشدید می‌کنند. درواقع شرایط هم در عرصه بین‌المللی، هم در عرصه نظامی و هم در عرصه سیاسی برای اسرائیلی‌ها به‌خصوص بعد از آتش‌بس سخت‌تر شده است.»

نظامیان اسرائیلی نتوانستند در محل تحت محاصره، محل اختفای اسرای اسرائیلی را پیدا کنند

کثیری‌نژاد در ادامه در پاسخ به اینکه چرا مبادله اسرا در منطقه‌ای اتفاق افتاد که اسرائیل ادعا می‌کرد آنجا پیشروی نظامی داشته است، توضیح داد: «الان اگر حضور نظامی اسرائیلی‌ها در غزه را ببینید تقریبا از نیمه، غزه را به شمال و جنوب جدا کردند و هر نوع رفت‌وآمد زمینی که قرار باشد بین شمال و جنوب انجام شود، باید زیر اشراف اسرائیلی‌ها صورت بگیرد. ولی این اقدامی که نیروهای مقاومت انجام دادند، نشان داد اولا با وجود اینکه اسرائیلی‌ها در تمام این مدت شمال غزه را محاصره کردند ولی نیروهای مقاومت در شرایطی که تحت محاصره هستند، فعالیت‌های نظامی خود را ادامه می‌دادند. علاوه بر آن، اسرا را حتی در این منطقه شمالی نیز در اختیار داشتند، اما اسرائیلی‌ها نمی‌توانستند متوجه این قضیه شوند که اسرائیلی‌ها کجا هستند که بخواهند عملیاتی برای آزادی آنها انجام دهد. نکته بعد این است که برخلاف تحلیل‌هایی که صهیونیست‌ها داشتند که ارتباط شمال و جنوب غزه به‌طور کامل قطع شده است، نیروهای مقاومت نشان دادند که اتفاقا نیروهای شمال کاملا با هدایت و هماهنگی و فرماندهی از طرف جنوب فعالیت‌هایش را انجام می‌دهد و این‌طور نبود که ارتباط به‌طور کامل قطع شده باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت رژیم‌صهیونیستی در هیچ‌کدام از اهدافی که در جنگ داشت، موفقیت حاصل نکرد و مقاومت به‌نوعی این شکست آنها را به رخ کشید. تا قبل از آن، این اذعان وجود داشت اما بعد از آن کاملا این شکست در جنگ نظامی را به رخ کشیدند.»

حماس از ابزار آزادسازی و تبادل اسرا استفاده هوشمندانه‌ای کرد

کارشناس مسائل اسرائیل در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که صهیونیست‌ها از مبادله اسرا به‌عنوان ابزار جنگ روانی در جنگ استفاده کردند و می‌گوید: «می‌شود گفت حماس از ابزار آزادسازی و تبادل اسرا، استفاده هوشمندانه‌ای کرد. برخوردی که با اسرای اسرائیلی داشت، نه‌تنها برخورد بدی نبود، بلکه جوری برخورد کردند که اتفاقا هیچ‌کدام از اسرا رفتار ناشایستی از نیروهای مقاومت ندیدند. این را با رفتاری که صهیونیست‌ها با زندانی‌های فلسطینی دارند، مقایسه کنید. از آن طرف صهیونیست‌ها، تبلیغ می‌کنند که حماس نیروهای غیرنظامی و کودکان را به اسارت گرفته است، اما اسرای فلسطینی به وقت آزادی نوجوان هستند و بعضی از آنها چندین سال در زندان بودند. البته باید به این نکته هم اشاره کرد که هیچ راهی برای آزاد کردن اسرای فلسطینی وجود نداشت. همه جریان‌ها ازجمله سازشکاران که قائل بودند باید در جامعه اسرائیل حذف شد، هیچ‌یک نتوانستند راهکاری برای آزادی اسرای فلسطینی ارائه کنند اما حماس توانست با مقاومتش این کار را بکند. این است که قطعا دستاوردهایش بیشتر هم خواهد داشت، ضمن اینکه در این شرایط، کار برای اسرائیلی‌ها از این جهت که جمعیت غیرنظامی که در این ایام کوچ کرده بود و به جنوب غزه رفته بود، دوباره به شمال غزه برگشته است و ادامه حملات در این منطقه فضای منفی برای اسرائیل در جامعه جهانی به همراه خواهد آورد. اما این دلیلی بر این نیست که اسرائیلی‌ها دست به جنایت نزنند. شاید تصمیم‌گیری را برای آنها سخت‌تر کند اما این احتمال وجود دارد که جنایت‌های زمینی را انجام بدهند به این خاطر که در عرصه نظامی دستاوردی نداشتند و این احتمال وجود دارد که این درگیری‌ها را به عرصه غیرنظامی بکشانند.»

آزادی اسرای کرانه باختری محبوبیت حماس را افزایش می‌دهد

«بیشتر اسرای آزادشده فلسطینی در کرانه باختری زندگی می‌کردند...» این نکته‌ای است که کثیری‌نژاد به آن اشاره کرده و آن را یکی از موضوعاتی می‌داند که منجر به افزایش محبوبیت حماس در این منطقه می‌شود و توضیح می‌دهد: «یکی از دستاوردهای تبادل اسرا، این است که تقریبا همه اسرای آزادشده که در کرانه باختری زندگی می‌کردند و اسیر شدند، همان‌جا هم نگهداری می‌شدند. اسرایی که اهل غزه باشند، خیلی کم هستند. این موضوع یک چیز را در ذهن مردم فلسطین برجسته می‌کند. کرانه باختری که حکومتش دست تشکیلات خودگردان است؛ این تشکیلات بعد از پیمان اسلو همیشه با اسرائیل سازش کرده است و هیچ دستاوردی نداشته، بلکه اتفاقا برعکس، به نوعی بعد از صلح، اسرائیل را به رسمیت شناخته است و بخش زیادی از خاک کرانه باختری، نزدیک ۶۰ درصد آن را به صهیونیست‌ها داد. این عملکرد را مردم کل فلسطین مخصوصا کرانه باختری از تشکیلات خودگردان دیدند. از آن طرف مقاومت را در غزه دیدند و با وجود اینکه مدیریت آن دست حماس است و تشکیلات خودگردان در کرانه باختری قدرت سیاسی ندارد ولی مقاومت در غزه است که می‌تواند اسرای کرانه باختری را آزاد کند، نه سازشی که در تشکیلات خودگردان وجود دارد. این گرایش مردم را به مقاومت بیشتر هم می‌کند. اگر تا الان این روند مقداری کند بود، قطعا افزایش محبوبیت حماس در کرانه باختری، بیشتر خواهد شد؛ چه‌بسا محبوبیت حماس را در میان عرب‌های ۱۹۴۸ افزایش بدهد. شاید یکی پیامدهای مهم آن در عرصه داخلی فلسطین این بحث بود که به نوعی تقابل این دو رویکرد را نشان داد و گفت هرکدام از این رویکردها چه پیامدی دارد. پیامد رویکرد سازش‌کار این است که شما باید سرزمین‌هایتان را و استقلال و عزت‌تان را از دست بدهید و چیزی هم به دست نمی‌آورید، حتی شرایط رفاه اقتصادی را هم به دست نمی‌آورید. مثل آنچه که در کرانه باختری می‌بینیم. ولی شاید بهای مقاومت این است که انسان‌های زیادی شهید می‌شوند ولی از آن طرف عزت و اقتداری که به دست می‌آورد، بیشتر از این است و نهایتا مقاومت به سمت آزادی سرزمینی هم خواهند رفت.»

نتانیاهو هر اقدامی انجام دهد به باخت‌هایش اضافه می‌شود

کثیری‌نژاد در پاسخ به اینکه آتش‌بس ادامه‌دارتر خواهد بود یا اینکه بهترین گزینه جنگ فعلی برای صهیونیست‌ها و فلسطینی‌ها چه خواهد بود، می‌گوید: «قطعا برای همه طرف‌ها چه طرف فلسطینی، چه طرف اسرائیلی، چه حتی سایر کشورها، بهترین حالت این است که آتش‌بس ادامه پیدا کند و جنگ چه به شکل زمینی چه به شکل موشکی متوقف شود. ولی تبعات آن برای اسرائیلی‌ها به به‌خصوص جریان راست و نتانیاهو، بیشتر خواهد بود، در شرایطی که حزب نتانیاهو در شروع دولت، با ۳۲ کرسی آغاز به کار کرده بود، محبوبیت او به جایی رسیده که ۱۷ کرسی به دست می‌آورد، یعنی قطعا نمی‌تواند ائتلاف را تشکیل بدهد و دولت بعدی را از دست می‌دهد. بعضی از تحلیلگران اسرائیلی معتقدند حتی زندگی سیاسی نتانیاهو تمام می‌شود. این کار را برای نتانیاهو سخت می‌کند و دنبال این است که دستاورد نظامی در جنگ به دست بیاورد که در این نزدیک ۵۰ روز جنگ نتوانست این دستاورد نظامی را جور کند. از آن طرف جریان‌های ملی-مذهبی که نسبت به نتانیاهو هم افراطی‌تر هستند، احتمالا فشار را برنتانیاهو بیشتر خواهند کرد که اگر از ادامه جنگ انصراف بدهد، آنها هم از ائتلاف بیرون بیایند و دولت نتانیاهو را زودتر به شکست برسانند. نتانیاهو در وضعیتی قرار گرفته که جنگ را ادامه بدهد شکستش بیشتر می‌شود، جنگ را ادامه ندهد باید این شکست را زودتر بپذیرد؛ به همین خاطر تصمیم‌گیری برای او سخت است. ولی سناریویی که بیش از همه متصور است، این است که احتمالا آتش‌بس پنج روز دیگر تمدید می‌شود که بتوانند تعدادی از اسرا را تبدیل کنند.»

تهدید جنگ چندجبهه‌ای مقاومت موثر افتاد

این کارشناس مسائل اسرائیل در پاسخ به این سوال که احتمال تکرار دوباره عملیات طوفان الاقصی، از جانب گروه‌های مقاومت در آینده وجود دارد نیز پاسخ می‌دهد: «احتمالش زیاد است اما چند بحث فنی و نظامی دارد که قطعا نیازمند آمادگی، تمرین، رعایت مسائل حفاظتی و غافلگیری و این موارد است که زمان می‌برد. اما این کاملا امکان‌پذیر است، مخصوصا اینکه ما در جنگ دیدیم تمامی گروه‌های مقاومت یکپارچه عمل کردند و این یکپارچگی منجر به تقویت محور مقاومت شد. یکی از تبعات این جنگ این بود که برای اولین بار محور مقاومت نشان داد سناریویی که اسرائیلی‌ها از آن می‌ترسند، یعنی جنگ چندجبهه‌ای، سناریوی جدی است و نیروهای مقاومت تنها از آن صحبت نمی‌کنند بلکه برای آن آماده شده و حتی تمرین کرده‌اند و شمه‌هایی از آن را به نمایش گذاشتند. تازه هنوز محور مقاومت برنامه وحدت میدان‌ها را به صورت کامل پیاده نکرده است، بلکه عمدتا در عملیات طوفان الاقصی به صورت هشدار مطرح شده که البته توانست تا حدی این بازدارندگی را ایجاد بکند، مثلا حزب‌الله تمام تلاشش را کرد تا آمریکا را به این نتیجه برساند که ورود نظامی او به این جنگ برایش تبعات دارد و آمریکایی‌ها هم این را فهمیدند، به همین خاطر ورود جدی نظامی به این جنگ نکردند و بیشتر به سمت پشتیبانی از حمله نظامی‌ها حرکت کردند. اما از یک جنبه نیز وقتی به نوعی هیمنه صهیونیست‌ها در دنیا می‌شکنند به هر گروه مقاومت این جرات را می‌دهد که می‌تواند منافع اسرائیل را چه در داخل چه بیرون از اسرائیل به چالش بکشد.»

حسن هانی‌زاده، کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

احتمال اینکه در آینده عملیات جدی دیگری توسط حماس اجرایی شود وجود دارد

روز گذشته مهلت آتش‌بس چهارروزه جنگ غزه به پایان رسید. با میانجی‌گری قطر و مصر، آتش‌بس موقت بشردوستانه با همان شرایط آتش‌بس فعلی، برای دو روز دیگر تمدید شد. آتش‌بس در غزه درحالی تمدید می‌شود که بنیامین نتانیاهو مدعی شده بود به‌هیچ‌عنوان حاضر به پذیرش آتش‌بس نیست. واقعیات میدان نبرد اما راهبردهای سیاسی را نیز تحت‌تاثیر قرار داده و عیار ادعاهای مطرح شده را بیشتر مشخص می‌کند. نیروهای حماس فرآیند تبادل اسرا را در چهار مرحله در نقاط مختلف غزه از شمال تا جنوب انجام دادند تا این پیام را به جهان برسانند که مقاومت توانسته حمله زمینی رژیم‌صهیونیستی را مهار کرده و مانع از تسلط آنها بر باریکه غزه شود. آتش‌بس اما پایان همه‌چیز نیست و هر آن ممکن است خاکستر نبرد شعله‌ور شود. برای بررسی عوامل امکان تمدید آتش‌بس موقت و تبدیل آن به آتش‌بس دائم و همچنین عوامل بازدارنده رژیم‌صهیونیستی از تداوم نسل‌کشی در غزه به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

پیش از آتش‌بس شاهد انتشار اخبار پیشروی رژیم‌صهیونیستی در شمال نوار غزه بودیم اما الان حماس بخشی از توافق تبادل اسرا را در شمال غزه انجام می‌دهد. معنی این اتفاقات چیست؟ آیا شمال غزه در تصرف نیروهای مقاومت قرار دارد یا اینکه تحت تسلط رژیم‌صهیونیستی است و این ترددها فقط به‌خاطر آتش‌بس است؟

بعد از عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر رژیم‌صهیونیستی تا ۴۸ ساعت واکنشی نتوانست نشان دهد و پس از آن نیز بمباران مناطق مسکونی را آغاز کرد به‌طوری‌که نزدیک به ۱۵ هزار نفر از اهالی غزه شهید و ۳۲ هزار نفر نیز مجروح شدند. عملیات زمینی رژیم‌صهیونیستی بارها با شکست مواجه شد. این رژیم سه بار قصد ورود به شمال غزه را داشت اما ظرف مدت ۱۰ روز نتوانست پیشروی کند. پس از آن با استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف در بمباران مردم، توانست به شمال غزه نفوذ کند اما تله‌گذاری نیروهای حماس و جهاد اسلامی موجب شد که ارتش رژیم‌صهیونیستی حین اشغال بخش شمالی متحمل تلفات سنگینی شود. دو هزار نفر کشته شدند، ۱۰ هزار نفر مجروح و ۱۸۰ تانک مرکاوا نیز منهدم شد. این در تاریخ ارتش رژیم‌صهیونیستی کاملا بی‌سابقه است. در حال حاضر قسمتی از شمال غزه تحت کنترل رژیم‌صهیونیستی است اما حماس و جهاد اسلامی با یک نقشه حساب‌شده توانستند مناطقی را تله‌گذاری کرده و ارتش رژیم را درگیر کنند. بخش‌های مهم غزه همچنان دست حماس و جهاد اسلامی است. تونل‌ها بسیار پیچیده هستند و هنوز رژیم‌صهیونیستی نتوانسته به مقرهای مهم نیروهای حماس و جهاد اسلامی ورود کند. این امر تا زمانی که ارتش اسرائیل نتواند پیشروی کند، محقق نخواهد شد.

این آتش‌بس درنهایت به چه نتیجه‌ای منجر می‌شود؟ آیا تداوم پیدا کرده و امید به یک آتش‌بس دائمی در آن هست یا آن‌طور که نتانیاهو و همچنین وزیر جنگ رژیم‌صهیونیستی تهدید کرده‌اند، بعد از پایان آتش‌بس موقت دوباره جنگ آغاز می‌شود؟

طوفان الاقصی یک عملیات پیچیده و بسیار مهم بود. اسرائیل در همان ابتدا شکست اطلاعاتی را متحمل شد. راهبرد غافلگیری در این عملیات بسیار تاثیرگذار بود. به همین دلیل بعد از عملیات نیروهای حماس و جهاد اسلامی توانستند ابتکار عمل را در دست بگیرند. پذیرش آتش‌بس توسط بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در حقیقت به معنی تحمیل شکست سیاسی به اوست. درحال حاضر بعد از تحمیل شکست‌های متعدد به رژیم‌صهیونیستی، بنیامین نتانیاهو که قبلا گفته بود تحت هیچ شرایطی آتش‌بس را قبول نخواهد کرد، مجبور شده است تحت فشارهای داخلی و خارجی آتش‌بس را بپذیرد.

با توجه به اینکه غربی‌ها به دنبال کم کردن فشار عمومی مردم جهان به رژیم‌صهیونیستی از طریق آتش‌بس موقت و تحت عنوان بشردوستانه بودند، آتش‌بس موقت چقدر برای جریان مقاومت مطلوب محسوب می‌شود؟ آیا باعث نمی‌شود تا اثر روانی جنایات رژیم‌صهیونیستی خنثی شود؟

آتش‌بس موقت برای چند روز دیگر ممکن است ادامه پیدا کند و کاروان‌های کمک‌رسانی همچنان به سمت غزه در حرکتند. چند روزی ممکن است آتش‌بس ادامه داشته باشد اما رژیم‌صهیونیستی بعد از این آتش‌بس همچنان به جنایات خودش علیه مردم غزه ادامه خواهد داد و ممکن است دست به کشتار جدیدی بزند. در آینده قدرت مقاومت حماس، جهاد اسلامی و ابتکاراتی که به کار می‌گیرند، می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد.

برخی اتفاق رخ‌داده را این‌گونه روایت می‌کنند که برای آزادی ۱۵۰ اسیر فلسطینی حدود ۱۵ هزار فلسطینی به شهادت رسیدند، یعنی به ازای هر اسیر، ۱۰۰ نفر. چنین نگاهی باعث می‌شود که شکست حماس و مقاومت نتیجه‌گیری شود. رژیم‌صهیونیستی نیز با بالابردن آمار تلفات غیرنظامیان دنبال ساختن چنین تصویر پیروزمندانه‌ای از خود است. با توجه به این امر آیا تبادل اسرا دستاوردی کافی برای مقاومت محسوب می‌شود یا برای تکمیل دستاوردها مقاومت باید به دنبال چیزهای دیگری هم باشد؟

با توجه به اینکه رژیم‌صهیونیستی شرایط حماس را برای آتش‌بس قبول کرده و زندانیان فلسطینی که برخی‌هایشان ۲۰ سال در بند این رژیم بوده‌اند، آزاد شده‌اند، می‌توانیم آتش‌بس را دستاورد تاریخی بدانیم. بسیاری از افرادی که در بند رژیم‌صهیونیستی هستند، جزء نخبگان فلسطینی‌اند که آزادکردن‌شان اقدام مهمی محسوب می‌شود. در سوی مقابل تنها دستاورد رژیم‌صهیونیستی از جنگ ۲۰۲۳ کشتار مردم است. همین کشتار نیز افکار عمومی را علیه رژیم‌صهیونیستی تحریک کرده و الان جایگاه مقاومت اسلامی بعد از عملیات طوفان الاقصی به‌شدت نزد افکار عمومی افزایش پیدا کرده است.

اگر فرض را بر این بگیریم که آتش‌بس دائمی شود به نظرتان آینده پساجنگ چگونه است؟ گروه‌های مقاومت برای سال‌های آینده چه اقداماتی خواهد کرد؟ آیا ممکن است یک عملیات دیگر مشابه الاقصی را شاهد باشیم؟

هدف رژیم‌صهیونیستی و آمریکا این است که از طریق بمباران‌های مکرر و کشتار مردم، غزه را از وجود مردم خالی کرده، حماس و جهاد اسلام خلع‌سلاح شوند و غزه نیز تحت مدیریت رژیم‌صهیونیستی و سازمان ملل قرار گیرد. اما مقاومت حماس و جهاد اسلامی جنگ را طولانی کرده و موجب فرسایش ارتش اسرائیل می‌شود. احتمال اینکه در آینده عملیات جدیدی از سوی حماس و جهاد اسلامی صورت گیرد، وجود دارد. این امر به قدرت مقاومت حماس و جهاد اسلامی بستگی دارد ولی اگر رژیم‌صهیونیستی همچنان به پیشروی خودش ادامه دهد طبیعتا فشارهای بیشتری به مردم وارد شده و ممکن است حماس در طولانی‌مدت نتواند مقاومت کند. رژیم‌صهیونیستی ممکن است در طولانی‌مدت از سلاح‌های دیگری نیز برای تخریب تونل‌های زیر شهر غزه و غافلگیری نیروهای مقاومت استفاده کند.

یک بال موثر در نبرد جریان مقاومت، گروه‌های یمنی بوده‌اند که برای توقیف سومین کشتی رژیم‌صهیونیستی نیز اقدام کرده‌اند اما گویا نتوانستند موفق شوند. با توجه به اینکه رژیم تهدید کرده بود پس از نبرد با حماس به سراغ یمن می‌رود به نظرتان واکنش غربی‌ها به اقدامات یمن چه خواهد بود؟ و این اقدامات آیا از جانب گروه‌های یمنی قابلیت مهار دارد؟

نیروهای یمنی بخشی از محور مقاومت هستند. انصارالله یمن با این اقدامات قصد تشدید فشارها به آمریکا و رژیم‌صهیونیستی برای توقف نسل‌کشی در غزه را دارد. آنها به دلیل تسلط بر تنگه باب‌المندب ابتکار عمل را در دست دارند و می‌توانند منافع آمریکا و رژیم را تهدید کنند. به همین دلیل ممکن است در آینده درگیری‌هایی در سطح منطقه صورت گیرد و اسرائیل بخواهد برای دگرگون کردن شرایط منطقه به بسیاری از جنبش‌های ذیل گفتمان مقاومت ازجمله انصارالله، حزب‌الله و سوریه حمله کند. احتمالا رژیم‌صهیونیستی به یمن نیز یورش ببرد اما چون انصارالله نیروی متمرکزی نیست طبیعتا این اقدامات خیلی موثر نخواهد بود.

فرهیختگان
دانشگاه
سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۴۰۱۹ | WWW.FDN.IR

چهره‌های دانشگاهی، فرهنگی، رسانه‌ای، نظامی و...
در همایش «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» از طوفان الاقصی گفتند

هندسه منطقه در پسا ۷ اکتبر به روایت دانشگاه

دکتر طهرانچی در همایش «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها»:

۴۴ درصد دانشگاه‌های قدرت‌آفرین نظام سلطه در حمایت از فلسطین موضع‌گیری کردند

مراسم افتتاحیه همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» روز گذشته با حضور سردار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران، دکتر غلامعلی حدادعادل مشاور عالی مقام معظم رهبری، دکتر محمدمهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر عباسعلی کدخدایی عضو حقوقدان شورای نگهبان، دکتر محمدهادی همایون معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی و دیگر اندیشمندان در مجتمع دانشگاهی ولایت واحد تهران مرکزی برگزار شد. در این نشست ۱۲ استاد حوزه و دانشگاه به ارائه نکات خود درخصوص آخرین تحولات فلسطین متاثر از طوفان الاقصی پرداختند که در ادامه گزیده‌ای از آن را می‌خوانید.

رئیس دانشگاه آزاد گفت: «جنگ غزه مانند عصای موسی ظاهر شد که دروغ‌نمایی‌ها و بزرگ‌نمایی‌هایی که نظام سلطه از طریق رسانه و فضای مجازی ایجاد کرده بود، باطل کرد.»

به گزارش روابط عمومی دانشگاه آزاد، دکتر محمدمهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد در افتتاحیه همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» که صبح امروز در واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد آغاز به کار کرد، با تسلیت شهادت حضرت زهرا(س) گفت: «دنیا در آغاز تغییر ماهیت در قرن ۲۱ و در حال نظم‌گیری هندسه جدید قدرت و نظم نوین جهانی قرار دارد. در چند سال اخیر شاهد اتفاقات بسیاری ازجمله رقابت علم بین چین، غرب و آسیا و همچنین تحولاتی که در چین و جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده، پاندمی کرونا، جنگ اوکراین و اخیرا جنگ کودک‌کشی که در غزه به راه افتاده، هستیم.»

وی خاطرنشان کرد: «وقتی به ابعاد جنگ غزه نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم برخلاف آنچه نظام سلطه تلاش داشت از طریق فضای مجازی، باورها را در دست بگیرد، جنگ غزه مانند عصای موسی ظاهر شد که دروغ‌نمایی‌ها و بزرگ‌نمایی‌هایی که نظام سلطه از طریق رسانه و فضای مجازی ایجاد کرده بود، باطل کرد و تقابل باورها را به وجود آورد.»

دکتر طهرانچی با بیان اینکه جنگ فناوری یکی از موضوعات مهم جنگ غزه است که کمتر به آن پرداخته شده، گفت: «رژیم صهیونیستی لشکر قدرتمندی داشت که اتکای آن بر آخرین فناوری‌هایی بود که در دانشگاه خلق و در صنعت دفاعی تبدیل به تانک و بمب و... می‌شد. در جنگ غزه، اسرائیل از بمب‌هایی با فناوری جدید استفاده می‌کرد که ساختمان‌ها و بیمارستان‌ها را فرومی‌ریخت و همچنین از تانک‌های مرکاوا بهره می‌برد که دارای فناوری ضدزره خاصی است. در بررسی عملیات طوفان الاقصی، به این موضوع اشاره نشد که فلسطینی‌ها با جهاد علمی، از انتفاضه با سنگ به مبارزه با دوش پرتاب یاسین رسیدند که می‌تواند آخرین فناوری ضدزره را فرو بریزد.»

رئیس دانشگاه آزاد تاکید کرد: «جنگ فناوری، تقابل باورها، نظام سلطه و مردم، چهار موضوع مهمی است که در طوفان الاقصی به چشم آمد.» وی خاطرنشان کرد: «پنج آیه قرآن کریم با «وَلَا تَحْسَبَنَّ» به معنی «هرگز این‌گونه مپندارید» آغاز می‌شود و اشاره به انگاره‌های بشری دارد. خداوند در آیه ۴۲ سوره ابراهیم می‌فرماید «وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ»، یعنی مپندارید که خداوند ظالمان را رها می‌کند. همچنین در آیه ۱۶۹ سوره آل‌عمران می‌فرماید مپندارید آنها که در راه کشته شده‌اند، مرده‌اند. در آیه ۱۸۸ سوره آل‌عمران آمده است که مپندارید کسانی که به کردار زشت خود شادمانند، از آتش دوزخ رهایی دارند.»

دکتر طهرانچی ادامه داد: «دو آیه دیگر که با «وَلَا تَحْسَبَنَّ» آغاز می‌شود، آیه ۵۷ سوره نور و آیه ۴۷ سوره ابراهیم است که خداوند در این دو آیه نیز می‌فرماید هرگز مپندارید که کافران هر کاری بخواهند، می‌توانند انجام دهند و مپندارید که خداوند وعده‌های خود را فراموش می‌کند. مصداق این پنج آیه شریفه را در عملیات طوفان الاقصی و جنگ غزه شاهد هستیم چراکه این جنگ، جنگ باورهاست.» وی به واکنش‌های دانشگاهیان جهان به جنگ علیه مردم مقاوم غزه اشاره کرد و گفت: «اتفاق جدیدی که پس از عملیات طوفان الاقصی در فضای یهودسالار دانشگاه‌های آمریکا و اروپا شاهد بودیم، فروریختن نگاه صهیونیسم‌سالار بود چراکه در گذشته صهیونیسم عنان این دانشگاه‌ها را در دست داشت، اما امروز می‌بینیم که این نگاه وجود ندارد. در تحقیقی که از ۲۵۰ دانشگاه اول دنیا و ۴۰۰ منبع خبری انجام دادیم، شاهد بودیم که ۲۶ دانشگاه به طور وسیع نسبت به وقایع غزه موضع‌گیری کرده‌اند و در ۹۵ دانشگاه نیز تجمعات دانشجویی شکل گرفت. در تاریخ این دانشگاه‌ها بی‌نظیر است که ۴۴ درصد دانشگاه‌های قدرت‌آفرین نظام سلطه در حمایت از مردم فلسطین موضع‌گیری مثبت داشته باشند.»

رئیس دانشگاه آزاد افزود: «در ۹۵ درصد رسانه‌ها و منابع خبری مورد بررسی نیز شاهد حمایت از غزه بودیم که این اتفاق نشان‌دهنده یک نقطه عطف تاریخی است. عملیات طوفان الاقصی جریانی را شکل داده که میوه درخت روز قدسی است که امام خمینی(ره) بنیان گذاشت.»

دکتر طهرانچی با بیان اینکه یکی از موضوعاتی که دانشگاه‌های مطرح جهان به آن پرداختند، حمایت از کودکان غزه است، گفت: «دانشگاه‌های مطرح زیادی ازجمله MIT که نقطه قوت ایالات متحده در خلق فناوری‌های نظامی است، دانشگاه کمبریج، دانشگاه ملبورن استرالیا، دانشگاه‌های سنگاپور، ژاپن، کره‌جنوبی، هلند، شیلی، کلمبیا، آمریکای جنوبی، عربستان سعودی و... درمقابل کودک‌کشی رژیم صهیونیستی با آخرین تجهیزات مدرن خود، موضع‌گیری کرده و آن را محکوم کردند.» وی ادامه داد: «این موضع‌گیری‌ها در حالی رخ می‌دهد که برخی کشورهای اروپایی کیلومترها دورتر از اتفاقات غزه هستند و هیچ‌گاه به آن نمی‌پرداختند اما طوفان الاقصی، طوفانی در جهان به راه انداخت که دانشگاه‌هایی که در خلق قدرت نظامی رژیم صهیونیستی موثر بودند، علیه این رژیم موضع گرفتند. موضع‌گیری‌ها علیه رژیم صهیونیستی در توییتر، یوتیوب و دیگر شبکه‌های اجتماعی نیز مورد توجه جدی قرار گرفت به طوری که درگیری حامیان دو سوی جنگ به عنوان یک چالش جدی بازدیدهای میلیونی در این پلتفرم‌ها داشت.» دکتر طهرانچی خاطرنشان کرد: «سوال جدی که اکنون پیش روی دانشگاه‌های جهان قرار گرفته، این است که آیا مسیری که تا امروز طی می‌کردند، درست بوده یا خیر. دانشگاه‌های آمریکا از دوران پیش از جنگ جهانی تا امروز برای نظام سلطه ابزار قدرت بوده‌اند و همه سلاح‌های پیشرفته ما حصل کارکرد دانشگاه و انتقال آن به صنعت بود اما اکنون برای اولین بار است که حرکت ضدصهیونیستی در این دانشگاه‌ها شکل گرفته است. تا یک دهه قبل، اگر یک استاد دانشگاه نکته‌ای در نقد رژیم صهیونیستی می‌گفت، اخراج می‌شد اما امروز طوفان الاقصی دانشگاه‌های جهان و همه کسانی که دارای وجدان بیدار هستند را صدا زده و نقطه عطف دیگری را خلق کرد.»

رئیس دانشگاه آزاد اظهار داشت: «دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران همواره در حمایت از مردم فلسطین و محکومیت رژیم صهیونیستی فعال بوده‌اند اما باید اندیشه‌های ناب و پشتیبانی فکری داشته باشیم و در جریان علمی، به صورت جدی‌تر به این مساله بپردازیم. امیدواریم این همایش بتواند با حرکت دانش‌بنیان و تخصصی در کنار حرکت‌های سیاسی، رسالت دانشگاه را به نحو احسن انجام دهد.»

جزئیات کامل ارائه دکتر طهرانچی با موضوع نقش دانشگاه در موضوع فلسطین و بازنمایی آن را می‌توانید در صفحه ۱۴ و ۱۵ مطالعه کنید.

معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور:

جهانیان مقابل زنان فلسطینی سر خضوع فرود آوردند

انسیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور با تاکید بر اینکه در جنگ غزه علی‌رغم جنایات و وحشی‌گری‌های رژیم صهیونیستی، با صبر و مقامت مردم شاهد نصرت‌های الهی بودیم، گفت: «رژیم صهیونیستی درحالی‌که ادعا می‌کرد آتش‌بس را قبول نمی‌کند، مجبور شد به خواسته‌های حماس تن داده و این موضوع را قبول کند و این اتفاقات از وعده‌های خداست.» او تصریح کرد: «قطعا اینکه زن فلسطینی الگو قرار گرفته و آرامش پیدا کند، نصرت و یاری خدا به شمار می‌رود. اینکه زن فلسطینی با صبر و آرامش کودکان خود را خون‌آلود از زیر آوار بیرون می‌کشد و با غرور و صبر آنها را تقدیم راه آرمان فلسطین می‌کند، نشانه یاری و نصرت الهی است.» معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور با بیان اینکه فلسطینی‌ها زمانی با سنگ و زمانی با موشک‌های اسرائیل مقابله کردند، گفت: «همین روحیه مبارزه و بردباری آنها است که باعث شده وقتی زن فلسطینی از زندان آزاد می‌شود، بتواند پرغرور مسیر مقاومت را ادامه دهد.» خزعلی رفتار و صبر زن فلسطینی را پیامی به کل جهان دانست و گفت: «این پیامی به جهان تحت سلطه استکبار است که سازمان مللش آن‌گونه عمل کرد و هیچ اقدام عملی صورت نداد و فقط در کلام جنایات را محکوم کرد.» وی با بیان اینکه ۷۰ درصد از شهدای غزه زنان و کودکان بودند اما صدایی از کسی درنیامد، گفت: «دولت‌های غربی از انسانیت و حقوق بشر می‌گویند ولی در برابر کشتار زنان چیزی نمی‌گویند. امیدواریم این ایستادگی باعث شود شر کسانی که برای دیگران تصمیم می‌گیرند و قانون نوشته و حکم می‌دهند، از سر ملت‌های مظلوم برداشته شود.»

معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور گفت: «ماهیت واقعی رژیم کودک‌کش به دست همان رسانه‌هایی که برای جنگ آماده شده بودند، برای همگان روشن شد و رسانه بهترین وسیله‌ای بود که می‌توانست این کار را انجام دهد. رژیم صهیونیستی امروز به صراحت می‌گوید مردم غزه باید از آنجا بروند، البته آنها به دنبال این هستند که رویای از نیل تا فرات را محقق کنند.» او با بیان اینکه رژیم صهیونیستی در جنگ رسانه‌ای امروز هم شکست خورده است، گفت: «اگر ایستادگی زنان غزه و ایمان و مقاومت آنها نبود این پیروزها به دست نمی‌آمد. جوانان و رزمندگان مقاومت اگر از صبر و مقاومت زنان مقاوم و محکم بودن پشت جبهه مطمئن نبودند و اگر دل آنها خالی می‌شد و پشت سرشان را محکم نمی‌دیدند، این‌گونه با دل مطمئن عملیات نمی‌کردند.» خزعلی گفت: «زنان فلسطین نقش مستقیم و بی‌واسطه داشتند. زنانی که عملیات استشهادی داشتند و مقاومتی که زنان در غزه در بیمارستان‌ها و میادین دیگر رقم زدند، زمینه‌ساز این پیروزی شد. آنها نشان دادند که تلاش و تاب‌آوری زن وقتی با ایمان همراه باشد، به کجا می‌رسد و جهانیان سر خضوع در برابر عظمت آنها فرود آوردند.»

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

جانشین فرمانده کل سپاه:

ایجاد تصویر ناامن از سرزمین‌های اشغالی دستاوردی راهبردی است

سردار فدوی، جانشین فرمانده کل سپاه با بیان اینکه دنیا برای این جنگی که اتفاق افتاده تحلیل‌های مختلفی داشته است، گفت: «این جنگ به‌نوعی برای ۱۵ مهر، به‌نوعی برای ۷۵ سال پیش و به‌نوعی دیگر برای ۱۰۹ سال پیش است و تحلیل‌های بی‌شماری را می‌توان نسبت به آن انجام داد. اگر بخواهیم به تحلیل درستی رسیده و دیگر تحلیل‌ها را با همین معیار مقایسه کنیم، باید حتما به قرآن مراجعه کنیم. قرآن بسیار صریح درباره اتفاقاتی از این قبیل به‌صورت مفصل سخن گفته و آیات زیادی در این باره داریم. در یکی از واضح‌ترین آیات هم می‌خوانیم که تحت هر شرایطی اذن خدا پیروز است و حتی یکبار هم اذن شیطان پیروز نمی‌شود، فقط باید مراقبت کرد که چه کسی در اذن خداست و چه کسی در اذن شیطان قرار دارد.» او ادامه داد: «یک ظلم و اشغالگری برنامه‌ریزی‌شده و سازماندهی‌یافته از سوی جبهه باطل شیطان بزرگ، یعنی خبیثان انگلیسی به همراه خبیثان آمریکایی در سال‌های بسیار دور طراحی شد تا در قلب اسلام اقداماتی را هم برای منافع خودشان و هم برای خطری که از سوی اسلام احساس می‌کردند انجام دهند و این کار هم مربوط به یک دین نبود، بلکه مربوط به یک حزب سیاسی بود؛ چراکه امروز بسیاری از علمای یهود به‌صراحت از تفاوت بین دین یهود و صهیونیسم می‌گویند.» جانشین فرمانده کل سپاه با تاکید بر اینکه اشغالگری را هیچ کس در دنیا تایید نمی‌کند، اظهار داشت: «در برابر اشغالگر هم تکلیف صریح در قرآن وجود دارد و باید در برابر آن مقاومت و اقدام کرد. به لحاظ اینکه طرف مقابل قدرتمندان عالم قرار داشتند و در این سو در کشورهای منطقه و اسلامی، خیانتکاری و دنیاطلبی وجود داشت و به همین دلیل اشغالگران موفق شدند کارشان را جلو ببرند، حتی تعداد اندکی از کشورهایی که به مقابله با آن پرداختند هم موفق نشدند؛ تا جایی که امام در سال ۱۳۴۲ نهضتی را شروع کردند که با همه نهضت‌های دیگر متفاوت بود و از همان روز اول هم حمله به شیطان بزرگ و صهیونیستی‌ها دنبال شد و به همین دلیل آنها احساس خطر فوری کرده و برنامه‌ریزی‌هایی را هم علیه امام داشتند.» سردار فدوی گفت: «با پیروزی انقلاب اسلامی یک روال جدید علیه شیطان بزرگ و صهیونیستی به نقطه عطفی رسید که در گذشته وجود نداشته است. یک ملتی به همراه یک نظام به‌پاخاسته کنار یکدیگر قرار داشتند. در بسیاری از کشورها ملت‌ها به پا می‌خیزند اما نظام‌شان با آنها همراه نیست، اما در ایران یک ملت انقلابی به‌پاخاسته را به همراه نظام انقلاب اسلامی به پا خاسته داشتیم که هم‌افزایی را در این زمینه به وجود آورده و از همان ابتدایی هم به دنبال تکلیفی که قرآن مشخص کرده، بودند؛ آن هم مبارزه با ظلم و استکبار و کمک‌کننده به مظلوم بوده که آن را دنبال کرده‌ایم. مبارزه با ظلم و استکبار در اصل دوم قانون اساسی کشور دیده شده و ما باید پشتیبان مظلومان باشیم.»

او تصریح کرد: «جنایت‌های رژیم صهیونیستی در ۷۵ سال گذشته در یک‌سو و در این شش ماه اخیر در یک سوی دیگر قرار دارد. آنها در این شش ماه یک‌سری روال‌هایی را دنبال کردند که برای مسلمانان فلسطین قابل قبول نبوده است. کشتن ملت فلسطین در این شش ماه متفاوت از گذشته شده بود و به غیر از سربازان، شهرک‌نشینان صهیونیستی که تنها به حسب ظاهر مانند نظامی‌شان نیستند، اقدام به کشتن مردم فلسطین می‌کردند. فلسطینی‌ها بیش از ۲۰۰ شهید در همین بازه زمانی شش‌ماهه داشته‌اند. همچنین فلسطینی‌ها مطلع شدند که صهیونیستی‌ها برای چند ماه آینده برنامه مفصلی را برای غزه دارند، حال باید منتظر می‌مانند تا صهیونیستی‌ها اقدام‌شان را عملی کنند یا اینکه اقدام پیش‌دستانه نسبت به آن انجام دهند. سال‌های طولانی به فلسطینی‌ها مصیبت وارد می‌شد اما هیچ‌گونه دستاوردی نداشته و به دشمن‌شان هم آسیبی وارد نمی‌شد، اما امروز آنها اقدام پیش‌دستانه‌ای را در روز ۱۵ مهر انجام دادند؛ چراکه مطمئن بودند جبهه باطل پیروزی ندارد.» جانشین فرمانده کل سپاه گفت: «قطعا دستاوردهای تاکتیکی و عملیاتی بسیار زیادی در این جنگ وجود دارد که بعدا آنها نشان داده خواهد شد. یکی از آنها همین بود که تصویری که برای ارتش رژیم صهیونیستی در دنیا شکل گرفته بود و از آن به‌عنوان ارتش مقتدر یاد می‌شد، ظرف چند ساعت خراب شد و چند صد نفر از نیروهای حماس توانستند از همه موانعی که رژیم صهیونیستی در غزه ایجاد و به خود گفته خودشان یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار تنها در فضای ۴۰ کیلومتری غزه ایجاد کرده بودند، از بین رفت و توانستند تا اعماق شهرک‌های صهیونیستی نفوذ کرده و تعداد زیادی هم اسیر بگیرند.» سردار فدوی با بیان اینکه فلسطینی‌ها کاری کردند که این ارتشی که با تصویرسازی رسانه‌ای و مجازی برای خود ابهتی پیدا کرده بود، به هم بریزد، گفت: «البته این تصویر در جنگ‌های ۲۲ روزه و ۳۳ روزه لبنان هم از بین رفته بود اما تفاوتش با این جنگ آن بود که این بار فلسطینی‌ها تهاجم را انجام داده بودند. در طرف دیگر باید به دستاوردهای راهبردی این جنگ اشاره کرد که بسیار بیشتر از دستاوردهای تاکتیکی و عملیاتی است. تا پیش از این تصویری در دنیا از سوی صهیونیست‌ها شکل گرفته بود که برای یهودی‌ها این نقطه امن‌ترین جای عالم است، اما این تصویر هم امروز به هم ریخته است.» او گفت: «یکی از تحلیلگران خود صهیونیستی در روزهای دوم و سوم جنگ گفته بود که امروز تصویری ارائه شده که اینجا ناامن‌ترین جای دنیا بوده و دیگر نمی‌توان در آنجا ماند و خودشان می‌گویند که در این مدت از یک و نیم میلیون تا ۸۰۰ هزار نفر از سرزمین‌های اشغالی رفته‌اند؛ چراکه همه یهودی‌های ساکن چندتابعیتی هستند و از نگاه عوام هم در آنجا هر کسی که در سرزمین‌های اشغالی زندگی می‌کند، هرچه بیشتر پاسپورت داشته باشد، امتیاز بیشتری نسبت به دیگران خواهد داشت. ایجاد این نگاه که دیگر رژیم صهیونیستی امن نیست، شکست راهبردی بزرگی برای آنهاست. دومین شکست راهبردی که در اذهان مردم دنیا ایجاد شد این بود که تصویر مطلوب رژیم صهیونیستی از بین رفت و در این مدت نزدیک به ۵۰ روز، بیش از ۹۲ کشور دنیا علیه صهیونیست‌ها تظاهرات کردند و امروز حتی دولت‌ها هم نسبت به رژیم صهیونیستی موضع گرفته‌اند. باید به این مساله توجه کرد که خدا در قرآن می‌گوید شما به تکالیف‌تان عمل کنید نتایج را خدا رقم خواهد زد.»

کارشناس مسائل بین‌الملل:

رژیم صهیونیستی در حال مدیریت شکست خود در جنگ با حماس است

سعدالله زارعی، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: «نکته اساسی در نقش جمهوری اسلامی را باید پایه‌گذاری مقاومت دانست. اگر تاریخچه منطقه را مرور کنیم، می‌بینیم که اگر پیروزی انقلاب اسلامی نبود، اصلا مقاومتی در برابر آمریکا و نظام سلطه وجود نداشت و اگر انقلاب اسلامی نبود، نظام دوقطبی ادامه پیدا کرد یا نظام تک قطبی آمریکامحور بر جهان حاکم بود و اصلا موضوعاتی مانند فلسطین محلی از اعراب پیدا نمی‌کرد. نکته دیگر درباره مقاومت‌هایی که تحت عنوان ساختارهای مقاومتی در منطقه ایجاد شده این است که آنها عمدتا محصول هم مقاومت ملت ایران و هم نگاه نظام و دولت در ایران برای تاسیس جبهه‌ای تحت عنوان مقاومت بوده است.» او با تاکید بر اینکه ایران تاثیرات بنیادی را در ایجاد جبهه مقاومت ایفا کرده است، گفت: «نکته سوم تسریع مقاومت‌ها در سطح منطقه و کمک خاص به تسلیح فلسطینی‌ها است و این موضوعی است که تنها جمهوری اسلامی آن را انجام داده و قدرت مقاومت مسلحانه فلسطینی‌ها مرهون سیاست روشن جمهوری اسلامی و ایجاد بازدارندگی در سطح منطقه است. نکته آخر هم مدیریت صحنه تحرکات و میدان جنگ است. مدل رفتاری جمهوری اسلامی در مدیریت صحنه بسیار مهم است. درباره جنگ ۳۳ روزه و خاطراتی که شهید سردار قاسم سلیمانی از جلسه‌ای که با رهبر انقلاب در مشهد داشتند را شنیده‌اید و آن را باید یک نمونه افشاشده از نقش معنوی راهبری مقاومت جمهوری اسلامی در سطح منطقه دانست.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: «در همین صحنه جنگ غزه هم جریانی که پای کار عملیات طوفان الاقصی آمد، جمهوری اسلامی بود. مقام معظم رهبری به صورت خاص، گام به گام و موقعیت به موقعیت ورود کرده و سرخط حرکت را مشخص و اطمینان دادند و منطقه را با مقوله کمک به فلسطین هماهنگ کردند و یک منطقه وارد موضوع فلسطین شد. حزب‌الله لبنان نقش خودش را در این زمینه که نقش بسیار مهمی هم بود، ایفا کرد و باعث شد تا یک‌سوم ارتش رژیم صهیونیستی در مرزهای شمالی سرگرم شود. همچنین کارهای شجاعانه‌ای که مقاومت یمن انجام داده و روند رو به تثبیت سیاست‌های مقابله با آمریکا و رژیم صهیونیستی دنبال شد و همه آنها برخاسته از تدبیر و مدیریتی بود که به‌طور عام در بین جریان‌های مقاومتی وجود داشت و جمهوری اسلامی به‌طور خاص براساس تجربه خودش این صحنه را مدیریت کرد.» زارعی در همین زمینه افزود: «تا جایی که امروز می‌توانیم به صراحت بگوییم آنچه در صحنه فعلی و در طول ۵۰ روز گذشته اتفاق افتاده، این است که اسرائیلی‌ها در طول این مدت سرگرم مدیریت شکست بودند تا بتوانند از آثار شکست کم کنند و در نقطه مقابل، مقاومت فلسطینی در این مدت سرگرم مدیریت پیروزی است که چگونه پیروزی در عملیات طوفان الاقصی را به موفقیت‌های زنجیره‌ای در عملیات‌های آینده تبدیل کرده و بتواند صحنه را مدیریت کند.» او ادامه داد: «اسرائیلی‌ها مجموع اشتباهات خودشان را در این صحنه می‌بینند و مسئول مدیریت شکست هستند. رژیم صهیونیستی یک ضربه اساسی را در ۱۵ مهر خورده و تا امروز مشغول مدیریت آن بوده که بتواند آثار این ضربه را از روی ارکان وجودی خود کاهش دهد که تا امروز نتوانسته آن را انجام دهد. یعنی آنها می‌خواستند در این صحنه به موقعیتی برسند تا شاید بازدارندگی ازهم‌پاشیده‌شان را تا حدودی بازسازی کنند که نتوانستند آن را انجام دهند. اسرائیلی‌ها می‌خواستند با زور، بمباران و بی‌رحمی به اسرای خود دست پیدا کنند اما درنهایت مجبور شدند تا به مبادله اسرا تن دهند و تا آخر هم کاری جز مبادله ندارند. مقاومت فلسطین هم دو ماموریت اساسی داشت که اول صیانت از پیروزی طوفان الاقصی بود تا با عملیات‌های پی در پی ثابت کند مساله تنها یک عملیات نیست، بلکه روند ضربه به اسرائیل است و مقاومت این روند را هم ادامه داده است. ماموریت دوم بحث اداره جنگ بود که در این حوزه حماس سه مساله اصلی داشته است.»

کارشناس مسائل بین‌الملل افزود: «اولین موضوع در اداره جنگ از سوی حماس، مدیریت مردم زیر بمباران بود تا تعداد تلفات را کاهش دهد. این حجم بمباران باید حدود ۵۰۰ هزار شهید در فلسطین به جای می‌گذاشت اما مقاومت با مدیریت خودش حجم تلفات انسانی را به حداقل رساند و همچنین حماس و فلسطین توانست به خوبی از عهده مدیریت آب و نان مردم بربیاید. مساله دوم بحث حفظ ساختار و نیروی دفاعی حماس بود تا زیر بمباران رژیم صهیونیستی آسیب اساسی نبیند و امروز بعد از ۵۰ روز می‌توانیم بگوییم که به معنی واقعی قدرت تهاجمی حماس و جهاد اسلامی در این جنگ آسیب اساسی ندیده و با همان قدرت روز اول می‌توانند به جنگ ادامه دهند.» زارعی تصریح کرد: «مساله سوم هم مدیریت اسرا بود که کار سختی به شمار می‌رفت. حماس باید اسرا را نگه می‌داشت و بحث آب و غذای آنها را هم مدیریت می‌کرد و درواقع حماس در زیر بمباران، قدرت مدیریت و توانمندی برای اداره صحنه را ثابت کرد و با افتخار بخشی از اسرای خودش را از زندان‌های اسرائیلی آزاد کرد و مابقی را هم آزاد خواهد کرد. این همان مدیریت پیروزی است و در نقطه مقابل هم مدیریت شکستی است که اسرائیلی‌ها در این جنگ پی در پی متحمل شده‌اند.»

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام:

دانشگاه‌ها هسته‌های مطالعاتی فلسطین تشکیل دهند

غلامعلی حدادعادل، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و ریاست فرهنگستان ادب فارسی در ابتدای سخنرانی خود عنوان کرد: «موضوع صحبت بنده با توجه به حوادث اخیر غزه و فلسطین، آثار فکری و فرهنگی واقعیت تلخی است که این روزها شاهد آن هستیم. در ابتدای سخن، مروری فهرست‌وار و بسیار صریح به واقعیت شومی داشته باشم که رژیم صهیونیستی ۷۵ سال است در منطقه ما و غرب آسیا به وجود آورده است. اتفاقی در جنگ جهانی دوم افتاد. البته مبانی تشکیل این کشور جعلی به جنگ اول جهانی برمی‌گردد. اعلامیه «بالفور» به ۱۹۱۷، در بحبوحه جنگ جهانی اول برمی‌گردد که انگلیسی‌ها تصمیم می‌گیرند فلسطین را به دست صهیونیست‌ها اشغال کنند و بعد از بروز اتفاقاتی، بعد از جنگ جهانی دوم، حدود ۷۵ سال پیش این کشور جعلی شکل می‌گیرد و توجیه آن هم این گونه است که هیتلر در جنگ جهانی به یهودیان ظلم کرده است، هلوکاست و کوره‌های آدم سوزی و... به وجود آورده و حالا تاوان آن را عده‌ای دیگر باید پس بدهند. توجیهات عجیب‌وغریبی هم به راه انداخته‌اند. اول اینکه فضای مظومانه‌ای برای صهیونیست‌ها ایجاد کرده‌اند و عجیب اینجاست اروپایی که همه جا دم از آزادی بیان می‌زنند و وقتی در پی توهین به پیامبر اسلام به آنها اعتراض می‌کنیم، عنوان می‌کنند که آزادی است، همین اروپا اجازه تحقیق و سوال درباره هولوکاست را به هیچ نویسنده و متفکر و پژوهشگری نمی‌دهد. نمونه آن هم رفتاری است که با «روژه گارودی» و بسیاری دیگر از افراد کردند. به عبارتی، امروز اگر یک استاد دانشگاه، مورخ و یهودشناس و اروپاشناس بخواهد درباره بعضی از حرف‌های جزمی که درباره هلوکاست زده می‌شود، سوال مطرح کند، استاد و پژوهشگر را از دانشگاه اخراج و زندانی می‌کنند. اما اگر از تمام این حرف‌ها بگذریم و بپذیریم که هیتلر بد کرده، چرا مسلمانان و اعراب باید تاوان آن را پس دهند و چه ربطی به فلسطینی‌ها دارد. آنها روی موج احساساتی که صهیونیست‌ها بین یهودیان ایجاد کرده بودند و قضیه بازگشت به ارض مقدس، حرکتی ایجاد کردند که نفع انگلستان در آن منظور بود.»

این عضو مجمع تشخیص مصلحت ادامه داد: «بنده چند شب گذشته که در شبکه افق درباره موضوع فلسطین صحبت می‌کردم، از کتاب «استراتژی صلح» نوشته «جان کندی»، رئیس‌جمهور مقتول آمریکا، عبارتی خواندم که او از نویسنده دیگری نقل کرده است مبنی بر اینکه آنچه در خاورمیانه و فلسطین اتفاق افتاده، این بوده: «سرزمینی بی‌مردم، مردمی بی‌سرزمین.» این دو عبارت را کنار هم گذاشته‌اند که فلسطین، منطقه‌ای کویری و باتلاقی بی‌مردم بوده و مردمی آواره در دنیا بوده‌اند و ما آنها را در این نقطه جمع کردیم و حتی سر دنیا هم منت گذاشته‌اند. پس سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که اگر این سرزمین بی‌مردم بود، ۷۵ سال است با چه کسانی می‌جنگید و چه کسانی را می‌کشید و با چه کسانی مبارزه می‌کنید و این چه سرزمین بی‌مردمی است که ۷۵ سال است مردمش برای کشور و استقلال خود جانفشانی می‌کنند. من به دانشجویان توصیه می‌کنم که درباره فلسطین مطالعه کنند و در داخل دانشگاه‌ها هسته‌های مطالعاتی و پژوهشی تشکیل دهند.» او اظهار کرد: «صهیونیست‌ها به طور متوسط روزانه ۳۰۰ نفر از مردم غزه و فلسطین را به شهادت رسانده‌اند. در کمتر جنگی روزانه به‌طور متوسط آمار ۳۰۰ نفر کشته داریم که نیمی از آنها هم زن و کودکند. ببینید اسرای آزادشده چند ساله هستند. ترور، بی‌خانمان کردن و کشتار و اقداماتی از این دست، واقعیت صهیونیست‌هاست. پیش از به راه افتادن طوفان الاقصی در غزه، چند ماه بود که اسرائیلی‌ها مرتب فرماندهان فلسطینی و حماس را ترور می‌کردند. سرزمین ملتی را غصب کنند، آنها را آواره کنند و مابقی مردم را در باریکه‌ای که از نظر جمعیتی متراکم‌ترین نقطه روی کره زمین و بزرگ‌ترین زندان بی‌سقف دنیاست، زندانی و اطرافش را دیوار بکشند و گذرگاه رفح را احداث کنند که هر زمانی خواستند، مسیر آن را باز و مسدود کنند.»

حدادعادل در ادامه صحبت‌های خود بیان کرد: «مساله‌ای که قصد دارم عرض کنم، خود اسرائیل نیست بلکه آمریکایی است که از آن حمایت می‌کند. باید دید این چه تمدن و فرهنگی است که پشتیبان چنین جنایتی است. اسرائیل را انگلیسی‌ها به وجود آوردند، تحویل آمریکایی‌ها داده و حالا خود، از آن بهره می‌برند. سال‌هاست که به ما این‌گونه گفته‌اند که آمریکا مدافع صلح و حقوق بشر، آزادی، مردم‌سالاری و مخالف تروریسم است. آنها در مقابل حرکات مسلمانان، همواره آنها را به تروریست بودن متهم می‌کردند و حتی خودشان داعش را ایجاد کردند که این تصویر را پررنگ‌تر کنند و خودشان پرچم صلح دست گرفتند. فلسطین آزمایشگاه تاریخی و جهانی برای راستی‌آزمایی تمام ادعاهایی است که دنیای غرب به‌طور نظری مدعی آنهاست. اما آنچه عملا اتفاق می‌افتد، درست نقطه مقابل آن است. یعنی تضادی وحشتناک بین نظر و عمل در دنیای غرب دیده می‌شود. اما وجدان بشریت با این سوال روبه‌روست که این حرف و این عمل شماست. این همه از نظم جهانی صحبت کردیم. طبق گفته‌های کتابی که در این زمینه منتشر شده، ترتیباتی در دنیا داده شده که هرکسی از این نظم جهانی عدول کند باید طرد شود و غرب معتقد است که ایران خلاف این نظم عمل کرده است. پس اسرائیل به کدام نظم جهانی عمل کرده و شورای امنیت تاکنون چند قطعنامه صادر کرده که اسرائیل به هیچ‌یک از آنها عمل نکرده است؟» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به آثار فکری و فرهنگی طوفان الاقصی در جهان و در کشورهای اسلامی و عربی و کشورهای منطقه تصریح کرد: «مسلما آمریکا و اسرائیل بعد از طوفان الاقصی، آمریکا و اسرائیل قبل نخواهند بود. جمعیت معترض را در نیویورک، تظاهرات در دانشگاه‌های آمریکا و نیز تظاهرات در لندن را مشاهده کرده‌ایم. آنها پیش از این حتی اجازه نمی‌دادند معترضان پرچم فلسطین را در دست بگیرند. اما بعد از وقوع این طوفان، صدها پرچم در دست معترضان در سراسر جهان دیده می‌شود. آنچه اتفاق افتاده، بطلان ادعاها و فروپاشی منطقی مبانی فکری نظام غرب است که بیانگر تضاد بین حرف تا عمل آنهاست و بی‌آبرویی غرب است که ارزشمندی بالایی دارد زیرا چراغی برای روشن کردن راه آینده به شمار می‌رود. در جهان اسلام و جهان عرب هم تمام دولت‌های دست‌نشانده غربی که طبق نقشه آمریکا برای خاورمیانه عمل می‌کردند، سرشان به سنگ خورده است. ببینید در دو سه ساله اخیر با چه سرعتی عادی‌سازی روابط را پی می‌گرفتند اما همین کشورها که در عادی‌سازی روابط پیشگام بودند، از ترس مردم خودشان، سفیرشان را فراخوانده‌اند.»

او در بیان اثرات دیگر طوفان الاقصی اشاره کرد: «تاثیر دیگر آن در منطقه، تقویت مقاومت است. مقاومت نشان داد درحالی‌که دولت‌های عربی نمی‌خواهند هیچ کمکی به مردم فلسطین کنند، اما واقعیتی با الهام از انقلاب اسلامی و الهام از تفکر بسیجی به وجود آمده که بی‌عملی و خیانت برخی دولت‌های عربی را جبران کرده است. مقاومت پای فلسطین ایستاده است که شما در آینده شاهد نتایج آن خواهید بود. در داخل کشور هم قطعا جریان‌های سیاسی و فکری که به غرب خوشبین بوده و تصور می‌کنند می‌توان با آمریکا ارتباط برقرار کرد، کمرنگ‌تر می‌شوند. از سال ۹۸ و بعد از شهادت سردار سلیمانی، شاهد این تاثیر در داخل کشور خودمان بوده‌ایم. امسال هم در ۱۴۰۲ این رفتار جهانی در کشور ما و در دانشگاه‌ها اثر خواهد گذاشت. دانشجویانی که تحت تاثیر این تبلیغات هستند که انقلاب اسلامی نه، غرب باید الگوی ما باشد، باید گفت غربی که این‌گونه رفتار می‌کند آیا شایستگی سروری بر جهان را دارد؟ و آمریکا باید با مبانی سست و حمایت از جنایت دنیا را اداره کند؟ به کجای این شب تیره بیاویزم قبای ژنده خود را.»

ادامه از صفحه ۳
ادامه در صفحه ۵

مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران:

رژیم صهیونیستی در ۴ مرحله از حماس شکست خورد

حمیدرضا مقدم‌فر، استاد دانشگاه و مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «در طوفان الاقصی و پدیده اخیر، ما درمجموع دو جبهه را در غزه داشتیم. اول جبهه رزم و دوم هم جبهه جنگ روایت‌ها و رسانه بوده که هر دو میدان نبرد با اهمیت است. جبهه دوم یک پدیده جدیدی را رقم زده که معتقدم باید بیش از آنچه تا امروز به آن پرداخته شده، به آن بپردازیم و درباره‌اش تامل کرده و حتما کارهای پژوهشی و نشست‌هایی را پیرامون آن داشته باشیم تا آموزه‌های بزرگی به‌دست آوریم.» او ادامه داد: «در جبهه میدان، شکست چهار مرحله‌ای رژیم صهیونیستی روشن است. یک مرحله در ابتدا و غافلگیری عملیات الاقصی بود که رژیم صهیونیستی در خاموشی و غفلت شکست خورد و باعث شکسته شدن هیمنه ارتش شکست‌ناپذیر و سازمان اطلاعات درجه اول دنیا به نام موساد در شش ساعت شد. شکست دوم بی‌نتیجه ماندن حملات هوایی، موشک‌باران، بمباران غزه از سوی رژیم صهیونیستی است. شکست بعدی عملیات زمینی و ورود به غزه بود که نتیجه و تسلطی برای رژیم صهیونیستی نداشت. شکست چهارم را هم باید حمله به بیمارستان و مدارس دانست.»

مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تصریح کرد: «هدف‌گذاری رژیم صهیونیستی در هیچ مرحله‌ای از این چهار مرحله‌ای که برای حمله در نظر گرفته بودند، به نتیجه نرسید. اهداف تاکتیکی بود اما شکست آنها راهبردی بود تا جایی که درنهایت رژیم صهیونیستی مجبور به پذیرش آتش‌بس ولو چهار روزه شد و همه دنیا هم این موضوع را تایید و خود صهیونیستی‌ها هم در مراحل مختلف به این موضوع اذعان کردند.» مقدم‌فر به جبهه روایت‌ها اشاره و تصریح کرد: «بسیاری از رسانه‌های غربی که رسانه‌های بزرگ و نامی غرب را هم شامل می‌شود و بیشترین توان رسانه‌ای دنیا را در اختیار دارند، در دست رژیم صهیونیستی است. آنها در تکنیک و تاکتیک‌هایشان تنها یک حرف داشتند و آن هم اینکه روایت‌ها می‌تواند به واقعیت‌ها غلبه کند. همیشه این سوال بود که آیا این اتفاق برای همیشه شدنی است؟ مصداق فراوانی هم وجود دارد که آنها سفید را سیاه جلو می‌دهند و آنچه را که می‌خواهند روایت کرده و افکار عمومی دنیا را مدیریت می‌کنند. ما امروز دو دهه است که درگیر مساله مدیریت شناختی و بازنمایی روایت‌ها هستیم و آنها هم اصلی‌ترین تاکتیک‌شان در مدیریت شناختی و مدیریت ادراک، بحث روایت است یعنی آنها آنچه را که می‌خواهند بازنمایی می‌کنند.» او تصریح کرد: «ساخت روایت‌ها در دنیای رسانه‌ای غرب غلبه داشته است و طوفان الاقصی نشان داد که حقایق و واقعیت‌ها در ساخت روایت‌ها اهمیت دارد آن هم در شرایطی که می‌بینیم هم در میدان رزم و هم در میدان جنگ روایت‌ها، جنگ، جنگ نامتقارنی بوده است. در میدان رزم می‌بینیم که فناوری‌های روز دنیا در جنگ افزار در دست رژیم صهیونیستی قرار دارد اما در میدان جنگ، شکست خورده است. در جنگ روایت‌ها هم همین‌طور بوده است. سوال اصلی این است که چه عواملی باعث شد به این نتیجه برسیم که جنگ روایت‌ها مهم است؟»

مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تصریح کرد: «یکی از دلایل اصلی برای مهم بودن جنگ روایت‌ها این است که جبهه حق و جبهه عدل درحال روایت کردن است. مهم‌ترین حسن فطری انسان‌ها عدالت است. قطعا در مقابل جبهه حق، جبهه ظلم را می‌بینیم یعنی ظلم در کودک‌کشی، غصب خانه‌های مردم و بالاترین درجه خشونت را امروز شاهد هستیم و کنار این دو جبهه، سنت‌های الهی وجود دارد که طبق آن باید حق نمایان شود. در تمام این دوره‌ها، گاهی در جنگ روایت‌ها تاثیرها کوتاه‌مدت بوده ولی هیچ‌گاه در درازمدت نمی‌توانند موفق باشند.» مقدم‌فر بیان داشت: «تکنیک‌های جنگ روانی شامل دروغ، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی و... است، ولی بعد از مدتی مشخص می‌شود که دروغ بوده و حتی معلوم می‌شود که یک موضوع بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی شده است. به همین دلیل آنها در بلندمدت هیچ‌گاه موفق نبوده‌اند، اما اتفاقی که در کوتاه‌مدت رخ داد در همین جنگ هم جنگ روایت‌ها بوده است. یک روز توسط یک خبرنگار دروغ سر بریدن کودکان و تشبیه حماس به داعش را در دنیا منتشر کردند، اما این موضوع در کوتاه‌ترین مدت تکذیب شد و خود خبرنگار منتشرکننده خبر، کذب بودن آن را اعلام کرد.» او تصریح کرد: «در جبهه حق در غزه کسانی که روایت می‌کردند، افرادی بودند که در این جنگ نامتقارن از حیث ابزار و عده در اقلیت قرار داشتند، با این حال آنها موفق عمل کردند، دلیل آن چیست؟ ما بیش از ۶۰ شهید خبرنگار در غزه داشتیم. این خبرنگاران بودند که حاضر می‌شدند جان‌شان را در راه حق فدا کنند و این کار برای روشن کردن حقیقت بوده است. ما در هشت سال دفاع مقدس بیش از ۲۰۰ هزار شهید دادیم و پیام آنها هم برای دنیا پیروزی بود، الان در جبهه غزه هم همین است.»

مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیان داشت: «یکی از فرمایشات مقام‌معظم‌رهبری در دیدارهای مختلف از جمله دیدار با هنیه، این بود که ایشان فرمودند شما مردم چون صبر و مقاومت کردید طبق سنت الهی پیروز هستید. در رسانه هم همین اتفاق می‌افتد یعنی در جنگ روایت‌ها هم حتما سنت الهی مهم است و باید ساعت‌ها و روزها درباره طوفان الاقصی کار کنیم. یکی از مباحثی که باید به‌عنوان توصیه بگویم این است که باید نکاتی را از سوی جبهه حق درباره رژیم کودک‌کش روشن کرد. از رسانه‌ها تقاضا دارم که روی وجهه نژادپرستی و آپارتاید رژیم اشغالگر کار شود.» مقدم‌فر گفت: «آپارتاید موضوعی است که در دنیا ادبیات و فهم مشترک نسبت به آن وجود دارد و قبیح است. البته آپارتاید این رژیم با آفریقای جنوبی در گذشته متفاوت است؛ چراکه مساله رژیم آفریقای جنوبی تنها سفید و سیاه بود اما اینجا موضوع تنها رنگ پوست نیست، بلکه رژیم اشغالگر هر قوم، طایفه، زبان را به غیر از خود در حد حیوان دانسته و تنها خودش را نژاد برتر می‌داند. رژیم صهیونیستی اصلا موضوعش بحث مذهب نیست، بلکه مساله‌شان قومی و طایفه‌ای است، به همین دلیل است که می‌بینیم بسیاری از علمای یهود در وقایع اخیر علیه رژیم صهیونیستی شدند، برای همین مساله است.» او بیان داشت: «امروز با یک موبایل اخبار را منتشر می‌کنند و به همین دلیل رژیم صهیونیستی برق غزه را قطع کرد و مقر خبرنگاران را بمباران کرده است. با این حال باز پدیده‌ای که امروز توسط رسانه‌ها و سنت حق با آن روبه‌رو هستیم این است که برای تمام افکار عمومی دنیا وضعیت مشخص شد. از سال ۴۲ و ۴۳ پیام امام این بوده که دولت غاصب نامشروع است و امروز همه دنیا این مساله را فهمیده است.»

دبیرکل حمایت از انتفاضه:

طوفان الاقصی سرعت ایجاد جهان جدید را افزایش داد

سیدمجتبی ابطحی، دبیرکل کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین با بیان اینکه جهان جدیدی در حال خلق شدن است، گفت: «حماسه طوفان الاقصی شتاب بی‌نظیری به خلق این جهان جدید داده است. گروهی مبارز و مجاهد در این عصر حساس که پایان نظم موروثی و باقی‌مانده از جنگ جهانی دوم است و هر کسی که سهم و حدودی از قدرت و اختیار را برای خود و همفکرانش در سطح جهان در حال تامین کردن است و فرزندان امت اسلام، در غزه حماسه‌ای آفریدند که سهم عظیمی را برای جبهه عدالتخواهی و منتظران منجی به دست آورده و تغییر ریشه‌ای در روابط بین‌الملل، روابط بین انسان‌ها و محیط شکل داده است.» او ادامه داد: «با عملیات طوفان الاقصی گفتمان‌های جدیدی خلق شده است. هیچ‌وقت کسی تصور نمی‌کرد، گروه کوچکی به نام حماس که درون نوار غزه سال‌ها محبوس بوده و همه راه‌ها به روی آنها بسته شده و حتی تلاش بزرگی از سوی برخی از کشورهای به‌اصطلاح اسلامی برای به سازش کشیدن و قراردادنش در مسیر عادی‌سازی روابط با اسرائیل، انجام شده، ناگهان چنین حادثه غیرقابل پیش‌بینی و بزرگی را رقم بزنند.»

دبیرکل حمایت از انتفاضه تصریح کرد: «وقتی مقام‌معظم‌رهبری فرمودند کرانه باختری را مسلح کنید، دشمن تصور کرد با توجه به سلطه حماس بر نوار غزه، جمهوری اسلامی از تحولات در نوار غزه ناامید شده و امید دارد که جهاد اسلامی بتواند مبارزه را به کرانه باختری منتقل کند. بر این اساس وقتی که مبارزات مسلحانه در کرانه باختری شروع شد، ارتش اسرائیل بیش از ۶۰ درصد از ظرفیت خودش را طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲ به این بخش منتقل کرد و عملیات‌های پی‌درپی در کرانه باختری شکل گرفت و دشمن هم از این راضی بود که غزه وارد این معادلات نمی‌شود. در ایران هم بسیاری در تحلیل‌های سیاسی‌شان می‌پرسیدند چرا جهاد تنها با رژیم صهیونیستی می‌جنگد و فرماندهانش شهید می‌شود و حماس وارد این نبرد نمی‌شود؟ آنها از این مساله غافل بودند که حماس قرار است غافلگیری عظیمی را شکل دهد.» ابطحی تصریح کرد: «بعد از آغاز این عملیات، آمریکایی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها، آلمانی‌ها و بسیاری از سران جبهه استکباری طی ۵۰ روز گذشته تلاش بی‌نظیری کردند تا این مرده را زنده کنند و این شکست خورده را حتی با پیروزی اندکی به بقای عمرش امیدوار کنند؛ چراکه امروز جمعیت ساکن فلسطین اشغالی هیچ امیدی نداشته و آینده بسیار مبهمی در انتظارشان است. بعد از اینکه پنج دولت در طول سه‌سال‌ونیم گذشته در فلسطین اشغالی سقوط کرد، اقلیت مذهبی و متمسک به دین یهود قدرت را به دست گرفته است. یهودی‌ها امروز دو قسمت شده‌اند، سکولارها یعنی آنهایی که مذهب را قومیت دانسته و براساس قومیت هم می‌خواهند کارها را دنبال کنند و آنهایی که یهودیت را ایدئولوژی می‌دانند و معتقدند باید در تمام ارکان و شئون جامعه اسرائیل جاری و ساری باشد.» او تصریح کرد: «امروز دولت مذهبی با یک ائتلاف ضعیف روی کار است و آنها می‌خواهند همه فلسطین را براساس اعتقادات‌شان از فلسطینی‌ها بگیرند و اعتقادی به ۲ دولت ندارند و حتی به بافته‌های نظام استکباری مانند طرح ابراهیم هم معتقد نیستند و می‌گویند همه سرزمین فلسطین باید در اختیار صهیونیست‌ها و یهودی باشد و همه مسلمانان یا باید کشته شوند یا کوچانده شده یا مانند برده‌ها در خدمت ما باشند و به غیر از این سه راه را برای ملت فلسطین، هیچ راه دیگری را پیش‌بینی نمی‌کنند. ولی عملیات طوفان الاقصی همه این برنامه‌ها را به‌هم ریخته و همه تلاش‌های دشمن برای گرفتن یک اسیر، چه اسرای خودش و چه فرمانده‌های حماس به نتیجه نرسید و علی‌رغم به کارگیری هزار و ۳۵۰ تانک، آن هم در یک منطقه محدود شمال غزه حتی یک موشک را هم نتوانست پیدا کند.»

دبیرکل حمایت از انتفاضه گفت: «ما قبلا در جامعه اروپا و غرب، افکار روشنفکری و ضدنظام سلطه را در بخشی از نخبگان اروپایی و آمریکایی مشاهده می‌کردیم اما در لایه‌های اجتماعی این تفکر، عمقی نداشت اما این عملیات به صورت ناگهانی و معجزه‌آسا، این تفکر را که سال‌ها در غرب وجود داشت و به دلیل نبود رهبر، به جایی نرسیده بود را شکوفا کرد. وضعیت شکل متفاوت گرفت و یکباره توده‌های مردم وارد صحنه شد و تظاهرات چند صدهزار نفری و یک میلیون نفری در جهان غرب برگزار شد. در ابتدای همین هفته، هفتمین تظاهرات در لندن برگزار شد. همچنین در ۵۰ ایالات آمریکا تظاهرات مختلفی شکل گرفت. نکته دیگر اینکه بیش از ۶۰ درصد از اعضای هیات علمی و دانشجویان دانشگاه هاروارد در تظاهرات ضدصهیونیستی در سه نوبت شرکت کردند.» ابطحی گفت: «غرب بعد از عملیات دید که یار استراتژیک آن این‌بار، به بار استراتژیک تبدیل شده است. انتخابات آمریکا در پیش است و بین حزب محافظه‌کار و کارگر در انگلیس بر سر نحوه برخورد با اسرائیل آشوب جدی برقرار شده و اعتراضات جدی به نخست‌وزیر آن مطرح می‌شود. حماس هم که امروز خود را پیروز این آتش‌بس می‌داند، شرایط جدیدی را برای اسرائیل تعیین می‌کند و این نشان می‌دهد که حماس امروز قوی‌تر از حماس گذشته است.» او گفت: «مقام‌معظم‌رهبری در دیدار با دانشجویان در سال ۱۴۰۱ عنوان کردند که سهم‌تان را از این جهان بگیرید. زمانی بعد از جنگ جهانی دوم سران سه کشور قدرتمند دنیا در کاخ سعدآباد دور هم جمع شده و جهان را تقسیم کردند و حتی اجازه ورود به شاه هم ندادند، اما امروز ما بناست قدرتی را برای جبهه عدالتخواهی به وجود بیاوریم. ما به دنبال سلطه و کشورگشایی نیستیم و این را نگاه کنید که جمهوری اسلامی یک‌تنه مقابل همه نظام سلطه می‌ایستد و اراده‌اش را به آنها تحمیل می‌کند.»

عضو حقوقدان شورای نگهبان:

هرگونه مقابله و مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی مشروع است

عباسعلی کدخدایی، عضو حقوقدان شورای نگهبان با اشاره به نقض قوانین حقوق بشری در فلسطین بیان کرد: «حوادث غزه و جنایت‌هایی که رژیم صهیونیستی درحال ارتکاب آن است ابعاد مختلفی دارد و قطعا در این‌گونه نشست‌ها و همایش‌ها به این ابعاد توجه می‌شود. آنچه که بنده تمایل دارم با شما درمیان بگذارم، یکی بحث حقوقی نسبت به شروع این اقدامات است که گاهی اوقات شبهات و سوالاتی پیرامونش مطرح می‌شود و نکته دوم در خصوص توصیف جنایت‌های رژیم صهیونیستی بر فلسطین از نگاه حقوق بین‌الملل و قواعد حقوق بشر است.» او افزود: «موضوع شکل‌گیری رژیم صهیونیستی از ابتدا یک انحراف و بر اساس حقوق بین‌الملل با تصرفی غاصبانه و اقدامات جنایت‌آمیز آغاز شد. غصب زمین‌ها، قتل‌عام مردم مظلوم فلسطین در منطقه و شهرک‌سازی‌ها نیز در ادامه اتفاق افتاد؛ به عبارت دیگر نقض سیستماتیکی که رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ تا الان داشته که در قالب اسناد بین‌المللی و مخصوصا قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی نیز به آنها اشاره شده است.»

کدخدایی با اشاره به تحولات سرزمین فلسطین، تشریح کرد: «تحولاتی که از سال ۱۹۴۸ به بعد در این سرزمین اتفاق افتاد این مساله را ایجاد کرده بود که گروهی از مردم این سرزمین برای تعیین سرنوشت خودشان اقداماتی را انجام می‌دهند. در سال‌های گذشته مبارزانی بودند که با گذشت زمان به گروه‌های سیاسی تبدیل شدند و دولتی را در کرانه باختری به زعم فعلی خود با عنوانی که دارند شکل دادند و در بخش غزه هم سرنوشت مردم رها شد و رژیم صهیونیستی در هر دو منطقه مخصوصا غزه همچنان جنایت‌های خود را ادامه می‌داد. همچنین به صورت نامشروع از حق تعیین سرنوشت مردم در غزه و حتی کرانه باختری جلوگیری می‌کرد.»

وی افزود: «کوچ و اخراج اجباری مردم فلسطین امر روشنی است. امروزه حدود هفت میلیون آواره فلسطینی در خارج این سرزمین وجود دارد. شهرک‌سازی که در سرزمین فلسطین به صورت غیرقانونی تاکنون انجام شده و هنوز هم ادامه دارد و در تمام اسناد بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت مانند قطعنامه ۲۴۲ و در رای مشورتی دیوار حائل هم مطرح گشت و اعلام شد که این اقدامات خلاف قوانین بین‌الملل است؛ توجهی به آن نکرده‌اند. در قانون حائل، اقدامی که رژیم صهیونیستی انجام داد غصب و تصرف غیرقانونی بخشی از سرزمین‌ها و زمین‌های متعلق به مسلمانان بود. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی یک رژیم نژادپرست است و در قطعنامه‌ای که رژیم صهیونیستی را یک رژیم نژادپرست معرفی کرد و بعدها برای مذاکرات کرانه باختری، با فشار این رژیم از آن عدول کردند، نمونه بارزی بود که در اسناد بین‌المللی، بحث نژادپرستی هم از سوی این رژیم مطرح شده بود. بنابراین، اقداماتی که مردم در مقابل این رژیم انجام می‌دهند، اقدامات مشروعی است که براساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل امروزی انجام می‌شود؛ یعنی آنچه ملل متحد به آن اعتقاد دارد و آنچه در اسناد بین‌الملل و اسناد و کنوانسیون‌های مختلف وجود دارد؛ همه این موارد نشانه آن است که به دلیل غاصب بودن رژیم صهیونیستی، هرگونه مقاومت و مقابله با او مشروع است و به عنوان دفاع مشروع شناخته می‌شود. بنابراین، اقداماتی هم که مردم مظلوم غزه در این یک ماه گذشته در دفاع از حق مشروع خود انجام داده‌اند، اقدامات مشروعی است که قابل قبول است.»

او در ادامه به وضعیت فعلی سرزمین‌های اشغالی پس از اکتبر اشاره کرد و افزود: «رژیم صهیونیستی برخلاف همه اصول و قواعد بین‌الملل و بشردوستانه، جنایت‌هایی را مرتکب شده که مغایر با بسیاری از کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ۱۹۷۷ بوده است. اولین مساله‌ای که در مخاصمه‌های مسلحانه مطرح می‌شود، بحث اصل تفکیک است؛ تفکیک نظامیان از غیرنظامیان؛ گروهی که مسلحانه در مبارزه درگیر هستند و مردم عادی. مشاهده کردید که چه بسیار زنان، کودکان و مردمی که هیچ درگیری در حملات مخاصمانه نداشته و درگیر زندگی خود بوده‌اند اما با بمباران‌های وحشیانه رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند. آمار شهدایی که هر روز در حال افزایش است، نگران‌کننده است. اگر یک گروه مبارز مسلحانه با شما درگیر است، به تعبیر مقام‌معظم‌رهبری که تعریف زیبایی داشتند و فرمودند وقتی در بازی نمی‌توانید حریف خود را مغلوب کنید، به تماشاچیان حمله می‌کنید. مساله‌ای بسیار جدی در این زمینه مطرح است. اصل تفکیک، اصل تناسب که در باید در تمام حملات مخاصمانه رعایت شود؛ اگر حمله‌ای صورت می‌گیرد، در مقابل آن چه حمله‌ای باید صورت گیرد؟ آیا اگر گروه مبارزی با شما درگیر است، باید بیمارستان‌ها، مدارس و مساجد مورد حمله واقع شود؟ اینها همگی نقض کنوانسیون‌های متفاوتی است که در حقوق بین‌الملل شاهد آن هستیم و بسیاری از آنها توسط خود این غربی‌ها تدوین و مطرح شده است.»

به گفته کدخدایی، نکته مهم دیگری که در این مدت شاهد بوده‌ایم، بحث حمایت بی‌دریغ کشورهای مختلف از جمله آمریکا و کشورهای غربی بود که علاوه بر اینکه سران این کشورها به سرزمین‌های اشغالی سفر کرده و حمایت سیاسی خود را اعلام کرده‌اند، بعدها هم در کمک‌های نظامی و کمک‌های مالی، به طور رسمی اعلام کرده‌اند که به رژیم صهیونیستی کمک می‌کنند؛ در اینجا اگر بخواهیم مسئولیت دولت را در مقابل آنها عرض کنیم، دولت‌هایی هم که در این جهت به رژیم صهیونیستی کمک کرده‌اند، شریک این اقدامات مجرمانه بوده و باید پاسخگو باشند.

او در انتها عنوان کرد: «نکته پایانی اینکه اصل اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط رژیم صهیونیستی و افراد درگیر، عملی نامشروع بوده و دفاع مردم فلسطین براساس قوانین بین‌الملل، دفاعی مشروع است. از سوی دیگر، جنایت‌هایی که رژیم صهیونیستی در این مخاصمه مسلحانه مرتکب شده است، براساس کنوانسیون‌های بشردوستانه و قوانین بین‌الملل محکوم است و امیدواریم مرجعی در جامعه جهانی پیدا شود که روزی به جنایت‌های انبوهی که رژیم صهیونیستی انجام داده، رسیدگی کند و داد مردم مظلوم فلسطین را بگیرد.»

ادامه از صفحه ۴
ادامه در صفحه ۶

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

رئیس دانشکده علوم و ارتباطات دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی:

روایت برتر باید توسط رسانه‌های مستقل مدنظر قرار بگیرد

اکبر نصراللهی، رئیس دانشکده علوم و ارتباطات دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی با اشاره به رویکردهای رسانه‌ای پوشش وقایع و فجایع غزه، بیان کرد: «هرجایی که ما بحث استراتژی‌ها و راهبردها را مطرح می‌کنیم، حتما قبل از آن باید به اهداف نیز فکر کنیم زیرا اهداف از جنس مقصد و راهبردها از جنس معبر و مسیر است. بنابراین باید بدانیم که اهداف رژیم‌صهیونیستی در جنگ غزه چه چیزی بوده و آیا توانسته‌اند به اهداف خود برسند یا خیر. در مرحله بعدی نیز باید بر اهداف و استراتژی‌های خودمان تمرکز کنیم.» وی افزود: «همانطور که می‌دانید رژیم‌صهیونیستی چند مورد را به عنوان اهداف خود بیان کرده که از روی رفتار این رژیم نیز می‌توان متوجه این موارد شد. نابودی حماس و آزادی گروگان‌ها دو هدف اعلامی این رژیم است. این دو هدف به صورت مستمر توسط نتانیاهو و مسئولان رژیم‌صهیونیستی تکرار شد. همچنین حساسیت‌زدایی از افکار عمومی، عادی‌سازی کشتار و نقض قوانین بین‌المللی و جابه‌جایی نقش‌ها نیز از دیگر اهداف این رژیم است. برای رسیدن به این اهداف بمباران غزه و حمله زمینی دو راهبرد اصلی بود که به هیچ‌کدام از این اهداف نیز نرسیدند.»

نصراللهی با بیان اینکه برچسب‌زدن، مظلوم‌نمایی، هزینه از سرمایه، برخورد دوگانه، نقل‌قول، شایعه، ترس، واکنش زنجیره‌ای و... از مهم‌ترین تاکتیک‌های رژیم‌صهیونیستی است، تشریح کرد: «یک مورد از این تاکتیک‌ها دروغ راست است، به بیان خلاف واقع دروغ می‌گویند؛ این مساله روشن است اما مفهوم دروغ راست به معنای این است که بخشی از واقعیت به گونه‌ای برجسته شود که مخاطبان آن بخش را به عنوان کل واقعیت تلقی کرده و شکل دومی برای آن متصور نباشند؛ کاری که لشکر رسانه‌ای غرب و صهیونیست‌ها در بحث طوفان الاقصی و غزه انجام دادند نیز همین دروغ راست است.»

وی ادامه داد: «عملیات ۷ اکتبر حماسی‌ها درواقع واکنش و پاسخ به ظلم صهیونیست‌ها در قبال مردم فلسطین و اهانت مداوم آنها به مسجد الاقصی بود. بخشی از واقعیت غیرقابل انکار حمله حماس به اسرائیل است؛ اما آیا همه واقعیت نیز این است؟ این یک دروغ راست است که با برجسته کردن حمله حماس از توجه به ریشه‌ها و علت‌های این اتفاق جلوگیری می‌کنند.»

نصراللهی با بیان این سوال که ما باید چه کاری انجام دهیم، اظهار کرد: «من فکر می‌کنم که در ابتدا پیروزی را باید همه حس کنند. بالا بردن اعتماد به نفس و امید در مردم، تربیت مقاومت، بازدارندگی، جلوگیری از تعرض و توسعه فعالیت‌های رسانه‌ای رقبا و دشمنان نیز از اهداف مهمی است که در این برهه زمانی باید مورد توجه قرار بگیرد.» وی افزود: «روایت برتر یکی از راهبردهایی است که باید توسط رسانه‌های مستقل و جبهه مقاومت مد نظر قرار بگیرد. باید بپذیریم که علی‌رغم زحمت‌هایی که کشیده شده، ما در بحث روایت اول موفق نبودیم، پس حداقل باید سعی کنیم که روایت برتر داشته باشیم. الان فرصت خوبی است که مستندسازان، خبرنگاران، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی، حوزه‌های علمیه و... دراین زمینه فکر کنند که چگونه می‌شود از وضعیت فلسطین و جنایت اسرائیل روایت جامع و مستدلی را تولید و در قالب‌های جذاب انتشار داد.»

رئیس دانشکده علوم و ارتباطات دانشگاه تهران مرکزی گفت: «راهبرد دیگر حضور است. یعنی رسانه‌ها در میدان باشند و ما باید در رسانه حضور داشته باشیم. واقعیت این است که ما به دلایل مختلف در غزه و در میدان نبودیم، زیرا رژیم‌صهیونیستی در آن منطقه سانسور بی‌سابقه‌ای را اعمال می‌کرد. بنابراین در اولین فرصت باید همه تدابیر با هماهنگی نهادهای امنیتی انجام شود که خبرنگاران ما در غزه حضور داشته باشند.» وی افزود: «نکته دیگر بحث حقایق امیدزا است. به هر صورت این اتفاق دو بعد خوب و بد دارد. من به عنوان یک کارشناس و با توجه به ۳۰ سال تجربه فعالیت در رسانه می‌گویم که ما بیشتر سوی منفی را گرفته‌ایم و این مساله اصلا خوب نیست. باید ذره‌بین بگذاریم و حقایق امیدزا را بیان کنیم؛ منظور این نیست که منفی‌ها را نگوییم اما بیان نقاط مثبت و منفی در کنار هم خوب است. از اهالی رسانه خواهش می‌کنم که استراتژی شما باید حقایق امیدبخش باشد، حقایق امیدزا را کشف کنید تا مردم به مساله فلسطین امیدوار باشند.»

نصراللهی با اشاره به جهاد تبیین بیان کرد: «جهاد تبیین محدود به بحث‌های سیاسی و مسائل داخلی کشور نیست. الان جهاد تبیین در حوزه غزه جزء اولویت‌ها است. علل و ریشه‌های عملیات طوفان الاقصی، صبر، مقاومت و اراده مردم، نارضایتی‌های داخلی اسرائیل و... باید تبیین شود. بحث افزایش سرمایه بدون هزینه نیز باید جزء راهبردها قرار بگیرد. من به عنوان کارشناس پیشنهاد می‌کنم تا جایی که مقدور است دوستانی که ملاحظات حاکمیتی دارند، حرف نزنند. زیرا تا به الان این افراد به اندازه کافی موازین کشور را تکرار کرده‌اند و الان باید از صدای مردم و کارشناسان استفاده شود تا بدون پرداخت هزینه سرمایه خود را افزایش دهیم.» وی افزود: «نباید منتظر بمانیم که اتفاقی رخ دهد و بعد پاسخ دهیم. الان درباره ماجرای عملیات و جنایت صهیونیست‌ها ابهامات زیادی داریم. به نظر من هم باید به این ابهامات پاسخ داده شود و هم باید کنشگری فعال داشته باشیم. یعنی قبل از وقوع اتفاق و ایجاد ابهام، پیش‌بینی و اقدام کنیم. راهبرد تکرار نیز دو بعد دارد؛ یکی تکرار پایداری و ماندگاری روایت مقاومت، یعنی باید اینقدر روایت‌های برحق و درست مقاومت را تکرار کنیم تا حاصل شود. از طرف دیگر نگاه‌های دوگانه نتانیاهو درباره نابودی حماس و آزادسازی گروگان‌ها را باید تکرار کنیم تا در ذهن مردم جا بیفتد که در هیچ‌کدام از این اتفاقات نیفتاده است.»

نصراللهی با اشاره به استمرار کنشگری در مساله فلسطین، تشریح کرد: «نباید زود عقب‌نشینی کنیم زیرا تبیین در بحث غزه باید ادامه داشته باشد. بهره‌برداری از احساسات نیز یکی دیگر از راهبردهای بسیار مهم است. برای مثال چند روز پیش درحال بررسی رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال بودم. این رسانه‌ها با انتشار عکس‌های کودکان اسرائیلی درحال بازی و شادی احساسات مخاطبان را به گونه‌ای که انگار نیروهای حماس انسان‌های جنایت‌کاری هستند و به کودکان اسرائیل حمله کرده‌اند متمایل می‌کردند. بر فرض که این عکس‌ها واقعی باشد، آیا شش هزار کودکی که در غزه قربانی شدند، زندگی و بازی نمی‌کردند؟»

وی افزود: «من فکر می‌کنم باید از احساسات مردم در این راستا استفاده درست شود. ما در کنار تحلیل‌محوری، بالا بردن قدرت تحلیل مردم و امیدبخشی به آنها باید به احساسات نیز توجه کنیم. مگر می‌شود که کار رسانه‌ای بدون توجه به احساسات باشد؟ راهبر دیگر تولید از منظر دیگران است، زیرا اگر قرار باشد محتوا را همواره برای خودمان تولید کنیم نمی‌توانیم به اهداف و راهبردهایی که مدنظر است برسیم. باید بپذیریم که بسیاری از مخاطبان ما در خبرگزاری‌های رسمی، مطبوعات و صداوسیما نیستند. نه اینکه رسانه‌ها مخاطب نداشته باشند بلکه وضعیت و آرایش آنها تغییر پیدا کرده و از طرفی مصرف رسانه‌ای مردم نیز تغییر پیدا کرده است. بنابراین باید متناسب با حضور مخاطب در رسانه‌هایی که وجود دارد سرمایه‌گذاری انجام شود. همچنین باید ذائقه مخاطب امروزی و جوانان را در نظر بگیریم، زیرا نمی‌توان با زبان خودمان تولید محتوا کنیم و انتظار اثرگذاری داشته باشیم.»

نصراللهی با اشاره به اتخاذ راهبرد مقایسه در مساله فلسطین اظهار کرد: «راهبرد مقایسه به این معناست که برای مثال آمار کل تلفات آمریکایی‌ها در جنگ افغانستان را دیده و با تلفات فلسطین اشغالی مقایسه کرد؛ یا مقایسه حرف‌های نتانیاهو با واقعیت در حال حاضر غزه؛ بنابراین از این راهبرد می‌توان در راستای رسیدن به اهداف استفاده کرد. بحث مربوط به هم‌افزایی نیز نکته مهمی است. آنقدر این فاجعه عمیق و گسترده است که برنامه هم‌افزایی باید در دستور کار قرار بگیرد و ما جبهه مقاومت اساتید تشکیل دهیم. ما در عرصه رسانه نباید عقب بمانیم تا از آن محاصره تبلیغاتی که مقام‌معظم‌رهبری در بیانیه گام دوم فرموده‌اند خارج شویم.» وی افزود: «به همین دلیل است که ما در این همایش از اساتید و اندیشمندان در دانشگاه امام صادق(ع)، دانشگاه امام حسین(ع)، اندیشکده مقاومت، موسسه سراج، معاونت فرهنگی سپاه و خبرگزاری‌های تسنیم، فارس، ایسنا، ایسکانیوز، آنا و روزنامه «فرهیختگان» خواهش کرده‌ایم و از دیگر رسانه‌ها نیز دعوت می‌کنیم که در پنل‌های دیگر ما در این همایش شرکت کنند تا دست به دست هم داده و هم افزا فعالیت کنیم.»

نصراللهی با اشاره به بحث رویکردها بیان کرد: «دوستان ما یک رویکرد رویدادی و روندی، سنتی یا تحولی، کمی و کیفی داریم. رویکردهای کمی، سنتی و رویدادی جواب نمی‌دهد. اگر می‌خواهیم جهاد تبیین را در عرصه فلسطین داشته باشیم حتما باید رویکردها از کمی به کیفی، از رویدادی به روندی و از سنتی به تحولی تغییر پیدا کند. اینکه ما بین افتتاحیه و اختتامیه ۵۰ پنل در مراکز مختلف آموزشی و دانشگاهی داخلی و خارجی کشور داریم برای این است که ما این رویکرد روندی را اتخاذ کرده‌ایم و نمی‌خواهیم به این موضوع مهم، راهبردی و بین‌المللی یک ضربه بزنیم و رها کنیم. رویکرد ما انجام کارهای قوی و ماندگار است و در این راستا باید همه گروه‌های سیاسی، حقوقی و به طور کلی دانشگاهی همکاری کنند تا آن روایت برتر شکل بگیرد.»

معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد:

غزه پرچمدار انتقال تمدنی بزرگ در جهان است

محمدهادی همایون، معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد با اشاره به اتفاقات طوفان الاقصی بیان کرد: «پدیده بسیار مهم طوفان الاقصی و اتفاقاتی که این مدت شاهد آن بودیم از زوایای مختلفی قابل بررسی است ولی به نظرم می‌رسد که مجموعه این اتفاقات را می‌توانیم در یک چهارچوب تمدنی تحلیل کنیم؛ زیرا در آستانه یک انتقال تمدن بزرگ هستیم و همه این ماجرا در سرزمینی به نام فلسطین شکل می‌گیرد و موضوعی به نام غزه امروز پرچم‌دار این جریان بسیار بزرگ است.»

وی افزود: «مقام‌معظم‌رهبری از جریان غزه تعبیر کلید فرج مسلمین را داشتند. اما چرا فلسطین کلید فرج است و چرا این اتفاق بزرگ با محوریت فلسطین رخ می‌دهد؟ اجازه بدهید که از یک تحلیل جغرافیایی شروع کنیم که در فهم مساله فلسطین حائز اهمیت است. حضرت ابراهیم در زمان خود مامور به مهاجرت از کوفه به فلسطین شدند؛ این سرزمین بسیار مهم که من به آن پایتخت تمدنی جهان می‌گویم برای مدتی به شکل تعلیق درآمد و بنا شد که دین خداوند از جای دیگری گسترش پیدا کند.» همایون ادامه داد: «در ابتدای حرکت حضرت ابراهیم به سمت مصر هاجر و حضرت لوط به ایشان ملحق شدند و در نهایت این سه به فلسطین مهاجرت کردند. فلسطین از لحاظ جغرافیایی دقیقا محل تلاقی سه قاره اصلی، اروپا، آسیا و آفریقا است و درواقع می‌توان گفت این سرزمین مانند فروشگاهی که در چهارسوی بازار قرار دارد، مرکزیت دارد. بسیاری از لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها نیز از گذشته تاجر بودند و اصلا بحث تجارت از این منطقه آغاز شد. این مساله حتی با فرهنگ آنها آمیخته و این کشورها در رفتار سیاسی خود کاملا روحیه معاملاتی دارند. به طور طبیعی در منطقه فلسطین فرهنگ‌ها با یکدیگر آمیخته می‌شوند.»

همایون با بیان اینکه فلسطین جایگاه میان‌فرهنگی دارد، اظهار کرد: «در نتیجه حضرت ابراهیم یا هر کس دیگری اگر می‌خواهد پیام دین را در عرصه جهانی گسترش دهد قاعدتا باید از فلسطین شروع کند. حضرت ابراهیم مامور می‌شود که در قدس ساکن شود. این ماجرا از طریق فرزندانش ادامه پیدا کرد تا به قوم بنی‌اسرائیل رسید. از ابتدا برنامه خداوند این بود که پیامبران، دین خدا را از منطقه فلسطین راهبری کنند.» وی افزود: «زمانی که رسانه‌ها می‌خواهند درباره اهمیت فلسطین صحبت کنند، به دو ویژگی محل معراج پیامبر اکرم و دیگری اینکه قدس قبله اول مسلمین است، استناد می‌کنند. اما امروز مقابله‌ای که با رژیم‌صهیونیستی صورت می‌گیرد، جنگ دین با ضددین و حزب شیطان است و نه جنگ بین ادیان که ما ادعا کنیم از لحاظ دینی در این جنگ سهم داریم. در نتیجه اگر بگوییم معراج پیامبر در این سرزمین اتفاق افتاده و قائل به جنگ ادیان باشیم، صهیونیست‌ها نیز می‌توانند بگویند که زندگی همه پیامبران ما در این سرزمین شکل گرفته یا اگر بگوییم قدس قبله اول مسلمین بوده، می‌توانند ادعا کنند که اگر در مدت زمان محدودی قدس قبله شما بوده برای ما همیشه قبله است. ماجرا این نیست و حتی پیامبر از قبله اول ناراضی و به دنبال تغییر آن بودند.» همایون با اشاره به اینکه اهمیت فلسطین منعطف به مرکزیت جغرافیایی آن است، تشریح کرد: «این سرزمین به شدت برای حزب‌الله و حزب شیطان دارای اهمیت است. اگر قرار بر این باشد که یک انتقال تمدنی رخ دهد، قاعدتا باید با محوریت سرزمین فلسطین باشد. زمانی قرار بود بنی‌اسرائیل یک قوم متحد باشند و این ماموریت را انجام دهند اما بین آنها اختلاف افتاد و خداوند تدبیری کرد و این قوم را به مصر پایگاه تربیتی جهان فرستاد اما در نهایت این قوم به جای حزب‌الله به حزب شیطان تبدیل شد.»

وی افزود: «تقریبا برای همه افرادی که در حوزه فلسطین و رژیم اشغالگر قدس فعالیت می‌کنند، روشن است که فرمول نابودی آنها فروپاشی است و لازم نیست که اسرائیل با جنگ از بین برود. آیات ابتدایی سوره اسرا این مساله را روشن می‌کند و خواهید دید که چگونه اسرائیلی‌ها با دستان خودشان شهرک‌هایشان را تخریب می‌کنند.» همایون با اشاره به آیات قرآن درباره فلسطین و رژیم‌صهیونیستی، بیان کرد: «خداوند در قرآن کریم می‌فرماید که ما در کتاب قضا(امر قطعی) می‌کردیم که شما(بنی‌اسرائیل) دوبار در زمین فساد خواهید کرد و یک برتری‌جویی عظیم را ایجاد می‌کنید. ما از جانب خودمان بندگانی را بر شما می‌گماریم که آنها به شدت پیکارجو هستند درحالی‌که این افراد از دست گروه مقاومت فرار کرده‌اند و جریان مقاومت به دنبال آنها هستند؛ خداوند در قرآن آورده است که ما ورق را به نفع شما برمی‌گردانیم اما شما از این آزمایش سربلند بیرون نیامده و عبرت نمی‌گیرید. اما در نوبت دوم روی شما را سیاه می‌کنیم. وارد مسجد می‌شوید و آن را با خاک یکسان می‌کنید. در تفسیر این آیات که دو نوبت فساد و جزای آنها در زمین چه زمانی بوده، اختلاف است.»

بهروز افخمی، کارگردان سینما:

ادعای صهیونیست‌ها این است که می‌توان روایت را بر حقیقت مسلط کرد

بهروز افخمی، فیلمساز و کارگردان سینما نیز در این همایش درباره بازنمایی تصویر صهیونیست‌ها در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی سخن گفت. او بیان کرد: «کوشش صهیونیست‌ها مخصوصا در سینمای آمریکا برای جا انداختن روایت‌های مورد نظر خودشان است زیرا با گسترش اینترنت به نظرم تحولات جدی و بنیادین اتفاق افتاده است که باید از این به بعد لحاظ شود.» او ادامه داد: «ادعای صهیونیست‌ها یا تبلیغاتچی‌های شبیه به صهیونیسم بر این اساس است که شما می‌توانید روایت را بر حقیقت مسلط کنید، یعنی حقیقت آن چیزی است که ما تعریف کرده و نمایش می‌دهیم. آنها ادعا دارند اصلا حقیقتی وجود ندارد و با روایت‌هاست که فردی بر فرد دیگری مسلط می‌شود. این تصور (برخی اسم آن را پست‌مدرن می‌گذارند)، یعنی ادعای بنیادین که حقیقتی در کار نیست و دنیا یک‌جا اتفاقی است که می‌توانست وجود نداشته باشد و خلقت و حقیقتی در کار نیست پس حالا که ما هستیم خودمان می‌توانیم روایت‌هایی را به وجود آورده و دنیا را آن‌طور که می‌خواهیم تعریف کنیم. اگر به اندازه کافی صدای ما بلند باشد و بتوانیم کنترل مسائل رسانه را در اختیار بگیریم آنچه ما روایت می‌کنیم «حقیقت» می‌شود. معتقدم چنین ادعایی از همان ابتدا احمقانه بود و هر آدمی با عقل سلیم متوجه می‌شد که آن چیزی که به‌عنوان گوناگونی حقیقت یا برابر بودن تفسیرهای مختلف عرضه می‌کنند با منطق و عقل جور در نمی‌آید.» افخمی گفت: «در دوره‌ای صهیونیست‌ها فکر می‌کردند می‌توانند این روایت‌ها و تفسیرهای دلبخواهی از عالم را به جای حقیقت با فیلم‌های مختلف، دستکاری اخبار و کنترل شبکه‌های خبری و برنامه‌های تلویزیونی جا بیندازند. این موضوع و تفکر تا قرن بیستم شاید هنوز به نظر می‌آمد که کار می‌کند؛ اگرچه همان زمان نیز این تصور که صهیونیست‌ها فکر می‌کنند می‌توانند روایت خود را جا اندازند محل تردید بود. همان زمان نیز افراد وارد به رسانه، سینما و آثار هنری می‌دانستند که بحث اصلی پول درآوردن است که ما اسم آن را گسترش ایدئولوژی و تبلیغات می‌گذاریم.» این کارگردان سینما گفت: «در هر حال هالیوود از این راه مقدار زیادی پول کسب می‌کرد و اگر قرار بود برخی از اداره‌کنندگان صهیونیسم در هالیوود ندانند که این فیلم‌های سفارشی تاثیری ندارند پس کار خود را بلد نبودند. فیلم‌های سفارشی که درباره هولوکاست و مظلومیت یهودیان در جنگ دوم جهانی و در طول قرن بیستم ساخته می‌شد اغلب فروش نمی‌رفت. همان جا اگر آدمی عاقل بود می‌فهمید که ما پول زیادی درآورده به این عنوان که یهودی و مسلط بر هالیوود هستیم.» او در ادامه اظهار کرد: «حتی در قرن بیستم و گسترش اینترنت نیز زمانی که همه چیز را سانسور کرده و اجازه نمی‌دهید حرکت ضدصهیونیسم در هالیوود اتفاق بیفتد و هیچ‌کس نمی‌تواند فیلم ضدصهیونیسم در هالیوود بسازد، حتی آن زمان نیز وجدان و درک طبیعی ببین تماشاچیان سالم یک مقاومتی نسبت به این روایت‌های یک‌سویه و سانسورشده نشان می‌دهد. الان این قضیه تفاوت کلی پیدا کرده است، یعنی در ۲۵ سال اخیر و بعد از گسترش اینترنت جایی برای جا انداختن روایت به جای حقیقت و روایت‌های دلبخواهی به جای واقعیتی که مردم می‌فهمند وجود ندارد.» افخمی گفت: «دلیل آن این است که دیگر نمی‌توان چیزی را سانسور کرد. لازمه پنهان کردن این است که شما یک دروغ بزرگ را بتوانید جا بیندازید. باید اول بتوانید تمام مخالفان خود را سرکوب و سانسور کنید و از حرف زدن آنها جلوگیری کنید؛ در دنیایی که اینترنت گسترش پیدا کرده است چنین چیزی غیرممکن است. فیلم‌های خبری و فیلم‌هایی که بلافاصله بعد از واقعیت در حال اتفاق افتادن گزارش می‌شود به یک شکلی که باید نام آن را جنگ نامتقارن گذاشت با روایت‌های عمده‌ای که با سرمایه‌های بزرگ صهیونیست‌ها فراهم می‌شود مقابله می‌کند و به‌تدریج و به شکل نامتقارن روایت اصلی یا روایتی که میلیاردها دلار پول خرج آن شده تا جا بیفتد را مندرس می‌کند.» این کارگردان در ادامه تصریح کرد: «بنابراین فکر می‌کنم جنگ غزه تعیین‌کننده بوده و در آینده ما با دنیای جدیدی روبه‌رو خواهیم بود که در آن حتی فیلم ساختن به قصد تبلیغات کردن برای جبهه حق نیز سخت است چه برسد برای کسانی که می‌خواهند دروغی را جا بیندازند. فیلم ساختن برای جبهه حق سخت شده است؛ به محض اینکه بدانند شما به‌عنوان فیلمساز جهت‌گیری دارید دست شما را خوانده و پایان داستان را پیش‌بینی می‌کنند و در این صورت دیگر علاقه‌ای به دیدن فیلم داستانی ندارند. چون «واقعیت در جریان» از طریق اینترنت و فیلم‌های خبری به هر کسی که حتی طرفدار جبهه حق باشد منعکس می‌شود، یعنی او هم ترجیح می‌دهد در اینترنت ببیند آخرین خبر در جنگ غزه چیست.» افخمی بیان کرد: «بنابراین اگر ما بخواهیم فیلم داستانی درباره جنگ غزه بسازیم فکر می‌کنیم با این همه فیلم و شخصیت واقعی که فداکاری آنها واقعی است و حرف‌هایی که می‌زنند را با خون خود امضا می‌کنند چگونه فیلم داستانی بسازیم؟»

ادامه از صفحه ۵
ادامه در صفحه ۱۵

یمن با حمله به اسرائیل و توقیف کشتی‌های تجاری صهیونیست‌ها نقش بزرگی در دفاع از مردم فلسطین ایفا کرد

خنجر یمنی تیزتر از همیشه

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

یمن تا دیروز نان برای خوردن نداشت اما امروز به آمریکا و رژیم صهیونیستی حمله می‌کند؛ درست همانند ایران. ایران زمانی در معرض قحطی و اشغال بود اما به یکباره پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) قدرت گرفت. برای یمن این اتفاق در ۳۰ شهریور ۱۳۹۳ (۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴) رخ داد که تظاهرات مردمی به رهبری انصارالله باعث دستیابی انقلابیون به مراکز قدرت در صنعا، پایتخت این کشور شد. آنها نیز بلافاصله مورد حمله خارجی قرار گرفتند. هفت ماه بعد در ۶ فروردین ۱۳۹۴ (۲۶ مارس ۲۰۱۵) ائتلافی از کشورهای عربی با محوریت عربستان سعودی و امارات به این کشور حمله کردند.

ابتدای این جنگ با انتهای آن، تقریبا هیچ شباهتی با یکدیگر نداشتند. روزها و سال‌های اول عربستان سعودی یکجانبه یمن را بر سر ساکنانش ویران می‌کرد و در سال‌های آخر روزی نبود که چندین تاسیسات اقتصادی، زیرساختی و نظامی سعودی‌ها با پهپاد، موشک کروز و بالستیک مورد حمله قرار نگیرد.

یمنی‌ها با آرپی‌جی که برد موثر ۲۰۰ متر دارد وارد جنگ شدند اما با پهپاد وعید با برد ۲۵۰۰ کیلومتر آن را به اتمام رساندند. آنها در بازه ۹ ساله جنگ به این سطح از جهش صنعتی و نظامی رسیدند. این قدرت باعث شد کشوری که در میانه دهه گذشته قادر به دفاع از خود نبود، امروز دو هزار کیلومتر دورتر از صنعا، از مردم فلسطین در برابر قدرتمندترین ارتش‌های جهان دفاع کند. ارتش رژیم صهیونیستی در ترکیب ظرفیت تسلیحاتی و توانمندی عملیاتی پس از ارتش‌های آمریکا، روسیه و چین، چهارمین ارتش قدرتمند جهان شناخته می‌شود. این ترکیب موثر باعث شده بود ارتش صهیونیست‌ها لقب «شکست‌ناپذیر» را کسب کند. بالاتر از رژیم، آمریکا از آنها حمایت می‌کند که ۴۰ درصد کل بودجه‌های نظامی جهان را در اختیار دارند و مهیب‌ترین قدرتی به حساب می‌آیند که تاکنون این کره خاکی در تاریخ به خود دیده است. یمن در حال حاضر پنجه در پنجه این دو قدرت نظامی شده و آنها را به عقب می‌راند.

یمن وارد می‌شود

یمنی‌ها معروفند به اینکه «آتش‌شان تند است.» آنها از همان هفته دوم جنگ با تسلیحاتی که موشک بالستیک نیز در میان آنها حضور داشت، مستقیم به فلسطین اشغالی حمله کردند. وزارت دفاع آمریکا روز ۲۷ مهر (۱۹ اکتبر) اعلام کرد سه موشک بالستیک و چندین پهپاد از سوی یمن به سرزمین‌های اشغالی پرتاب شده‌اند. پنتاگون مدعی شد تمام آنها را رهگیری کرده است اما چند روز بعد عبدالعزیز بن حبتور، نخست‌وزیر دولت نجات ملی یمن، تاکید کرد واشنگتن تعدادی از تسلیحات پرتاب‌شده را منهدم کرده اما باقی به اهداف خود اصابت کرده‌اند. آمریکا در حوزه پدافندی به تل‌آویو کمک کرد و سپس عربستان سعودی و مصر نیز در دفاع از حریم هوایی رژیم، به این کشور پیوستند. یمن اما حملات خود را پرحجم‌تر کرده و تصاویر آن را نیز منتشر ساخت. فیلم‌ها نشان می‌دادند در هر نوبت حمله، تعداد زیادی پهپاد و موشک کروز به همراه تعداد محدودتری موشک بالستیک به سمت صهیونیست‌ها پرتاب می‌شوند. علی‌رغم تلاش شبکه پدافند هوایی سنتکام که از ظرفیت متحدان منطقه‌ای آمریکا نیز بهره می‌برد، یمنی‌ها بندر ایلات را به عنوان یکی از مراکز اقتصادی و مهم رژیم، هدف قرار دادند.

صنعا سیاست مقابله خود با تل آویو را در کنار تهاجم مستقیم به فلسطین اشغالی، با هدف قرار دادن منافع صهیونیست‌ها در خارج از سرزمین‌های اشغالی نیز توسعه داد. آنها در ۲۸ آبان (۱۹ نوامبر) یک کشتی تجاری صهیونیست‌ها را توقیف کرده و این اقدام را در روزهای آتی، دست‌کم یک بار دیگر تکرار کردند. بنابر گزارش‌ها، درحال حاضر دو کشتی تجاری مرتبط با تاجران رژیم صهیونیستی در اختیار یمن قرار دارند.

یمن با چه سلاح‌هایی با رژیم مقابله می‌کند؟

مقابله نظامی یمن با صهیونیست‌ها به دو حوزه سرزمینی فلسطین اشغالی و خارج از آن قابل تقسیم است.

این دو حوزه را همچنین می‌توان به دو بخش دور (فلسطین اشغالی) و نزدیک (خارج از فلسطین اشغالی) تقسیم کرد. یمنی‌ها در بخش دور، به خود رژیم صهیونیستی حمله می‌کنند و در بخش نزدیک منافع آن را در دریای سرخ و دریای عرب هدف می‌گیرند. در حملات یمن به فلسطین اشغالی آنچه اهمیت دارد فاصله زیاد است. این فاصله زیاد نیازمند به‌کارگیری سلاح‌های دوربرد است که کمتر کشوری از آنها برخوردار است. نزدیک‌ترین فاصله میان این دو سرزمین نقاط مرزی استان صعده در شمال یمن تا بندر ایلات در جنوبی‌ترین نقطه فلسطین اشغالی است. طول این فاصله به ۱۶۶۱ کیلومتر می‌رسد. به لحاظ نظامی هدف قرار دادن ایلات به سلاحی با برد دو هزار کیلومتر نیاز دارد. یمنی‌ها در این برد دارای پنج سلاح هستند که در سه حوزه تقسیم می‌شوند؛ یک سلاح در حوزه موشک‌های بالستیک، دو سلاح در موشک‌های کروز و دو سلاح در پهپادهای انتحاری. در حوزه موشک‌های بالستیک یمنی‌ها از موشک بالستیک طوفان بهره می‌گیرند که نمونه ارتقایافته برکان-۳ به شمار رفته و در سال ۲۰۲۳ رونمایی شده است. در حوزه موشک‌های کروز نیز برد موشک کروز قدس-۳ و قدس-۴ که در سال ۲۰۲۳ رونمایی شده است، به فلسطین می‌رسند. در حوزه پهپادهای انتحاری، دو پهپاد صماد-۳ و وعید در اختیار یمن قرار دارند. موشک طوفان و قدس-۴ بردشان به ۲۰۰۰ کیلومتر می‌رسد و برد موشک قدس-۳، ۱۸۰۰ کیلومتر است. برد صماد-۳، ۱۸۰۰ کیلومتر و برد وعید ۲۵۰۰ است. صنعا برای حوزه نزدیک که مربوط به مسدودسازی تجارت دریایی صهیونیست‌هاست به دلیل اشراف به دریای سرخ قادر است تجارت و منافع تجاری تل‌آویو را از این ناحیه تهدید کند. برای اقدام علیه کشتی‌های مرتبط با صهیونیست‌ها، یمن به موشک‌های بالستیک و کروز ضدکشتی، پهپادها و قایق‌های انتحاری و همچنین اقدامات کماندویی با استفاده از بالگرد دسترسی دارد. صنعا در بخش ضدکشتی‌ها، ۴ موشک کروز و یک موشک بالستیک در اختیار دارد. موشک کروزهای یمن شامل موشک‌های روبیج بی-۲۱ و بی-۲۲ و همچنین موشک‌های باب‌المندب ۱ و ۲ می‌شود. موشک‌های سری روبیج مشابه موشک ضدکشتی مشهور پی-۱۵ روسیه است که چینی‌ها نیز آن را کپی‌برداری کرده و موشک معروف «کرم ابریشم» را تولید کردند. موشک‌های سری باب‌المندب نیز مشابه موشک سی-۸۰۱ چین هستند. موشک فالق-۱ تنها موشک بالستیک ضدکشتی یمن به حساب می‌آید. یمنی‌ها اما از زمان آغاز جنگ طوفان الاقصی تاکنون از این تسلیحات علیه خط تجارت دریایی صهیونیست‌ها استفاده نکرده‌اند بلکه با انتقال نیرو به وسیله بالگرد یا قایق کشتی‌های مزبور را توقیف کرده‌اند. در این میان حملاتی با پهپاد نیز علیه کشتی‌های رژیم صورت گرفته که یمن مسئولیت آنها را برعهده نگرفته است. به نظر می‌رسد این کشتی‌ها از سوی طرف‌هایی دیگر هدف قرار گرفته‌اند تا پیامی به آمریکا و رژیم مبنی‌بر گستردگی جبهه مقاومت مخابره کنند.

چرا صهیونیست‌ها پاسخ نمی‌دهند؟

صهیونیست‌ها در جریان جنگ از چهار جبهه بیرون لبنان، سوریه، عراق و یمن هدف قرار گرفتند اما تاکنون به دو جبهه لبنان و سوریه حمله کرده‌اند بدون آنکه پاسخی به عراق و یمن داده باشند. اولین موضوعی که در عدم پاسخ به یمن به ذهن می‌رسد فاصله زیاد است اما این مساله درخصوص عراق وجود ندارد. نزدیک‌ترین فاصله هوایی عراق با فلسطین اشغالی ۳۵۰ کیلومتر است. با توجه به فاصله هوایی ۴۷۰ کیلومتری میان بغداد تا مرزهای شرقی، فاصله صهیونیست‌ها تا پایتخت عراق کمتر از ۹۰۰ کیلومتر است. اگر برد سیستم‌های اصلی تسلیحات متعارف رژیم به یمن نمی‌رسد، درخصوص عراق وضعیت متفاوت است. با این حال به نظر می‌رسد تل‌آویو به این دلیل علیه بغداد دست به حمله نزده تا آمریکا خود دست به اقدام بزند. آمریکایی‌ها در این مدت در دو نوبت ۹ نفر از نیروهای حشدالشعبی را در عراق به شهادت رسانده‌اند. واشینگتن ادعا کرده این اقدام به دنبال چندین عملیات علیه پایگاه‌های آمریکایی در خاک عراق و سوریه صورت گرفته که مقاومت عراق پشت سر آنها قرار داشته است. درخصوص یمن اما ناتوانی صهیونیست‌ها مشهودتر است؛ هرچند کمترین فاصله یمن با سرزمین‌های اشغالی ۱۶۶۱ کیلومتر است اما به لحاظ عملیاتی انجام حمله به برد حداقل ۲۰۰۰ کیلومتر نیاز دارد. دوربردترین جنگنده‌های رژیم اف-۱۵ ئی و اف-۱۶ای (سوفا) هستند. اف-۱۵ ئی با حمل چهار تن بمب، سه موشک هوابه‌هوا و سه مخزن سوخت خارجی می‌تواند در فاصله ۱۲۰۰ کیلومتری عملیات کند.

اف-۱۶ای بر اساس اف-۱۶ سری اف (نمونه دو سرنشینه) ساخته شده است و به‌دلیل طراحی ویژه برای رژیم صهیونیستی پسوند ای در ادامه آن می‌آید. یک ویژگی برجسته این جنگنده دارا بودن مخازن سوخت تطبیقی است. برد انتقالی این جنگنده بدون سلاح و با استفاده حداکثری از امکانات حمل سوختش به ۴۲۰۰ کیلومتر می‌رسد. شعاع این برد برای پرواز و بازگشت به پایگاه مبدا ۲۱۰۰ کیلومتر است. با این حال شعاع عملیاتی این جنگنده به ۱۶۴۰ کیلومتر می‌رسد که برای حمله به یمن کافی نیست. صهیونیست‌ها با جنگنده‌هایشان قادر به عملیات موثر علیه یمن نیستند. جنگنده‌های رژیم برای حمله موثر و مستقل به یمن باید از تسلیحات دوربرد مانند بمب‌ها و موشک‌های کروز هواپرتاب استفاده کنند که وزن بالایی دارند. مشخص نیست آیا آنها با وجود برد این تسلیحات، قادر به حمل آنها تا فاصله مناسب از یمن هستند یا خیر.

به‌نظر می‌رسد تل‌آویو تنها زمانی قادر به حمله هوایی علیه یمن است که واشنگتن به کمک هواپیماهای سوخت‌رسان به جنگنده‌های رژیم بر فراز آسمان سوخت برسانند؛ اقدامی که به معنای مشارکت آمریکا در تهاجم به یمن بوده و می‌تواند واکنش صنعا را برانگیزد. یمنی‌ها پیش از این سابقه حمله به پایگاه‌های آمریکا در امارات را داشته‌اند. از این رو احتمال تکرار چنین اقدامی دور از ذهن نیست.

صهیونیست‌ها برای حمله به یمن، می‌توانند از پهپادهای تهاجمی خود نیز استفاده کنند. برد پهپادهای انتحاری رژیم در حداکثر بردشان که مربوط به هاروپ است به ۱۰۰۰ کیلومتر می‌رسد که کمتر از برد لازم برای رسیدن به یمن است اما در حوزه پهپادهای تهاجمی وضعیت متفاوت است. در حوزه پهپادهای تهاجمی، پهپاد ایتان یا ایتن تنها پهپادی است که بردش به یمن می‌رسد. برد این پهپاد که شبیه پهپاد هارون‌تی‌پی است، ۷۵۰۰ کیلومتر است. این برد حتی اگر برد انتقالی باشد، همچنان این پهپاد می‌تواند بر فراز یمن پرواز کند. با این حال یک خطر بزرگ آن را در یمن تهدید می‌کند. این پهپاد با توجه به محدودیت‌هایی که برای حمل سلاح نسبت به جنگنده‌ها دارد، باید بیشتر از آنها وارد عمق حریم هوایی یمن شود و برای به‌کارگیری سلاح‌هایش نیز باید ارتفاعش را نسبت به میزان اوجی که می‌تواند بگیرد، بکاهد. این اقدامات، پهپاد مزبور را در خطر قرار می‌دهد. یمنی‌ها برای حمله به پهپادها سلاح ناشناخته‌ای به نام «صقر-۱» دارند که شبیه موشک موسوم به ۳۵۸ در محور مقاومت است. این موشک‌ها به شکل قطعی در ساقط ساختن چند پهپاد ساخت آمریکا و ساخت چین که در خدمت ارتش عربستان بوده‌اند، برفراز خاک یمن موفق عمل کرده‌اند. یمنی‌ها در جریان جنگ طوفان الاقصی، با تسلیحات پدافند هوایی خود یک فروند پهپاد ام‌کیو-۹ ریپر آمریکا را ساقط کردند. این پهپاد جزء سنگین‌ترین و دوربردترین و پیشرفته‌ترین پهپادهای جهان است. با این حساب مشخص می‌شود یمنی‌ها برای ساقط ساختن پهپادهای تهاجمی رژیم نیز قابلیت‌هایی دارند.

اهمیت سیاسی و منطقه‌ای ورود یمن

در نخستین درگیری‌ها میان صهیونیست‌ها و اعراب که در همان ابتدای تاسیس رژیم صورت گرفت، مصر، سوریه، لبنان، عراق، اردن و عربستان سعودی (به شکل بسیار محدود) وارد درگیری با تل‌آویو شدند. عربستان خیلی زود از چرخه برخورد نظامی خارج شد و اردن نیز پس از ۱۹۶۷ به این کشور پیوست. این صف‌آرایی اوج مقابله کشورهای عربی با رژیم بود. یمن نیز تنها با پشتیبانی از کشورهای درحال جنگ مانند مصر به شکل غیرمستقیم در این صف‌آرایی حضور داشت که ناچیز به‌شمار می‌رفت. نکته مهم اقدام نظامی یمن علیه رژیم در سال ۲۰۲۳، نخستین ورود رسمی دولت یک کشور به جنگ با تل‌آویو است؛ هرچند در جنگ کنونی از لبنان، سوریه و عراق نیز علیه رژیم اقداماتی صورت گرفته است، اما این تحرکات در سطح دولتی نبوده‌اند. در صنعا اما دولت نجات ملی و نیروهای مسلح این کشور مسئولیت حملات را به شکل رسمی برعهده گرفته‌اند. این اتفاق اولین رویارویی مستقیم یک دولت اسلامی یا عربی با رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۸۲ به حساب می‌آید که طی آن نیروهای سوریه مستقر در لبنان با ارتش رژیم درگیر شدند. درگیری سال ۱۹۸۲ یک رویارویی منفعلانه از سوی سوری‌ها بود که با تهاجم صهیونیست‌ها به لبنان مواجه شده بودند. ۴۱ سال بعد، مقابله یک دولت اسلامی و عربی با رژیم از سر ابتکار است.

یمن با اقدام خود علیه صهیونیست‌ها و همچنین در مضیقه بودن تل‌آویو و واشنگتن در منطقه را آشکار ساخت. متحدان آمریکا در منطقه می‌دیدند همان واشینگتنی که در سال ۲۰۱۹ در برابر حمله آرامکو واکنشی درخوری نشان نداد و در سال ۲۰۲۱ با فرار از کابل دولت مورد پشتیبانی‌اش فروریخت، قادر به دفاع موثر از رژیم در برابر یمن نیست. کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس و دیگران با این اتفاق متوجه شدند اگر آمریکا برای رژیم حاضر یا قادر جنگ با یمن نباشد، به احتمال زیاد در شرایط مشابه، کمک کمتری به آنها در یک مخمصه بزرگ خواهد کرد.

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

آگهی فراخوان عمومی شناسایی سرمایه‌گذار جهت واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد در راستای اجرای دستورالعمل اجرایی ماده (۲۳) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) در نظر دارد احداث و تکمیل پروژه‌های دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال‌وبختیاری به شرح جدول ذیل را به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی علاقه‌مند که از توانایی مالی لازم و تجربیات مرتبط برخوردار هستند، به‌صورت مشارکت با بخش خصوصی در چهارچوب قرارداد مورد تفاهم طرفین، ارائه نمایند:

(مبالغ به میلیارد ریال)

ردیف	نام پروژه	شهرستان	حدود متراژ (مترمربع)	برآورد اولیه احداث
۱	احداث مرکز آموزشی درمانی جایگزین بیمارستان هاجر(س)	شهرستان شهرکرد	۷۰۰۰۰	۲۵۰۰۰

بهره‌برداری منوط به تجهیز پروژه، مطابق با استانداردهای روز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

با لحاظ توان مالی سرمایه‌گذار، متراژ مذکور قابل تغییر می‌باشد.

از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت می‌شود جهت دریافت اطلاعات بیشتر از تاریخ درج آگهی به مدت ۷ روز کاری و در ساعات اداری به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد واقع در استان چهارمحال‌وبختیاری- شهرکرد- بلوار آیت‌الله کاشانی- ساختمان ستاد دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد — امور قراردادها مراجعه نمایند.

آخرین مهلت تحویل اسناد ارزیابی تکمیل‌شده ۱۰ روز کاری پس از تاریخ درج آگهی می‌باشد.

شماره شناسه ۱۶۱۱۱۰۸

مدرک فارغ‌التحصیلی رزا عصاره فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۱۷۴۰۳۷۱۵۷۷ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی ارشد رشته تحصیلی شیمی تجزیه صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۶۹۴۱۲۱۳۲۵۲۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۳۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی مریم مولی فرزند عباس به شماره شناسنامه ۱۵ صادره از شوشتر در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مهندسی منابع طبیعی محیط زیست صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۸۱۱۰۶۰۱۶۸۱۱۴ مورخ ۱۳۸۹/۰۸/۱۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

دانشنامه تحصیلی اینجانب ناهید قوریانی خروی فرزند قدرت‌اله دارای شناسنامه به شماره ۰۸۹۰۱۷۹۴۱۷ صادره از کاشمر رشته کارشناسی حقوق شماره سریال ۲۵۷۶۵۰۶ صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر به صندوق پستی ۱۶۱ ارسال نماید.

دانشنامه تحصیلی اینجانب: مهدی رضاپورمشهدی فرزند حسین دارای شناسنامه به شماره: ۰۹۲۱۳۶۲۰۶۴ صادره مشهد رشته: کارشناسی مهندسی عمران شماره سریال ۳۲۰۷۶۴۸ صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر به صندوق پستی ۱۶۱ ارسال نماید.

سند کمپانی خودرو وانت پیکان مدل ۸۷ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۱۴۸۷۰۵۲۲۲۹ و به شماره شاسی NAAA۳۶AA۵۹G۸۰۱۹۶۷ و به شماره پلاک ۱۴-۹۲۲ و ۷۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کانون تبلیغاتی
سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

آیا آمریکا می‌تواند قدرت‌های متوسط جهانی را به خود جذب کند؟

سجاد عطازاده
مترجم

دنیل اس همیلتون و آنجلا استنت، پژوهشگران موسسه بروکینگز، در مقاله‌ای با عنوان «آیا آمریکا می‌تواند قدرت‌های متوسط جهانی را به خود جذب کند؟» که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده است به کاهش نفوذ آمریکا در میان کشورهای متوسط جهانی پرداخته و این نکته را مطرح ساخته‌اند که روایت روسیه از جنگ اوکراین در میان افکار عمومی کشورهای مذکور پذیرش بیشتری دارد. از زمان حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، بسیاری از تحلیلگران غربی این ادعا را مطرح کرده‌اند که مسکو به طور فزاینده‌ای منزوی شده و بخش زیادی از نفوذ بین‌المللی خود را از دست داده است. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در اوایل سال جاری توسط دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل ارتکاب جنایات جنگی محکوم شد- به این ترتیب او برای جلوگیری از بازداشت فقط به کشورهایی می‌تواند سفر کند که اساسنامه رم این دیوان را تصویب نکرده‌اند. دیپلمات‌های غربی نیز از سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه دوری می‌کنند. آنالنا بائربوک، وزیر خارجه آلمان در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر به یکی از خبرنگاران درباره علت عدم ملاقات خود با لاوروف گفت که این اقدام بیهوده خواهد بود زیرا لاوروف دروغ می‌گوید که اختیاری برای مذاکره ندارد. گسترش شکاف بین روسیه و غرب غیرقابل انکار است. با این حال روندی دیگر در سایر نقاط جهان خود را آشکار کرده است: مسکو نفوذ خود را در بسیاری از کشورهای مهم جهان، از جمله کشورهایی که برای واشنگتن اهمیت زیادی دارند افزایش داده است. این کشورها هم از تقسیمات جدید جهانی برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود بهره گرفته‌اند. در طی سال جاری ما نویسندگان مقاله حاضر با دانشمندان، کارشناسان بخش خصوصی و سیاستگذاران هفت شریک مهم ایالات متحده - برزیل، هند، اندونزی، اسرائیل، مکزیک، آفریقای جنوبی و ترکیه - گفت‌وگو کردیم تا موضوعات اصلی موجود در روابط آنها با روسیه نحوه تعامل دولت‌های آنها با مسکو و نحوه نگرش آنها به جنگ روسیه در اوکراین را مشخص سازیم. آنچه در همه این گفت‌وگوها برای ما مشهود بود وجود بی‌میلی برای جانبداری از یکی از طرفین در آنچه عمدتا به عنوان یک درگیری کاملا اروپایی تلقی می‌شود، بود. مصاحبه‌شوندگان به صراحت اعلام می‌کردند که مردم کشورهای آنها روایت‌های روسی را که غرب را مقصر جنگ می‌دانند، پذیرفته‌اند؛ وضعیتی که بازتابی از قدرت متقاعدکننده پویش پراکنش اطلاعات نادرست روسیه به شمار می‌رود. درنهایت ما به این نتیجه رسیدیم که انتخاب بی‌طرفی تا حدی ناشی از نفوذ و اجبار روسیه است. در برخی از کشورها وابستگی به هیدروکربن، کود، غلات یا تسلیحات روسی به شکل دادن واکنش آنها به جنگ کمک کرده است. به علاوه کرملین در بعضی از مناطق به‌ویژه در هند و اندونزی از نگرانی‌های مربوط به جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای چین برای معرفی خود به عنوان یک وزنه تعادل در برابر پکن استفاده کرده است. البته این امر بدان معنا نیست که ایالات متحده و متحدان آن در نبرد برای کسب نفوذ از روسیه شکست خورده‌اند؛ اما در عین حال آنها نمی‌توانند انتظار حمایت کامل این کشورها را از خود داشته باشند؛ کما اینکه مسکو هم قادر به این کار نیست. در دنیایی که رقابت قدرت‌های بزرگ در آن دوباره جان گرفته است قدرت‌های متوسط در پی فرصت و نه هم‌سویی و تعهد هستند. چالش پیش‌روی واشنگتن مقابله با پویش انتشار اطلاعات نادرست از سوی روسیه و تفهیم این نکته به کشورهای مذکور است که پربارترین فرصت‌ها در اختیار ایالات متحده و متحدان آن است.

داستان‌هایی که روسیه می‌گوید

کرملین با یک راهبرد مبتنی بر پراکنش موفقیت‌آمیز اطلاعات نادرست بخش زیادی از جهان را متقاعد کرده است که گسترش ناتو تمامیت ارضی روسیه را تهدید کرده و مسکو چاره‌ای جز دفاع از خود با راه‌اندازی «عملیات نظامی ویژه» در اوکراین نداشته است. روسیه مهارت زیادی در استفاده از احتیاط موجود نسبت به واشنگتن در کشورهایی مانند برزیل، هند، اندونزی، مکزیک و آفریقای جنوبی به نفع خود دارد. روایت روسیه درباره «متجاوزان واقعی» مطابق با نارضایتی گسترده از ایالات متحده و خشم موجود از انحراف توجهات از نگرانی‌های فوری جهانی درباره آب و هوا، بدهی، انرژی و غذا بر اثر جنگ اوکراین و رقابت فزاینده واشنگتن و پکن است. یکی از سیاستگذاران برزیلی اظهار داشت که ایالات متحده از رویکرد «دراز کردن دست نیاز در زمانی که به شما احتیاج دارد» در آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی استفاده می‌کند و سیاست‌های «پرنوسان» آن شکاف‌هایی را برای چین و روسیه ایجاد می‌کند که می‌توانند از آنها بهره بگیرند. یک مفسر اندونزیایی هم افزود: «غرب با اندونزی به عنوان یک مهره در بازی بین‌المللی با چین و روسیه رفتار می‌کند؛ نه به عنوان یک کشور مستقل و شریک برابر؛ در نتیجه بسیاری از مشکلات سیاسی غرب با اندونزی خود ساخته هستند.»

سوبرهمانیام جایشانکار، وزیر امور خارجه هند هم در ژوئن ۲۰۲۲ صراحتا به همتایان اروپایی خود گفت که آنها باید «این ذهنیت را کنار بگذارند که مشکلات اروپا مشکلات جهان است، اما مشکلات جهان مشکلات اروپا نیست.» رهبران غربی متوجه مزیت روسیه در این «جنگ الفاظ و خطابه» شده‌اند. امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه در کنفرانسی در ماه فوریه با اشاره به کاهش جایگاه غرب در نزد بقیه جهان گفت «از اینکه چقدر اعتبار ما در حال از دست رفتن است، شوکه شده است.» جوزپ بورل، مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا هم در همین مراسم اذعان کرد که «روایت روسیه چقدر قدرتمند است.» رسانه‌های روسی که اطلاعات نادرست و پروپاگاندا منتشر می‌کنند، نفوذ قابل توجهی در سراسر جهان یافته‌اند. مثلا تبلیغات تهاجمی کرملین با استفاده از شبکه آرتی اسپانیایی - نسخه اسپانیایی‌زبان یک رسانه دولتی روسیه - در سراسر آمریکای لاتین مورد توجه قرار گرفته است. تحقیقات انجام شده در قاره آمریکا و اسرائیل هم نشان می‌دهد که دولت روسیه در پشت شبکه‌ای از وب‌سایت‌ها است که در ظاهر سایت‌های خبری قانونی بوده اما در واقع منبع اطلاعات نادرست به شمار می‌روند. در هند، اندونزی و آفریقای جنوبی هم سکوهای شبکه‌های اجتماعی از تبلیغات روسی اشباع شده است.

در دوران پوتین مسکو خود را به عنوان یک مدافع جهانی ارزش‌های سنتی در برابر جوامع بی‌بند و بار غربی که سقط جنین و حقوق دگرباشان جنسی را ترویج می‌کنند آزادی‌های مذهبی را سرکوب می‌کند و ترجیحات فرهنگی خود را بر دیگران تحمیل می‌کند، معرفی کرده است. چنین ایده‌هایی در میان برخی از جمعیت‌های محافظه‌کار فرهنگی و مذهبی در سراسر آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و خاورمیانه و همچنین در اروپا و آمریکای شمالی طنین‌انداز شده است. روسیه همچنین از گذشته خود در دوران شوروی در خدمت به اهداف سیاسی کنونی خود استفاده کرده است. مسکو در تعاملات خود با هند، اندونزی، مکزیک و آفریقای جنوبی از حمایت تاریخی شوروی از جنبش‌های ضداستعماری استفاده می‌کند. لاوروف روسیه را در کنار کشورهایی قرار داده است که در برابر «تلاش‌های غرب برای جعل تاریخ و برای پاک کردن خاطره جنایات وحشتناک استعمارگران، از جمله نسل‌کشی» ایستاده‌اند. چنین لفاظی‌هایی به‌ویژه در آفریقای جنوبی موثر بوده است، جایی که حزب حاکم کنگره ملی آفریقای، حمایت مسکو از این حزب را در دوران آپارتاید با انفعال واشنگتن در همان دوران مقایسه می‌کند. بسیاری از رهبران وقت حزب در اتحاد جماهیر شوروی با روسیه تحصیلکرده بودند. همذات‌پنداری قوی با مسکو و همچنین مخالفت ایشان با استعمار غرب به شکل‌گیری این احساس منجر شده که آنها نسبت به روسیه امروزی آنچه یکی از کارشناسان «دین رهایی» خوانده است، دارند - احساسی که دولت روسیه هم آن را تقویت کرده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان آفریقایی ما اظهار داشت که نتیجه این وضعیت «تمجیدی تقریبا ساده‌دلانه از روسیه» است که مبتنی بر ادراک نخبگان حاکم از «اتحاد با شکوه جماهیر شوروی» است.

چماق و هویج

کرملین فراتر از کمپین لفاظی خود، ابزار مشخصی برای جلب سایر کشورها به کنار خود دارد. در نگاه اول، به نظر می‌رسد اهرم اقتصادی روسیه در مقایسه با غرب کمرنگ است، کما اینکه تولید ناخالص داخلی آن کمتر از کانادا، ایتالیا یا کره جنوبی است و روابط تجاری آن با کشورهای فوق‌الذکر کمتر است. مسکو در زمینه کمک‌های توسعه‌ای یا سرمایه‌گذاری در مقایسه با غرب عملکرد چندانی ندارد و تحریم‌های بین‌المللی هم «هویج‌های اهدا شده توسط روسیه به کشورهای دیگر را بیشتر محدود می‌کند. با این حال، توانایی روسیه در استفاده از روابط اقتصادی خود مشهود است. انرژی اهرم اصلی نفوذ اقتصادی روسیه به شمار می‌رود. غرب در اواخر سال ۲۰۲۲ یک سقف قیمتی برای نفت روسیه تعیین کرد تا درآمدهای نفتی این کشور را که به تامین مالی تلاش‌های جنگی مسکو کمک می‌کند، کاهش دهد. البته فروش نفت روسیه متوقف نشد زیرا این کار باعث کمبود جهانی خواهد شد. اروپا واردات خود از روسیه را کاهش داده است، اما نفت روسیه همچنان به بازارهای جهانی سرازیر می‌شود. در این میان بزرگ‌ترین ذی‌نفع، هند است که ۸۵ درصد نفت خود را وارد می‌کند. قبل از جنگ به ندرت چیزی از آن نفت از روسیه می‌آمد. اکنون روسیه نیمی از عرضه هند را و با تخفیف تامین می‌کند. صادرات انرژی باعث جهش بزرگی در تجارت کلی روسیه با چندین کشور شده است. از زمان تهاجم سال ۲۰۲۲، حجم تجارت روسیه با برزیل دو برابر و تجارت آن با هند و ترکیه سه برابر شده است.

یکی از مهم‌ترین دلایل نفوذ روسیه به این کشورها بیشتر از اینکه به تاکتیک‌های مسکو مربوط شود، ناشی از جهت‌گیری‌های خود این کشورها در سیاست خارجی است. ویلیام برنز، رئیس سیا از گروهی که این کشورها به آن تعلق دارند به عنوان «میانه مصون‌ساز» یاد کرده است زیرا کشورهای این دسته «به منظور گسترش استقلال راهبردی و به حداکثر رساندن گزینه‌های پیش روی خود قصد تنوع بخشیدن به روابط شان را دارند» و در روابط ژئوپلیتیک تک‌محوراته نفع کم و ریسک زیادی می‌بینند. این کشورها، همانند ایالات متحده و اروپا، در مواجهه با جریان‌های غیرقابل پیش‌بینی جهانی در حال تمرین گونه‌های مختلف «ریسک‌زدایی» هستند. البته درحالی‌که غرب بر تهدیدات چین و روسیه متمرکز است، قدرت‌های میانی سعی دارند از گرفتار شدن در رقابت قدرت‌های بزرگ و سایر اختلالات جهانی جلوگیری کنند. در برخی از موارد نیز این کشورها به دنبال سوءاستفاده از رقابت قدرت‌های بزرگ برای پیشبرد منافع خود هستند. یک تحلیلگر اندونزیایی خاطرنشان کرد: «روسیه یک مصون‌ساز ارزان در برابر سلطه ایالات متحده و چین است.» یک مفسر هندی هم افزود: «روابط با روسیه دروازه‌ای است که چندقطبی بودن از طریق آن تضمین می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که دوقطبی آمریکا و چین همچنان یک احتمال و یک چالش باقی بماند.»

کشورهای مصون‌ساز امروزی با کشورهای غیرمتعهد یا بی‌طرف دوران جنگ سرد متفاوت هستند. این کشورها اغلب در یک دسته واحد قرار می‌گیرند، اما به سازوکارها، جغرافیا، وفاداری‌ها یا وابستگی‌های مشترک، محدود نیستند. همان‌طور که یکی از سیاستگذاران مکزیکی بیان کرد: «اصطلاح «جنوب جهانی» در عمل معنایی ندارد. اما در نوع نگاه این قدرت‌های میانی به جنگ اوکراین وجوه مشترکی وجود دارد. آنها ممکن است از اهداف روسیه حمایت نکنند اما در اکثر موارد، نه تهاجم روسیه را محکوم کرده و نه روسیه را تحریم کرده‌اند. با طولانی شدن جنگ، این کشورها احساس می‌کنند که امتناع از جانبداری از یکی از طرفین در این جنگ توجیه‌پذیر است. در عین حال، این کشورها نگران پیامدهای احتمالی ضعف راهبردی روسیه هستند و بر این باور می‌باشند که این جنگ در حال تسریع افول طولانی مدت روسیه است. برخی از آنها به قول یکی از کارشناسان هندی، از «آنچه روسیه با خود می‌کند» ابراز تأسف می‌کنند. بیشتر آنها نیز نگران هستند که شکست کامل روسیه در اوکراین قدرت روسیه را کاهش داده و برای منطقه و جهان پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی داشته باشد. مفسر هندی مذکور افزود: «هند یک اوراسیای باثبات می‌خواهد، نه منطقه‌ای که در حال انفکاک است.»

پنجره واشنگتن

تداوم روابط بین روسیه و این قدرت‌های میانی از زمان آغاز جنگ اوکراین، توانایی واشنگتن را برای منزوی کردن مسکو و گسترش ائتلاف حامی اوکراین، به چالش کشیده است. علی‌رغم اقدامات دولت بایدن، این کشورها کم‌وبیش متعهد به بی‌طرفی باقی مانده‌اند و بعید است که موضع آنها به این زودی‌ها تغییر کند. اما واشنگتن و متحدان آن می‌توانند برای دستیابی به دستاوردهای متوسط تلاش کنند. آنها باید ادبیات خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که حمایت از تاکتیک‌ها و اهداف روسیه در اوکراین را کاهش دهند، از اقداماتی که موجب زدن اتهام ریاکاری به غرب می‌شود، اجتناب کنند و سیاست‌هایی را که منافع و نیازهای قدرت‌های میانی را مورد توجه قرار می‌دهد، دوچندان کنند. حتی اگر کشورهای مذکور رویکرد فعلی خود را در قبال جنگ اوکراین حفظ کنند، می‌توانند در بسیاری از مسائل دیگر با ایالات متحده همکاری کنند. اولا، ایالات متحده و متحدان آن می‌توانند کارهای بیشتری برای مقابله با تبلیغات و اطلاعات نادرست روسیه انجام دهند. وزارت امور خارجه با آشکارسازی و «پیش‌خنثی‌سازی» - فراهم کردن ابزارهایی برای شناسایی اطلاعات گمراه‌کننده - پیام‌های عملیات اطلاعاتی مخفی روسیه در آمریکای مرکزی و جنوبی، شروع خوبی داشته است. روایات کرملین درباره نیات بد غرب و به‌طور خاص «دنیای آنگلوساکسون» در قبال روسیه، برنامه‌های فرضی ناتو برای حمله به این کشور و درباره اوکراین که کانون نازی‌ها است را باید رد کرد. تغییر عقیده غیرممکن نیست، اما غرب به پیام متقاعدکننده‌تری درباره خطرات جنگ نیاز دارد. قاب‌بندی این مناقشه به عنوان مبارزه بین اقتدارگرایی و دموکراسی باعث می‌شود کشورهای مصون‌سازی که برخی از آنها خود کاملا دموکراتیک نیستند، کمتر تمایلی به حمایت از واکنش غرب داشته باشند. یک کارشناس هندی خاطرنشان کرد: «موضع هند درباره جنگ اوکراین، حمایت از روسیه نیست. اما از گفتمان رویارویی دموکراسی و خودکامگی نیز چندان حمایت نمی‌کند.» اگر ایالات متحده بر نقض منشور سازمان ملل متحد و اصول اساسی حاکمیت و قوانین بین‌المللی توسط روسیه تاکید کند، ممکن است مخاطبان پذیرای بیشتری پیدا کند. اجازه دادن به روسیه برای جان سالم به در بردن پس از حمله به همسایه خود و تصرف قلمرو آن، رویه خطرناکی برای تجاوزات آتی توسط دولت‌های الحاق‌گرا یا جدایی‌طلبان منطقه‌ای ایجاد می‌کند، مشکلی که در همه کشورهای موردبررسی در پژوهش ما، وجود دارد.

غرب باید گام‌های خود برای مقابله با روایت‌های روسیه را با ابتکاراتی تکمیل کند؛ ابتکاراتی که براساس نقاط قوت غرب شکل گرفته و به نیازها و منافع قدرت‌های میانی توجه می‌کنند. دلایلی وجود دارد که براساس آنها می‌توان گمان کرد که از چنین تلاش‌هایی استقبال خواهد شد: زیرا برخی از این کشورها دچار تردید درباره مسکو شده‌اند. یک سیاستگذار هندی خاطرنشان کرد: «بحث درباره تبدیل روابط دفاعی با روسیه بهیک نقطه آسیب‌پذیر شکل گرفته است. با توجه به اولویت رشد اقتصادی، هند لزوما به سمت غرب جذب خواهد شد.» تحلیلگران برزیلی، اندونزیایی، مکزیکی و آفریقایی جنوبی همگی به شکاف نسلی در نگرش نسبت به مسکو اشاره کرده‌اند. نخبگان قدیمی‌تر تمایل دارند روسیه امروزی را با مواضع سیاسی اتحاد جماهیر شوروی مرتبط کنند و ممکن است همچنان درباره «استعمار نو غربی» صحبت کنند؛ اما در عین حال ماهیت استعماری جنگ روسیه در اوکراین و ناله‌های پوتین از فروپاشی امپراتوری شوروی را نادیده بگیرند. اما همان‌طور که یکی از کارشناسان اهل آفریقای جنوبی اشاره کرد، «جوان‌هایی که هیچ خاطره‌ای از دوران شوروی نداشته و هیچ ارتباط شخصی با روسیه ندارند، کمتر با روسیه احساس دل‌بستگی دارند. آنها مسکو را قهرمان برابری و عدالت جهانی نمی‌دانند.» بسیاری از رهبران آفریقایی از پاسخ تحقیرآمیز پوتین به طرح صلح اوکراین آنها که تابستان امسال به او ارائه کردند، ناامید شدند و از اینکه رهبر روسیه مانع از ارسال غلات از اوکراین به آنها می‌شود، خشمگین هستند.

برای منتفع شدن از این فرصت‌ها، ایالات متحده و متحدان آن می‌توانند اقداماتی را برای اطمینان از دسترسی کشورهایی که واردات آنها به دلیل جنگ روسیه در اوکراین مختل شده است، به غذا انجام دهند. آنها باید به تعهداتی که به کشورهای در حال توسعه درخصوص آمادگی در مقابل بیماری‌های همه‌گیر و کمک‌های آب و هوایی داده‌اند، عمل کنند. آمریکا و شرکای آن همچنین می‌توانند روی تلاش‌های نوآورانه‌ای که ارزش نزدیکی به غرب را نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاری کنند. یکی از نمونه‌های این تلاش‌ها، برنامه «مشارکت انتقال عادلانه انرژی» است که متشکل از چندین برنامه تامین مالی در حوزه آب و هوایی است که گروه‌هایی از کشورهای غربی با همراهی اندونزی، سنگال، آفریقای جنوبی و ویتنام آن را راه‌اندازی کرده‌اند و در حال حاضر هند هم در حال مذاکره برای پیوستن به این برنامه می‌باشد. برنامه دیگر نیز «مشارکت برای همکاری آتلانتیک» است که در ماه سپتامبر توسط ۳۲ کشور در آفریقا، اروپا و قاره آمریکا امضا شد و محفلی را برای اعضا فراهم می‌آورد تا در مسائل اقتصادی، انرژی، زیست‌محیطی و دریایی با هم همکاری کنند. مثال دیگر نیز کریدور اقتصادی هند- خاورمیانه- اروپا است، پروژه‌ای که توسط ایالات متحده تاسیس شد و هدف آن تقویت ارتباطات اقتصادی در سراسر آسیا، خلیج فارس و اروپا است. به علاوه به پروژه کریدور لوبیتو هم می‌توان اشاره کرد که آنگولا، جمهوری دموکراتیک کنگو و زامبیا را به بازارهای جهانی متصل می‌کند و توسط ایالات متحده، کمیسیون اروپا و چندین بانک توسعه‌ای تامین مالی می‌شود.

در دهلی‌نو، مقامات دولتی متوجه این نکته هستند که روسیه با وجود برخورداری از نفت و تسلیحات ارزان، نمی‌تواند سرمایه‌گذاری، تجارت و کمک‌های توسعه‌ای را که هند واقعا به آنها نیاز دارد، ارائه دهد. یکی از کارشناسان هندی معتقد است که روابط هند با روسیه در مسیر نزولی قرار دارد. «اولویت ما توسعه داخلی است. ایالات متحده و غرب در کل سهم بیشتری در این میان دارند.» حتی اگر هند بی‌طرفی خود را در جنگ کنونی حفظ کند، این موضع دهلی‌نو را از جست‌وجوی شرکای دیگر باز نخواهد داشت؛ همان کاری که قبلا از طریق عضویت در کواد (گفت‌وگوی امنیتی چهارجانبه) با استرالیا، ژاپن و ایالات متحده انجام داده است. اگر هند به پایگاه تولیدی شرکت‌های نوآور جهانی تبدیل شود، روابط هند با ایالات متحده بیشتر تقویت خواهد شد. از زمانی که ایالات متحده تحریم تسلیحاتی خود را بر اندونزی در سال ۲۰۰۵ لغو کرد، جاکارتا به سمت تنوع بخشیدن به مشارکت‌های دفاعی خود حرکت کرد و ترجیح داد به جای روسیه، با ایالات متحده معامله تسلیحاتی کند. تابستان امسال نیز اندونزی از پیوستن به گروه بریکس خودداری کرد و به جای آن سازمان عمدتا غربی «توسعه و همکاری اقتصادی» را انتخاب کرد.

هنگامی که جنگ در اوکراین درنهایت به پایان برسد، نظم جهانی متفاوت از قبل حمله روسیه به نظر خواهد رسید. قدرت‌های میانی به جست‌وجوی ائتلاف‌های جدید و دوری از رقابت‌های قدرت‌های بزرگ ادامه خواهند داد. توجه واشنگتن اکنون معطوف به جنگ‌های اروپا و خاورمیانه است اما نباید از گام‌های مهم برای موفقیت در جهان آتی غافل شود. ایالات متحده و متحدان آن باید به شدت با روایات روسیه که روایت نادرستی از جنگ کنونی ارائه می‌دهد و به جایگاه آنها در کشورهای کلیدی سراسر جهان آسیب می‌رساند، مقابله کنند. همچنین آنها باید مزایایی را که مشارکت‌های ارائه‌شده از سوی آنها می‌تواند به همراه داشته باشد، به کشورهای درگیر نشان دهند.

شماره مسلسل ۴۷۵۷
سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
۱۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۵
۲۸ نوامبر ۲۰۲۳
شماره ۴۰۱۹

هفت هیچ‌گان ورزشی

چاپ دوم

| Tue | 28 Nov 2023 | vol.15 |
No. 4019 | 16 Pages

برانکو ایوانکوویچ:

منتظر شگفتی باشید

با تساوی سرخ‌ها در ریاض و برد طلایی‌پوشان در تهران شانس صعودشان زیاد شد

همه چیز به نفع پرسپولیس و سپاهان در جریان است

زمان پرداختی بعدی مشخص شد

آبی‌ها قبل دربی پولدار می‌شوند؟

بازگشت بازیکن حادثه‌دیده به تمرین پیکان

پیشنهاد عنایتی به نکو برای بازی دوستانه

عکس: سعید زارعیان

خبر خوب برای پرسپولیس:
پنجره زمستانی بسته نمی‌شود

رادوشویچ با فیفا طرف حساب شد!

رضا جعفری: در عوض استقلال و پرسپولیس به سپاهان ۲ گل زدم!

ملوان در جایگاه واقعی خودش است مثل تاتنهام نیستیم

جدال مهم بارسا و پورتو در هفته پنجم مرحله گروهی لیگ قهرمانان

طارمی نگرانی بزرگ ژاوی

رضا جعفری در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: در عوض استقلال و پرسپولیس به سپاهان ۲ گل زدم!

ملوان در جایگاه واقعی خودش است؛ مثل تاتنهام نیستیم

■ آقای گلی مهم است اما می‌خواهم موثرترین بازیکن فصل شوم ■ زمین‌های قطر و عربستان را داشتیم آمار گلزنی‌ها هم زیاد می‌شد

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

مهاجم فصل گذشته تیم نساجی که این فصل به ملوان انزلی پیوسته، به‌خوبی خود را در پازل تاکتیکی تیم مهدی تارتار جا انداخته و توانسته با آمار گلزنی خوبی که از خود به ثبت رسانده است تا اینجای کار مرد شماره یک خط حمله قوی سپید لقب بگیرد. رضا جعفری اولویت خود را آقای گلی عنوان می‌کند اما هدفش این است که در این فصل به‌عنوان موثرترین بازیکن لیگ برتر انتخاب و معرفی شود. درخصوص عملکرد این بازیکن و ملوان در فصل جاری دقایقی با این بازیکن به گفت‌وگو پرداختیم که متن آن را در ادامه می‌خوانید.

از وضعیت خودت صحبت را شروع کنیم. با توجه به عملکرد خوبت در انزلی، به‌نظر می‌رسد بعد از ۲ سال حضور در نساجی، به‌خوبی با آب و هوای شمال مطابقت پیدا کرده باشی؟

بعد از اینکه دو سال پرنوسان را همراه با نساجی در قائمشهر سپری کردم، بعد از صحبت‌هایی که با تارتار داشتیم به ملوان آمدم و اینجا شرایطم به نسبت خوب شد و توانستم گل‌های حساسی را برای تیم تا اینجای کار به ثمر برسانم. البته هدف من در انزلی فقط گل زدن نیست و بیشتر علاقه دارم در ترکیب تیم تاثیرگذار باشم تا تیم نتایج خوبی را کسب کرده و در جمع مدعیان باقی بماند. اولویت من به‌عنوان یک مهاجم گل زدن است اما با گرفتن پنالتی یا دادن پاس گل هم می‌توان به کسب نتایج موفق به ملوان کمک کرد. سعی می‌کنم برای تیم موثر باشم و در هر بازی به‌نحوی به تیم کمک کنم. خدا را شکر الان شرایط‌مان خوب است.

به آقای گلی چقدر فکر می‌کنی؟

در لیگ هر بازیکنی ممکن است به این عنوان برسد، اما برای من خیلی مهم است که به آقای گلی برسم. من هم دارم تلاشم را می‌کنم تا این امر در پایان فصل به هر ترتیبی محقق شود.

اما ویترین یک مهاجم، گلزنی به استقلال و پرسپولیس است که در نیم‌فصل به هیچ‌کدام از آنها گل نزدی!

ویترین می‌تواند سپاهان هم باشد؛ به خاطر همین در عوض استقلال و پرسپولیس به سپاهان دو گل زدم. ملوان در این سال‌ها همیشه گربه سیاه سپاهان بوده و این بار هم توانستیم با گل‌هایی که زدم باز هم در اصفهان این تیم را شکست دهیم. الان فوتبال دیگر آن‌طور نیست که همه چیزش استقلال و پرسپولیس باشد. من هم به‌عنوان یک مهاجم باید به‌صورت مستمر در طول فصل خوب باشم و نباید این‌طور باشد که یک بازی گل بزنم و چند بازی از گل خبری نباشد، چون این اتفاق فایده‌ای ندارد. نه تنها من بلکه همه تیم تلاشمان را می‌کنیم تا بتوانیم مردم انزلی را خوشحال نگه داریم.

چرا تعداد گل آقای گل‌های ایران در سال‌های اخیر به نسبت میانگین لیگ‌های معتبر دنیا تفاوت چشمگیری دارد؟ اینکه استعدادهای کمی در فوتبال ایران وجود دارد چقدر به این مساله مرتبط است؟

می‌توان گفت مهاجم با کیفیت کمتری در فوتبال ایران است و همه قبول دارند که سطح فوتبال ایران از سطح فوتبال اروپا پایین‌تر است، اما عمده دلیل آن به سطح کیفی زمین‌های چمن در اینجا برمی‌گردد. به‌نظرم از لحاظ سخت‌افزاری فوتبال ایران مشکل دارد. اگر زمین‌های قطر و عربستان با همین کیفیت در لیگ برتر ایران بود کیفیت مسابقات لیگ ایران هم خیلی بالاتر رفته و این میانگینی که به آن اشاره کردید نیز افزایش پیدا می‌کرد. اگر چمن‌های خوبی داشتیم تعداد گل در هر مسابقه هم زیاد می‌شد و این امر در کیفی شدن بازی‌ها خیلی تاثیرگذار است.

به ملوان برسیم. اگر قبل از فصل به شما می‌گفتند در هفته یازدهم با این تعداد امتیاز در رده دوم جدول قرار می‌گیرید، خودتان تعجب نمی‌کردید؟

ما از همان پیش‌فصل عملکرد خوبی داشتیم. همانجا به خودباوری رسیده و به خودمان می‌گفتیم تیم قدرتمندی داریم. البته در دو بازی نتیجه خوبی نگرفتیم اما در ادامه به روند خوب پیش‌فصل بازگشته و توانستیم خودمان را ثابت کنیم. هر کسی هم ما را باور نداشت ما از همان پیش‌فصل خودمان را باور داشتیم که تیم‌مان خوب است و می‌تواند در این فصل حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد.

در هر صورت ملوان در این سال‌ها فراز و نشیب زیاد داشته است، اما امسال تیم خوبی دارید.

به خاطر قانونی که وضع کردند و براساس آن سهمیه بزرگسال تیم‌ها کاهش پیدا کرد به نظرم این قانون باعث شده تا سطح کیفی بیشتر تیم‌ها و پیرو آن لیگ برتر ایران خوب و مطلوب شود. این امر باعث شد تا بازیکنان گلچین شوند و بهترین‌ها در لیست تیم‌ها باقی بمانند. امروز خیلی از بازیکنان بیرون مانده‌اند و حتی خود من گزینه آخرم بود که به ملوان بیایم اما شرایط طوری پیش رفت که بعد از صحبت با تارتار تصمیم گرفتم به انزلی بروم. درواقع با این قانون لیگ ایران گلچینی از بازیکنان باکیفیت شد.

چه تضمینی وجود دارد که در نیم‌فصل دوم روند معکوسی را طی نکرده و دوباره به انتهای جدول نزدیک نشوید؟

هیچ چیزی را در فوتبال نمی‌شود پیش‌بینی کرد اما اگر بازی‌های ما را دیده باشید سطح کیفی ما به خوبی مشخص است و نمی‌توانید بگویید روی اتفاق یا شانس این نتایج به دست آمده است. یک سری مواقع برخی تیم‌ها روی اتفاق نتیجه می‌گیرد اما بیشتر بازی‌ها سوار بر بازی هستیم و مقابل همان سپاهان نیز موقعیت‌های دیگری داشتیم و این‌طور نبود که اتفاقی حریف را شکست دهیم. سطح کیفی تیم ما با جایگاهی که داریم مطابقت دارد و در جایگاه واقعی خودمان هستیم. ذوب‌آهن هم همین سطح و روند را دنبال می‌کند و چیزی در این تیم‌ها اتفاقی نیست. نتایج ما اتفاقی و از روی شانس نیست. به‌طور مثال در لیگ انگلیس تاتنهام چند بازی را اتفاقی برد و به بالای جدول هم رسید اما در سه بازی شکست خورد. این تیم واقعا کیفیت لازم را نداشت و الان دارد جایگاه واقعی‌اش را نشان می‌دهد.

در پیش‌فصل از تیم‌های دیگر پیشنهادی نداشتی؟

اتفاقاتی در پیش‌فصل افتاده که در این خصوص می‌خواهم آخر فصل صحبت کنم. یک سری آدم‌ها ابتدای فصل کارهایی کردند که الان وقت پرداختن به این مسائل و آدم‌ها نیست.

در صورت حفظ روند موفق فعلی، هدف خودت برای فصل بعدی چیست؟

هدف من این است که برای این فصل ملوان روند خوبش را حفظ کند، ضمن اینکه به آقای گلی هم فکر می‌کنم اما مهم‌تر از آن دوست دارم به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین بازیکنان فصل انتخاب شوم.

از تیم‌های بزرگ پایتخت پیشنهاد داشته باشی به تهران می‌آیی؟

من خودم بچه تهران هستم و بازی در تهران را بیشتر دوست دارم، اما باید ببینیم چه پیش می‌آید.

به تیم ملی فکر می‌کنی؟

قطعا هر کسی به تیم ملی فکر می‌کند. من کل رده‌های پایه را بازی کرده‌ام و تنها کسی هستم که در ایران در هر دو جام جهانی نوجوانان و جوانان بازی کرده‌ام. گل‌های صعود به جام جهانی را هم خودم به ازبکستان زدم و واقعا این توانمندی را در خودم می‌بینم که به تیم ملی هم دعوت شوم.

بچه محل برادران محمدی هستی! با آنها در ارتباطی؟

با میلاد و مهرداد در ارتباط نیستم اما با همدیگر دوست هستیم.

اخبار کوتاه

بازگشت بازیکن حادثه‌دیده به تمرین پیکان

پیشنهاد عنایتی به نکونام برای بازی دوستانه

تیم فوتبال پیکان بعد از حضور رضا عنایتی به جای رسول خطیبی در اولین بازی خود با کادر جدید مقابل آلومینیوم اراک به تساوی یک بر یک دست یافت و بعد از سه روز استراحت از روز گذشته دور جدید تمرینات خود را برای هفته دوازدهم لیگ آغاز کرد. با توجه به تعطیلی تقریبا دوهفته‌ای لیگ برتر تیم‌ها به دنبال این هستند که در پایان این هفته یک بازی دوستانه در برنامه‌های خود داشته باشند. در همین راستا رضا عنایتی پیشنهاد یک بازی دوستانه بین پیکان و استقلال را به جواد نکونام داده است. سرمربی استقلال هنوز پاسخ این خواسته پیکانی‌ها را نداده اما احتمال اینکه جواب مثبت دهد زیاد است. محل برگزاری این بازی هنوز مشخص نشده اما پیکانی‌ها پیشنهاد بازی در ورزشگاه دستگردی تهران را داده‌اند. خبر دیگر از پیکان اینکه حامد پاکدل بعد از تصادف شدیدی که عصر روز یکشنبه با اتومبیلش در اتوبان داشت، عصر دیروز در محل تمرین پیکانی‌ها حضور پیدا کرد. کادر پزشکی پیکان بعد از بررسی وضعیت پاکدل برای او چند جلسه فیزیوتراپی در نظر گرفت تا بدنش از کوفتگی خارج شود.

مربی برکنارشده در تهران می‌ماند؟

خطیبی به سایپا نزدیک شد

سرمربی برکنارشده تیم پیکان مذاکرات غیرمستقیمی را با مدیران باشگاه سایپا داشته تا هدایت این تیم را در ادامه مسابقات لیگ یک برعهده بگیرد. این در حالی است که نارنجی‌پوشان بعد از سپری شدن ۱۳ هفته از مسابقات لیگ آزادگان با ۲۱ امتیاز در رده پنجم جدول قرار دارند و همچنان یکی از مدعیان صعود به لیگ برتر هستند. باشگاه سایپا اخیرا از مهدی حسینی‌نسب، سرمربی خود در بیانیه‌ای حمایت کرده اما تجربه ثابت کرده بعد از بیانیه‌های اینچنینی اتفاقات جدیدی در راه است. حتی خود خطیبی در شرایطی از سرمربیگری پیکان برکنار شد که در حین مسابقات همین فصل قراردادش را با این تیم تمدید کرده بود! به هر حال اگر سایپا در بازی فردای خود مقابل شهرراز شیراز به نتیجه دلخواه نرسد احتمال اینکه خطیبی جانشین حسینی‌نسب شود زیاد است.

زمان پرداختی بعدی مشخص شد

آبی‌ها قبل دربی پولدار می‌شوند؟

تیم فوتبال استقلال، صدرنشین رقابت‌های لیگ برتر در حالی به کار خود ادامه می‌دهد که بازیکنان این تیم تا به اینجای کار ۲۰ درصد از قراردادهای خود را دریافت کرده‌اند. این در حالی است که به نسبت تعداد هفته‌های برگزاری، میانگین دریافتی استقلالی‌ها از طرف باشگاه تا حدودی عقب‌تر از مقداری است که باید تا به امروز به بازیکنان این تیم پرداخت می‌شده و از این جهت حالا این گمانه زنی ایجاد شده است که زمان و مقدار پرداختی به استقلالی‌ها از سوی باشگاه چه زمانی خواهد بود. در این خصوص اما شنیده‌های خبرنگار «فرهیختگان» حکایت از آن دارد که زمان پرداختی بعدی به استقلالی‌ها دی ماه تعیین شده است، هرچند تلاش‌ها بر آن است که تا قبل از برگزاری دربی ۱۰۲ در تاریخ ۲۳ آذر ماه این موضوع محقق شده و از طرف باشگاه درصد دیگری از قراردادها به بازیکنان پرداخت شود. در این مورد شنیده می‌شود در بخش بعدی واریزی‌ها نیز، مقدار ۱۰ درصد دیگر از قرارداد بازیکنان و کادرفنی استقلال به آنها پرداخت خواهد شد تا به این ترتیب تا قبل از نیم‌فصل رقم پرداختی به آبی‌ها در فصل جاری به سقف ۳۰ درصد برسد.

همچنین تلاش‌ها برای جذب یک اسپانسر دیگر برای استقلال ادامه دارد. در حال حاضر شرکت‌های رایتل، موبایل موسوی و بیمه تعاون به همراه هواپیمایی معراج از اسپانسرهای استقلال محسوب می‌شوند.

خبر خوب برای پرسپولیس: پنجره زمستانی بسته نمی‌شود

رادوشویچ با فیفا طرف حساب شد!

باشگاه پرسپولیس بعد از اینکه با حکم فیفا مبنی بر پرداخت ۲۰۰ هزار دلار جریمه دیگر به بوژیدار رادوشویچ به اضافه ۲۰۰ هزار دلار قسط آخر طلب او محکوم شد، تا روز گذشته مهلت داشت که مبلغ ۴۰۰ هزار دلار به رادوشویچ پرداخت کند. اتفاقی که اگر رخ نمی داد پنجره نقل و انتقالات این باشگاه بسته می‌شد. در همین راستا باشگاه پرسپولیس از چند هفته پیش با فیفا مکاتبه داشت تا مبلغ ۴۰۰ هزار دلار را از حسابش به رادو پرداخت کند. از این رو فیفا نامه‌ای به وکیل رادوشویچ ارسال کرد تا این پرداختی با رضایت او باشد. در این زمینه ابتدا رادو مخالفت کرد اما از قرار معلوم رضایت داده که طلبش را از فیفا بگیرد. او عصر دیروز در گفت‌وگوی کوتاهی با «فرهیختگان» اعلام کرد که مهلت باشگاه پرسپولیس برای پرداخت این پول به پایان رسیده اما قرار است طلبش را از فیفا دریافت کند. اتفاقی که باعث می‌شود پنجره نقل و انتقالات باشگاه پرسپولیس بسته نشود.

پس از بازی با النصر

پرسپولیس در عربستان ماندنی شد

باشگاه پرسپولیس بعد از اینکه نتوانست شرایط حضور سرخپوشان را سه روز قبل از بازی با النصر در عربستان فراهم کند تلاش زیادی کرد تا شرایطی ایجاد کند تا اعضای تیمش فردای این مسابقه عازم مکه شوند. عصر روز گذشته یکی از مسئولان باشگاه پرسپولیس در این زمینه به «فرهیختگان» گفت: «اگرچه سفر داخلی اعضای تیم از ریاض به جده هزینه‌بر بود اما تلاش‌های باشگاه تا الان نتیجه داده و اگر اتفاق خاصی رخ ندهد تیم صبح روز سه شنبه (امروز) با پرواز داخلی عازم جده خواهد شد. شرایطی فراهم شده که تیم یک روز کامل را در جده سپری کند و بعد از زیارت خانه خدا صبح چهارشنبه عازم تهران خواهد شد.» پرسپولیس بعد از بازگشت از عربستان به احتمال زیاد روز پنجشنبه را استراحت و بعد از آن خودش را برای بازی با الدحیل آماده خواهد کرد. سرخپوشان در آخرین بازی خود در مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا روز سه شنبه ۱۴ آذرماه در ورزشگاه آزادی میزبان الدحیل خواهد بود. دیدار رفت دو تیم یک بر صفر به سود نماینده کشورمان به اتمام رسید.

نوبت اول

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه ۸ عملیات انتقال گاز

آگهی ارزیابی کیفی پیمانکاران (شناسایی پیمانکار)
مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای با ارزیابی کیفی (نیمه‌فشرده)

(شماره مناقصه: ۸۷۱۲۰۰۰۹)، (کد فراخوان در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات: ۵۳۱۵۹۳۷۸)
(شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۲۰۹۱۵۹۲۰۰۰۰۶۰)

نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گذار: شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۸ عملیات انتقال گاز) به نشانی تبریز- کیلومتر ۱۵ جاده تبریز- آذرشهر- بعد از سه‌راهی پالایشگاه - نرسیده به شهرک صنعتی شهید رجایی- ساختمان مرکزی منطقه ۸ عملیات انتقال گاز، سایت اینترنتی ir.www.nigcdist۸

۱. موضوع و نوع مناقصه: اجرای شیلتر روغن، دپوی روغن، پایپ رکو فنس در تبریز، به مدت ۱۲ ماه تقویمی به‌صورت عمومی یک‌مرحله‌ای با ارزیابی کیفی (نیمه‌فشرده).

۲. مبلغ تامین اعتبار : ۹۴ ۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ ریال

۳- قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.

۴. مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۴ ۷۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ ریال، مطابق بند «الف» ماده «۶» آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (تصویب نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲) در وجه شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۸ عملیات انتقال گاز).

-مناقصه‌گرانی که موفق به کسب حداقل امتیاز قابل قبول در این مرحله گردند، در مرحله ارسال دعوت‌نامه توسط کارفرما، مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار را تهیه و ارائه خواهند نمود.

۵. نحوه دریافت اسناد مناقصه، فرم‌ها و مدارک ارزیابی کیفی، عودت، تحویل، بازگشایی فرم‌ها و مدارک ارزیابی کیفی و پیشنهاد قیمت مناقصه‌گران: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت، تکمیل، عودت، تحویل، بازگشایی فرم‌ها و مدارک ارزیابی کیفی و پیشنهاد قیمت مناقصه‌گران از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس .www.setadiran ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ می‌باشد.

۵-۱- شایان ذکر است مناقصه‌گرانی مجاز به شرکت در این مناقصه می‌باشند که دارای گواهینامه تایید صلاحیت معتبر پیمانکاری پایه ۵ ابنیه از سازمان برنامه‌وبودجه کشور (نظام فنی و اجرایی)، گواهینامه صلاحیت معتبر ایمنی پیمانکاران از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی، گواهینامه ثبت‌نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده بوده که می‌بایست تصاویر این مدارک را به همراه فرم‌های ارزیابی کیفی با مستندات مربوطه، ممهور به مهر و امضاء عوامل مجاز شرکت کرده و در سامانه ستاد بارگذاری نمایند.

۵-۲- هزینه دریافت اسناد مناقصه، فرم‌ها و مدارک ارزیابی کیفی از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به مبلغ ۵۰۰ ۰۰۰ ریال بوده که به‌صورت الکترونیکی واریز خواهد شد.

** بدیهی است شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۸ عملیات انتقال گاز) پس از بررسی اسناد و مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، نسبت به ارسال دعوت‌نامه و اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به مناقصه‌گرانی که حداقل امتیاز قابل قبول (۶۰) با شرط کسب حداقل امتیازات اخذشده هر ردیف را به دست آورند، اقدام خواهد نمود.

۶- آخرین مهلت دریافت فرم‌ها و مدارک ارزیابی کیفی: روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۵ ساعت ۱۵:۰۰

۷- آخرین مهلت عودت فرم‌ها و مدارک ارزیابی کیفی: روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۰۲ ساعت ۱۰:۳۰

۸. زمان تحویل، عودت اسناد مناقصه و گشایش پاکات پیشنهاد قیمت از طریق دعوت‌نامه به مناقصه‌گرانی که موفق به کسب حداقل امتیاز لازم شده باشند، متعاقبا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اعلام خواهد شد.

۹- پیش‌پرداخت: ۲۰ درصد مبلغ اولیه پیمان.

۱۰- جهت کسب اطلاعات بیشتر و درصورت نیاز به توضیح فنی و اجرایی با شماره تلفن‌های ۳۱۴۴۴۳۹۲-۰۴۱ و موارد پیمانی و اسنادی با شماره تلفن ۳۱۴۴۴۱۷۱-۰۴۱ و فاکس ۳۱۴۴۴۱۷۵-۰۴۱ تماس حاصل فرمایید.

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
۱۴۵۶-۰۲۱

روابط عمومی منطقه ۸ عملیات انتقال گاز
شماره شناسه ۱۶۰۸۲۲۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۲۸۶۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۱ کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۴۱۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فرض‌اله کربلائی حسینی غیاثوند به شناسنامه شماره ۵۵۰ کد ملی ۴۳۲۱۱۰۱۲۷۱ صادره قزوین فرزند یداله در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷۸۷ مترمربع پلاک شماره ۱ فرعی از ۱۲۷ اصلی واقع در (روستای گلدره) قزوین بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین (تقسیم‌نامه عادی بین ورثه یداله کربلائی حسینی از رای اصلاحی شماره ۵۶۵۷ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ ماده ۱۴۷ و ۱۴۸ سابق) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷
شعبان عسگری رئیس ثبت اسناد و املاک
شماره شناسه ۱۶۰۳۱۴۰

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

برانکو ایوانکوویچ در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: عمان از هیچ تیمی در آسیا ترس ندارد

بعد از جام ملت‌ها پیشنهادهایم را بررسی می‌کنم

- در جام ملت‌ها منتظر شگفتی باشید
- تیمی موفق خواهد بود که ترکیبی از بازیکنان جوان و با تجربه باشد

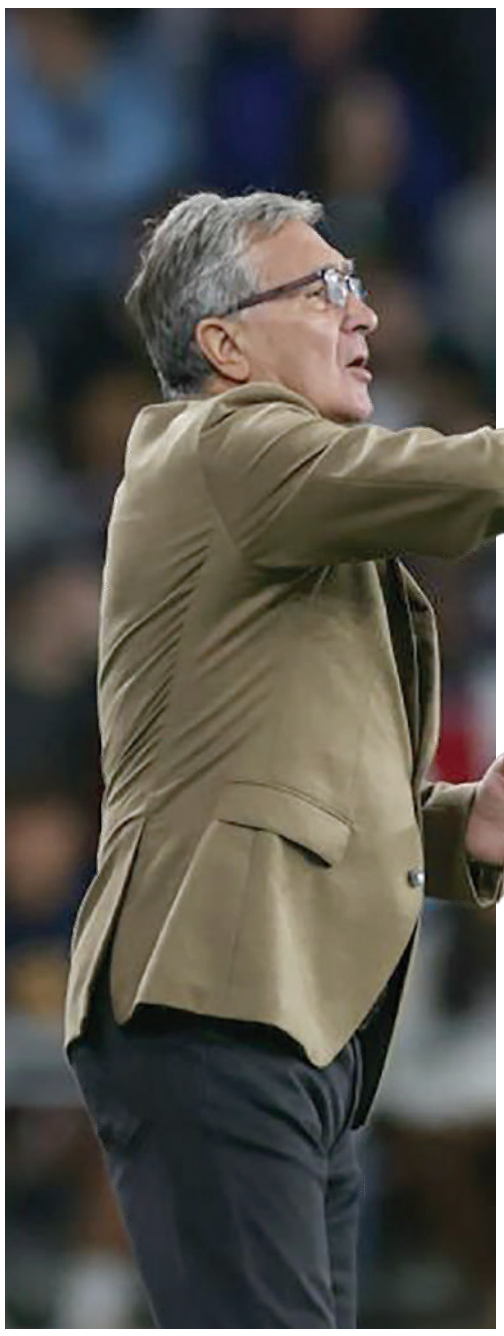

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

تیم ملی کشورمان حدود یک ماه و نیم دیگر باید اولین بازی خود را در جام ملت‌های قطر انجام دهد و این در شرایطی است روندی که این تیم با امیر قلعه‌نویی در پیش گرفته چندان رو به رشد نبوده است. میانگین سنی بازیکنان تیم ملی بالای ۲۹ سال است و این برای تیمی که قرار است بازیکنانش در رقابت‌های مهمی چون جام ملت‌ها در هر بازی بالای ۱۰،۱۱ کیلومتر دوندگی داشته باشند چندان نمی‌تواند ایده‌آل باشد. در این میان امیر قلعه‌نویی برای هر اردو سعی می‌کند چند جوان هم دعوت کند تا بلکه به این شکل میانگین سنی تیمش را پایین بیاورد اما این دسته از بازیکنان بدون اینکه به بازی گرفته شوند از لیست تیم ملی خط خورده و جای خود را به بازیکنان بعضا ۳۳، ۳۴ ساله داده‌اند. به هر شکل بد ندیدیم به بهانه نزدیکی به مسابقات جام ملت‌ها با برانکو ایوانکوویچ همکلام شویم.

سرمربی عمان از اینکه تیمش در بازی آخر خود در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی نتیجه را یک بر صفر به قرقیزستان واگذار کرد، ناراحت است و در این باره به «فرهیختگان» می‌گوید: «نتیجه اصلا برای ما خوب نبود و باید بگویم که در این مسابقه خیلی بدشانس بودیم. کنترل و مالکیت بازی کاملا در اختیار ما بود و توانستیم بیشتر از شش موقعیت خوب گلزنی ایجاد کنیم که متاسفانه بهره‌ای از آنها نبردیم. در روزی که مالکیت با تیم عمان بود و تیم برتر میدان بودیم نتیجه را واگذار کردیم و این برای من ناراحت‌کننده است. به هر حال فوتبال همین است و همیشه تیم برتر برنده مسابقه نخواهد بود.»

گروه آسانی در جام ملت‌ها نداریم

شکست عمان برابر قرقیزستان در آستانه جام ملت‌ها باعث شد انتقادهایی متوجه برانکو در رسانه‌های عمانی شود. اتفاق مشابه‌ای که برای امیر قلعه‌نویی بعد از تساوی ایران مقابل ازبکستان رخ داد. وقتی در این مورد از برانکو ایوانکوویچ سوال کردیم، این طور پاسخ داد: «همان طور که گفتم من از عملکرد شاگردانم در بازی با قرقیزستان راضی هستم و بابت این شکست فقط ناراحتم اما ناامید نیستم. هیچ‌گاه ناامید نشدم چون به تیمم و کار خودم و همکارانم ایمان دارم. تساوی با ازبکستان هم نمی‌تواند باعث این شود که از مربیان تیم ملی ایران انتقاد کنید، چون تیم‌هایی مثل ازبکستان در آسیا زیاد هستند که کار را در جام ملت‌ها برای ایران و دیگر تیم‌های مدعی بسیار سخت خواهند کرد.»

عمان در جام ملت‌ها با عربستان، تایلند و قرقیزستان همگروه است و این شانس را دارد که یکی از تیم‌های صعودکننده باشد. اما اینکه این تیم با برانکو تا چه مرحله می‌تواند برسد، سوالی است که از مرد کروات پرسیدیم و این‌گونه پاسخ داد: «همه تیم‌های حاضر در جام ملت‌ها تیم‌های باکیفیت و قابل احترامی هستند. شرایط گروه ما خوب است اما هرگز گروه آسانی برای عمان نیست. عربستان یکی از مدعیان قهرمانی است و تیم‌های تایلند و قرقیزستان پیشرفت خوبی داشته‌اند. اینکه با عمان تا چه مرحله‌ای صعود کنیم مهم نیست. مهم این است که جاه‌طلب باشیم و خودمان را هرگز دست‌کم نگیریم. ما می‌خواهیم تا آنجا که می‌توانیم پیش برویم و در این مسیر از هیچ تیمی ترس نداریم.» نظر خیلی از کارشناسان این است که تیم‌های ملی ژاپن، ایران، کره جنوبی، عربستان و استرالیا مدعیان اصلی قهرمانی در جام ملت‌ها خواهند بود. اما نظر برانکو کمی متفاوت است و می‌گوید: «تیم‌هایی که نام بردید همگی از تیم‌های قدرتمند آسیا هستند و می‌توانند رقابت جانانه‌ای را در جام ملت‌ها داشته باشند. اما فوتبال در آسیا نزدیک شده و تیم‌هایی هستند که می‌توانند شگفتی‌ساز شوند. همین تیم ازبکستان که مقابل ایران نمایش خوبی داشت می‌تواند در کنار عراق یکی از تیم‌های شگفتی‌ساز رقابت‌ها باشد. تیم عمان را هم دست‌کم نگیرید و ما هم تیمی جاه‌طلب هستیم. پیش‌بینی من این است که مسابقات سطح بالایی را شاهد باشیم و تیم‌های قدری چون ایران، ژاپن، کره و عربستان هیچ حریف راحتی را در این رقابت‌ها پیش رو نخواهند داشت.»

این روزها از امیر قلعه‌نویی زیاد انتقاد می‌شود که چرا همچنان بازیکنان پا به سن گذاشته را به اردوهای تیم ملی دعوت می‌کند و کمتر به بازیکنان جوان بها می‌دهد. در کنار این مساله میانگین سنی بالای تیم ملی هم سوال برانگیز است. نظر برانکو در این مورد می‌تواند جالب باشد: «در فوتبال امروز آمادگی بازیکنان حرف اول را می‌زند اما در کنار این مساله نباید از انگیزه و شرایط جسمانی بهتر بازیکنان جوان هم به‌سادگی گذشت. ترجیح می‌دهم در مورد تیم‌های دیگر صحبتی نداشته باشم؛ چراکه هر مربی شرایط تیم خودش را بهتر می‌شناسد.

به طور کلی می‌گویم تیمی می‌تواند در رویداد بزرگی چون جام ملت‌ها کیفیت بالاتر و بهتری را تا مراحل بالاتر داشته باشد که ترکیبی از بازیکنان جوان و باتجربه را در اختیار داشته باشد. من سعی کردم چنین شرایطی را در عمان پیاده کنم. در حال حاضر ما هم بازیکنان با سن بالا داریم که از شرایط بدنی و انگیزشی آنها کاملا راضی‌ام و هم بازیکنان جوانی که تشنه موفقیت بوده و از توان بدنی بالایی برخوردارند. ما می‌خواهیم در جام ملت‌ها خاطره‌سازی کنیم و به این خاطر به تیمی کامل و قدرتمند نیاز داریم.» برانکو در پرسپولیس نشان داد که با بازیکنان معمولی هم می‌تواند کارهای بزرگی انجام داد. از این رو انتظار می‌رود او با عمان بتواند در جام ملت‌ها خبرساز شود. سرمربی کروات در مورد آینده‌اش در این کشور و احتمال بازگشت به فوتبال ایران می‌گوید: «ما قرار است نتیجه مدت‌ها تلاش‌مان را در جام ملت‌ها بگیریم. اگرچه در بازی آخر به قرقیزستان باختیم اما دلیل نمی‌شود که نسبت به خودمان و آینده‌مان امید نداشته باشیم. به تیمی که ساخته‌ایم ایمان دارم و مطمئن هستم که هم می‌توانیم از گروه‌مان در مقدماتی جام جهانی صعود کنیم و هم در جام ملت‌ها نتایج خوبی را کسب کنیم. اگر بخواهیم خودمان را باور نداشته باشیم، هیچ وقت نمی‌توانیم موفق عمل کنیم. من همیشه در سخت‌ترین شرایط به تیمم امیدوار بوده‌ام و فکر می‌کنم این مساله را در پرسپولیس خیلی خوب به یاد بیاورید. الان هم می‌گویم که تیم پرستاره‌ای نداریم اما به خاطر جاه‌طلبی‌ای که داریم می‌خواهیم خاطره‌ساز باشیم. نمی‌دانم جام ملت‌ها آخرین حضور من در عمان باشد یا نه. در مورد تمدید قرارداد هنوز هیچ صحبتی نداشته‌ایم اما چند پیشنهاد در دست دارم که بعد از جام ملت‌ها آنها را بررسی خواهم کرد. از آینده هیچ کس خبر ندارد و برای ما مربیان هر اتفاقی ممکن است رخ دهد. شاید دوباره در ایران به مربیگری ادامه دهم یا هر کشور جدیدی.»

جدال مهم بارسا و پورتو در هفته پنجم مرحله گروهی لیگ قهرمانان

طارمی نگرانی بزرگ ژاوی

مسعود خاموشی
خبرنگار

هفته پنجم از مرحله گروهی رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا از امشب با برگزاری ۸ دیدار آغاز می‌شود که هر دو نماینده فوتبال ایران در این تورنمنت با باشگاه‌های خود برابر رقبای اسپانیایی قرار می‌گیرند. مهدی طارمی با پورتو راهی بارسلون می‌شود تا بازی برگشت را برابر بارسلونا برگزار کند و فاینورد نیز در روتردام و درحالی‌که علیرضا جهانبخش را به دلیل مصدومیت در اختیار ندارد، خود را برای رویارویی با اتلتیکو مادرید آماده می‌کند. در دیگر دیدارهای مهم امشب نیز میلان از دورتموند پذیرایی می‌کند و پاری سن ژرمن برابر نیوکاسل آماده و مدعی قرار می‌گیرد تا شاید کمی وضعیت پیچیده گروه F این رقابت‌ها مشخص شود.

نقش مهم طارمی و په‌په

در گروه H این رقابت‌ها و در ورزشگاه المپیک بارسلون دو تیم مدعی و ۹ امتیازی گروه رودرروی هم قرار می‌گیرند تا تکلیف صدرنشین را مشخص کنند. بازی رفت در ورزشگاه دراگائو را با بارسا با یک گل برد و البته در آن مسابقه مهدی طارمی، مهاجم ایرانی پورتو با یک ضربه آکروباتیک دروازه حریف را گشود که در بررسی تصاویر توسط VAR مشخص شد که او در موقعیت آفساید قرار داشته و این گل مورد قبول واقع نشد. اگرچه این دو تیم در رده‌های اول و دوم قرار دارند اما شاختار ۶ امتیازی نیز خطری جدی برای آنها محسوب می‌شود و هر تیمی که بازنده مصاف امشب باشد حتی ممکن است شانس صعود را از دست بدهد. البته بارسا در بازی آخر خود برابر آنتورپ کار چندان سختی ندارد اما مسابقه هفته آخر پورتو و شاختار احتمالا سرنوشت یکی از دو تیم صعودکننده از این گروه را مشخص خواهد کرد مگر اینکه شاختار امشب نتیجه عجیبی برابر آنتورپ کسب کند. شاگردان ژاوی در بازی قبلی خود در این رقابت‌ها می‌توانستند صعودشان را قطعی کرده و دو بازی آخر را تشریفاتی کنند اما شکست دور از انتظار برابر شاختار باعث شد تا شرایط این تیم کمی سخت شود. آبی‌واناری‌ها در حالی پای به این مسابقه می‌گذارند که در دیدار ابتدای هفته خود در لالیگا برابر رایووایکانو نتیجه‌ای ناامیدکننده کسب کردند و به تساوی یک-یک رسیدند تا فاصله‌شان با رئال مادرید و خیرونای شگفتی‌ساز در بالای جدول بیشتر شود. ژاوی که تیمش با این تساوی به رده چهارم جدول سقوط کرده و در ۵ بازی آخر خود در تمامی رقابت‌ها تنها ۲ برد داشته، این روزها زیر فشار انتقادات قرار دارد اما همچنان مدیریت باشگاه از او حمایت می‌کند. سرمربی اسپانیایی درباره شایعاتی که درباره آینده‌اش در این باشگاه و احتمال جدایی‌اش از این تیم مطرح می‌شود، می‌گوید: «من حمایت رئیس باشگاه، دکو (مدیر ورزشی) و همچنین دستیارانم را دارم و از طرف دیگر بازیکنان نیز به من و پروژه‌ای که شروع کرده‌ام، اطمینان دارند. در حال حاضر مشکلی ندارم و به بازی‌های بعدی تیمم فکر می‌کنم.» او همچنین درباره عکسی که از حضور خوان لاپورتا در رختکن تیم B باشگاه و در کنار رافا مارکز، سرمربی این تیم منتشر شده می‌گوید: «این عکس نشان می‌دهد که ما متحد هستیم و هیچ مشکلی هم با آن ندارم. این اتفاقات بارها رخ داده و اگر به رختکن ما هم بیایید از این عکس‌ها زیاد می‌بینید.» با این حال ژاوی که تاکنون دوبار در رساندن تیمش به یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان ناکام مانده ممکن است در صورت ادامه این روند با وضعیت سختی در باشگاه مواجه شود. به خصوص که امشب احتمالا مارک آندره ترشتگن، گلر آلمانی تیم به دلیل مصدومیت قادر به همراهی تیمش نباشد و این فرصتی طلایی برای مهاجمان پورتو و به خصوص طارمی است که بتوانند دروازه حریف را باز کنند. گاوی دیگر غایب بارسا است که پس از پارگی رباط صلیبی ادامه فصل را از دست داد.

در سوی دیگر میدان پورتو هم شرایطی مشابه بارسا دارد و با سه برد و یک باخت یکی از امیدهای صعود از گروهش است. پورتو البته با توجه به اینکه در بازی نخست خود در این گروه ۳ بر یک شاختار را شکست داده حتی درصورت هم امتیاز شدن با این تیم اوکراینی نیز دست بالاتر را برای صعود خواهد داشت اما با این حال سرجیو کونسیسائو می‌داند که امتیاز گرفتن از بازی امشب برای آنها بسیار مهم و ارزشمند خواهد بود. پورتو با سه برد پیاپی در دیدارهای اخیر خود راهی اسپانیا شده و البته این هفته لیگ این کشور برگزار نشد و آنها در جام حذفی برابر مونتالگره به برتری ۴ بر صفر رسیدند تا با روحیه‌ای خوب برای رویارویی با بارسای پرستاره آماده شوند. کونسیسائو برای بازی جمعه شب تیمش به طارمی که در دیدارهای اخیر همانند دو فصل قبل در اوج آمادگی نبوده، استراحت داد تا برای مسابقه مهم امشب در شرایطی بهتری باشد و او می‌تواند با توجه به شناختی که سرمربی حریف از زمان حضورش در السد از او دارد مهم‌ترین نگرانی ژاوی در مسابقه امشب باشد. ولادمار، ستاره سال‌های دور پورتو که حدود ۵۰ سال پیش در رقابت‌های جام یوفا در ترکیب این تیم برابر بارسا به میدان رفته بود و از قضا هر دو مسابقه با برتری اژدهاها به پایان رسیده بود، معتقد است که تیم کنونی با در اختیار داشتن ستاره‌هایی چون طارمی و په‌په توانایی تکرار آن اتفاق بزرگ را دارد: «به نظرم ما توانایی برتری در این مسابقه را داریم، البته مشکل اینجاست که تیم نسبت به سال‌های قبل تضعیف شده و در خط میانی قدرت لازم را ندارد. من عاشق پورتو هستم و امیدوارم بتوانیم از این بازی با سه امتیاز خارج شویم وگرنه من شب خوابم نمی‌برد. به نظر من در این مسابقه شایسته برد هستیم و از آن نوع بازی‌هایی است که بسیار به آن علاقه دارم. در چنین دیدارهایی بازیکنان انگیزه‌های مضاعفی دارند و به همین دلیل اگر ما در زمین بارسلونا به برتری برسیم اصلا تعجب نمی‌کنم. به نظرم در این مسابقه نقش طارمی و په‌په بسیار مهم خواهد بود و آنها می‌توانند مشکلات تیم کونسیسائو را برطرف کرده و سرنوشت بازی را تغییر دهند.»

جدال با اتلتیکو بدون جهانبخش

امشب در روتردام، فاینورد از اتلتیکو مادرید که این روزها بسیار آماده نشان داده، پذیرایی می‌کند و البته آرنه اسلات، سرمربی تیم هلندی نمی‌تواند از جهانبخش به دلیل مصدومیتی که در دیدارهای ملی نصیبش شد، استفاده کند. فاینورد در بازی رفت در وندا متروپولیتانو نمایش خوبی داشت و در دیداری نزدیک با نتیجه ۳ بر ۲ شکست خورد. به همین دلیل هواداران این تیم امیدوارند تیم‌شان در بازی امشب بتواند از حریف قدرتمند خود امتیاز بگیرد تا در بازی آخر برای صعود امیدوار باشند. با توجه به بازی نه چندان سختی که لاتزیو برابر سلتیک دارد، شکست در مسابقه امشب می‌تواند حتی باعث حذف فاینورد از لیگ قهرمانان شود. در گروه F که گروه مرگ این تورنمنت است نیز دورتموند که با ۷ امتیاز صدرنشین است در صورت برتری برابر میلان ۵ امتیازی می‌تواند صعودش را قطعی کند و پاری سن ژرمن هم برای اینکه حداقل رتبه دوم را حفظ کند باید برابر نیوکاسل به برتری برسد اما با توجه به برتری ۴ بر یک تیم انگلیسی در لیگ جزیره برابر چلسی در ابتدای هفته، بدون شک کار بسیار سختی برابر این تیم خواهند داشت.

آگهی مزایده اموال غیرمنقول اسناد رهنی

به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۹۱۰۰۳۱۳ ششدانگ یک دستگاه آپارتمان واقع در ضلع جنوبی طبقه چهارم به مساحت ۷۴/۷۵ مترمربع قطعه ۱۷ تفکیکی به پلاک ۸۱۴۶ فرعی مفروز از پلاک ۳۴۸۹ فرعی از ۱۶۹ اصلی به انضمام یک باب انباری به مساحت ۱/۹۵ مترمربع قطعه سه واقع در همکف ذیل صفحه ۲۵۹ دفتر ۱۸۰۶ به نام سیدمهدی عمادی طی سند انتقال ۴۹۰۵۱-۸۵/۷/۱۳ دفتر ۴۵ کرج انتقال گردیده است و برابر سند رهنی شماره ۷۱۰۰-۸۷/۷/۲۹ دفتر ۶۸۹ تهران در رهن بانک اقتصادنوین می‌باشد. محدود به حدود شمالا در دو قسمت هر دو در یک راستا اول در سمت مشترک به قطعه ۱۶ تفکیکی دوم درب و دیواری است به راه‌پله مشاعی شرقا در سه قمست که قسمت دوم جنوبی است در سه قسمت حد شرقی دیوار مشترک به قطعه ۱۸ تفکیکی جنوبا نرده تراس و دیوار و پنجره فضای حیاط مشاعی غربا در پنج قسمت که قسمت دوم مشاعی و چهارم جنوبی است قسمت‌های اول و پنجم دیوار مشترک به قطعه ۱۶ همین تفکیکی و قسمت‌های دوم و سوم و چهارم دیوار و پنجره به نورگیر مشاعی و کف با سقف قطعه ۱۲ و سقف با کف قطعه ۲۲ مشترک است. حدود انباری شمالا دیوار مشترک به انباری شماره دو شرقا دیواری است به راه‌پله مشاعی جنوبا دیوار مشترک به انباری شماره ۴ غربا درب و دیواری است به پیلوت مشاعی کف روی قسمت پر عرصه و سقف با کف طبقه فوقانی مشترک است. طبق نظر کارشناس رسمی مورخ ۱۴۰۲/۵/۱۵ به مبلغ ۲۳/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده و پلاک فوق واقع است در نشانی (کرج زمین‌های خانم انصاری میدان والفجر کوی فرهنگیان مجتمع گلسار واحد ۱۷) ملک یک دستگاه آپارتمان مسکونی به مساحت ۷۴/۷۵ مترمربع در ضلع جنوبی طبقه چهارم مجتمع مسکونی که در ۵ طبقه روی پیلوت به صورت نیم‌طبقه - طبقه همکف جهت پارکینگ و انباری و ۵ طبقه روی آن هر یک شامل ۵ واحد مسکونی واقع است. اسکلت ساختمان بتنی نمای شمالی از سنگ تیشه‌ای با پنجره تک جداره فلزی دارای آسانسور دارای انباری فاقد پارکینگ کف پیلوت موزائیک و دیواره آن از سنگ تیشه‌ای راه‌پله تا ارتفاع ۱/۲۰ متر از سنگ مرمیت طوسی و مابقی گچ و نقاشی درب ورودی واحد چوبی قاب تونیک کف اتاق خواب‌ها موکت و کف مابقی فضاها سرامیک دارای دو خواب و سرویس‌های بهداشتی مجزا و آشپزخانه اوپن و کابینت ام‌دی‌اف دارای نقاشی و گچبری در سقف سیستم گرمایش شوفاژ سیستم سرمایش کولر آبی دارای انشعابات آب و گاز و مشترک و برق مجزا و در ید آقای مهدی گله‌داری است. پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز یکشنبه ۱۴۰۲/۹/۱۹ در اداره اجرای ثبت کرج از طریق مزایده به فروش می‌رسد. مزایده از مبلغ ۲۳/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می‌شود. شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است مابه‌التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و درصورتی‌که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می‌گردد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی‌های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب یا حق اشتراک و مصرف درصورتی‌که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی‌های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز درصورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه‌های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می‌گردد. ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. برابر اعلام بستانکار ملک تا تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ تحت پوشش بیمه پاد نوین می‌باشد.

معاون اجرای ثبت کرج - قاسمی - شناسه آگهی: ۱۶۱۲۵۴۳

دومین حلدای

جمهوری اسلامی ایران
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
صندوق رفاه دانشجویان

آگهی مناقصه

صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نظر دارد نسبت به خرید خدمات بیمه تکمیلی برای دانشجویان با شرایط ذیل از طریق شرکت‌های واجد شرایط اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند صرفا در مهلت مقرر به سامانه ستاد به آدرس setadiran.ir مراجعه نمایند.

ردیف	موضوع	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	مهلت توزیع اسناد	مهلت ارائه پیشنهادات	زمان بازگشایی پاکات الف و ب (مرحله اول)	زمان بازگشایی پاکات ج (مرحله دوم)
۱	خرید خدمات بیمه تکمیلی برای دانشجویان	۳,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰	از ساعت ۸ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ لغایت ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۱	از ساعت ۸ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۲ لغایت ساعت ۱۵ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۱	ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۲	ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

* آدرس صندوق:
تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از طالقانی، نبش کوچه گیلان، پلاک ۱۶۰۵، صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

تذکر: سپرده قابل قبول برای شرکت در مناقصه واریز وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی معتبر با حداقل ۳ ماه اعتبار با قابلیت تمدید تا سه ماه دیگر می‌باشد.

صندوق رفاه دانشجویان
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a۶۶۳۴۸۰۱۸@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مروری بر آثار خاطره‌انگیز بازیگر باوقار مرحومه معصومی
از «امام علی(ع)» تا «ناخدا خورشید»

نوستالژی پروانه خانم

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

سال ۱۳۴۹ بود که سکینه کبودرآهنگی بعد از اینکه در رشته مترجمی زبان‌های آلمانی و فرانسه و انگلیسی، از آلمان فارغ‌التحصیل شد، به ایران برگشت و در یک شرکت مشغول به کار شد. حدودا ۲۶ سال داشت و چون در آلمان با آقای معصومی ازدواج کرده بود، دوست داشت که خانم معصومی صدایش کنند، همان‌طور که در محیط‌های خصوصی دیگر هم پروانه صدایش می‌زدند. در خانواده مذهبی بزرگ شده بود و با اینکه خانه‌شان نزدیک سینما دیانا یا همان سپیده امروزی بود، معمولا به تماشای فیلم‌ها نمی‌رفتند. یک بار وقتی کودک بود مادرش تصمیم گرفت او و خواهرش را به سینما ببرد اما یک ربع که از فیلم گذشت، مادر دست دو دخترش را گرفت و از سالن بیرون زدند. با این حال سکینه یا به عبارتی پروین، در همان سال ۴۹ نقش کوتاهی در فیلم بیتا را پذیرفت تا غیر از فائقه آتشین یا همان گوگوش که ستاره آن سال‌های سینمای ایران بود، در کنار هنرپیشگان دیگری از جمله عزت‌الله انتظامی، اکبر زنجانپور و مهین شهابی قرار بگیرد. فیلمنامه را گلی ترقی نوشته بود که از بنام‌های ادبیات معاصر است و در آن دوره جوان‌تر بود و هژیر داریوش کارگردان کار. «بیتا» با اینکه گوگوش نقش اولش را بازی می‌کرد، از جریان فیلمفارسی جدا بود و حتی هوشنگ کاوسی، منتقد سرشناس ایرانی که اصطلاح فیلمفارسی را باب کرد، خودش هم مثل پروانه معصومی نقشی کوتاه در این فیلم داشت. لوریس چکناواریان برای این فیلم موزیکی نوشت و نواخت که شنیدنی و ماندگار شد و اصلا می‌شود گفت از دلایل رشد این موزیسین در آن مقطع، یکی همین موزیک فیلم بیتا بود که خوب شنیده شد. پروانه فقط به‌عنوان تجربه هنری در این فیلم حضور پیدا کرد و نگاه حرفه‌ای به ماجرا نداشت. کار اصلی پروانه معصومی همچنان همان ترجمه در یک شرکت بود اما از آنجایی که محیط اجتماعی و اداری آن روزگار را بعد از مدتی برای کار کردن زن‌ها در بیرون از خانه امن نمی‌دید، به خانه برگشت تا با پسرش سرگرم باشد. همسر پروانه بعد از مدتی نگران شد که این خانه‌نشینی باعث افسردگی‌اش شود و یک روز به منزل زنگ زد و گفت به دفترش بیاید. دفتر آقای معصومی نزدیک منزل‌شان بود. وقتی پروانه به دفتر همسرش رسید، در آنجا دو مرد را دید که میهمانش بودند. یکی را می‌شناخت؛ احمدرضا احمدی، شاعر نوپرداز که با هم ارتباط خانوادگی داشتند. دیگری را نمی‌شناخت و همانجا به هم معرفی شدند. نام مرد دوم بهرام بیضایی بود و برای فیلمی به نام «رگبار» دنبال هنرپیشه نقش اول زن می‌گشت. احمدرضا خلاصه‌ای از داستان را تعریف کرد اما چون پروانه چیزی دستگیرش نشد، کارگردان جوان یک نسخه از فیلمنامه‌اش را به او داد تا بخواند. دو سه روز بعد پروانه گفت که کار را قبول می‌کند و حالا نوبت بهرام بیضایی بود که از انتخابش مطمئن شود. تست گرفتند. قرار شد پروانه یک سکانس مشکل از رگبار، همانجا که عاطفه وارد دفتر آقای حکمتی می‌شود و با مدیر مدرسه اشتباهش می‌گیرد را بازی کند و بازی کرد و پذیرفته شد. بعد رقمی را به‌عنوان دستمزد خواست که چشمان بهرام بیضایی را گرد کرد. گفت می‌دونی این دستمزد را کدام بازیگران می‌گیرند؟ و پروانه پاسخ داد؛ نه اصلا نمی‌دانم ولی اگر این دستمزد را نگیرم بازی نمی‌کنم. خیلی برایش مهم نبود که بازی کند یا نکند. بعدها وقتی از او پرسیدند چطور شد این رقم را گفتی، جواب داد هیچی! همین‌طوری یک رقمی گفتم. وقتی رگبار در جشنواره تهران نمایش داده شد و قشر روشنفکر جامعه به آن توجه نشان دادند، پروانه تازه بازیگری را برای خودش جدی گرفت. بعدها گفت نقشم در بیتا خیلی کوتاه بود و آن را جزء کارنامه‌ام حساب نمی‌کنم اما رگبار برایش یک درخشش بود. در سال‌های اوج موج نو هستیم؛ جریانی موازی با فیلمفارسی که حال و هوایی یکسره متفاوت با آن دارد و در سال ۴۸ با دو فیلم «گاو» از داریوش مهرجویی و «قیصر» از مسعود کیمیایی، اعلام وجود کرد. بهرام بیضایی هم از سرآمدان جوان این جریان بود.

پروانه در سال بعد «شهر قصه» را بازی کرد که نسخه‌ای سینمایی از تئاتر شهر قصه بود؛ تئاتری که سال ۴۷ اجرا شد؛ یک فضای نمادین از جنگلی که در آن یک فیل استحاله می‌شود و هویت خودش را از دست می‌دهد. مساله فریب خوردن و مسخ شدن و استحاله هویتی، از درون‌مایه‌های جدی آن روزگار بود که جماعت روشنفکر مورد توجه قرار می‌دادند و فیلم گاو هم همین را می‌گفت. این درون‌مایه در واکنش به وضعیت اجتماعی پدید آمده توسط پهلوی دوم ایجاد شد، اما دستگاه حاکمه آن دوران هم تا حدی تحمل داشت و رفته‌رفته عرصه به موج نو تنگ می‌شد. سال ۱۳۵۳ آخرین سالی بود که موج نوی ایرانی توانست به فعالیتش در دوره پهلوی ادامه دهد و پروانه معصومی در آن سال دومین همکاری‌اش با بهرام بیضایی را در «غریبه و مه» تجربه کرد و این‌بار حتی دستمزد بالایی نخواست، چون دیگر محتوای کار را جدی‌تر می‌گرفت. بعد سینما پر شده بود از فیلم‌هایی مثل «رختخواب سه‌نفره» «یک چمدان سکس» «شوهر جونم عاشق شده» و... در همان ایام فیلمی به پروانه معصومی پیشنهاد دادند که او را مقابل ستاره معروف آن سال‌ها قرار می‌داد و ۱۵۰ هزار تومان دستمزد هم قرار بود بدهند. پولی که در آن زمان می‌شد با آن سه تا خانه ویلایی خرید. پروانه مرتب پیشنهادشان را رد می‌کرد و آنها حتی می‌خواستند رقم را بالاتر ببرند تا اینکه از اصرارشان عاصی شد و گفت بسیار خب فیلمنامه را بفرستید. گفتند فیلمنامه نداریم که، ما همانجا سکانس‌ها را روی کاغذ می‌نویسیم و می‌دهیم دست بازیگرها. پروانه معصومی هم گفت پس بروید سراغ بازیگری که بتواند با شما این شکلی کار کند. دیگر کار نکرد تا اینکه بهرام بیضایی در سال ۵۶ برای نقش آسیه در فیلم «کلاغ» دوباره به او پیشنهاد داد. فیلمی که تداعی‌گر سردی، تنهایی، ترس و هویت گم شده بود. آخرین کار سیاه و سفید بهرام بیضایی بعد از فیلم‌های رنگی دیگری که قبل از آن ساخته بود. بیضایی داستانش را به قدری پیچیده نگاشته بود و در کارگردانی هم چنان دور از پسندهای کارت‌پستالی آن ایام رفت که این فیلم توانست به سلامت از زیر تیغ سانسور بگذرد. فیلم را در شمال کشور ساختند و همین رخدادگاه پروانه را شیفته طبیعت و فضای اجتماعی و منطقه کرد تا سال‌ها بعد به زندگی در همان جا فکر کند. وقتی دیگر آقای معصومی کنارش نبود و او و پسرش را در این دنیا تنها گذاشت.

بازیگری در عصر جدید

«این آدم به‌واسطه نوکری که داشته، مراکز فحشا درست کرده. تلویزیونش مرکز فحشاست، رادیواش -بسیاری‌اش- فحشاست. مراکزی که اجازه دادند برای اینکه باز باشد، مراکز فحشاست. اینها دست به دست هم دادند. در تهران مرکز مشروب‌فروشی بیشتر از کتاب‌فروشی است، مراکز فساد دیگر الی ماشاءالله است. برای چه؟ سینمای ما مرکز فحشاست.»

نفس‌ها در سینه حبس بود. این صدای روح‌الله خمینی بود که در آرامستان بهشت‌زهرا می‌پیچید. رهبر تبعیدی انقلاب ایران که پس از ۱۷ سال مبارزه مستقیم، ساعتی پیش هواپیمایش در تهران به زمین نشست و در اقدامی نمادین، قبل از همه جا به بهشت‌زهرا رفت؛ جایی که شهدای انقلاب در آن دفن شده بودند. مردی تا این اندازه کاریزماتیک با هر کلمه‌اش می‌توانست بنیان خیلی چیزها را از آن به بعد در ایران منقلب کند و اساسا داشت همین کار را می‌کرد؛ داشت انقلاب می‌کرد. وقتی او گفت سینمای ما مرکز فحشاست، عوامل سینمای ایران که خیلی‌هایشان در صف استقبال‌کنندگانش بودند دیگر داشتند با تعطیلی کلی سینما کنار می‌آمدند. شعارها و سویه‌های مذهبی انقلاب به نظر می‌رساند که سینما باید کلا تعطیل شود. داریوش مهرجویی می‌گفت مردم حق دارند سینماها را آتش بزنند چون آنچه در سال‌های آخر نمایش داده می‌شد، دیگر اروتیک هم نبود، رسما پورن بود. رهبر انقلابی که چند کابینه پهلوی را مثل برگ‌های پاییزی از سر راهش برداشته بود و می‌رفت تا به قول خودش دولت تعیین کند و توی دهن دولت بختیار هم بزند، گفت سینما مرکز فحشاست و این یعنی تمام. ناگهان اما جملات او ادامه یافت و گفت: «ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. ما کی مخالفت کردیم با تجدد؟ با مراتب تجدد؟»

خب ظاهرا همه تصورات از این انقلاب و مسیر آتی‌اش دقیق نبودند. البته هنوز مصداق معین سینمایی که قرار بود بنیان گذاشته شود، مشخص نبود اما به هر حال سینما قرار بود ادامه داشته باشد و فحشا ادامه نداشته باشد. فیلمفارسی دو سه سالی بود که با وجود حذف قهری رقیبی مثل موج نو کاملا ورشکسته شده بود، اما حالا قرار شد سینمای جدیدی پا بگیرد که فیلمسازانی مثل بیضایی یا بازیگرانی مثل پروانه معصومی می‌توانستند در آن، جایی برای خودشان پیدا کنند. بیضایی بعد از انقلاب به جای پروانه معصومی با بازیگر زن دیگری به نام سوسن تسلیمی کارهایش را ادامه داد. بعد تسلیمی از ایران رفت و کارنامه بیضایی هم سینوس‌هایی داشت که فارغ است از قصه پروانه معصومی اما به هر حال پروانه معصومی کارش را از آن به بعد بیشتر با کارگردان‌هایی ادامه داد که بعد از انقلاب وارد عرصه حرفه‌ای شدند. یکی‌شان کسی بود که در همان پرواز سال ۵۷، به‌عنوان خبرنگار همراه رهبر انقلاب بود و پس از مدتی روی صندلی کارگردانی نشست. «گل‌های داوودی» که به‌نوعی اولین فیلم عاشقانه بعد از انقلاب بود را رسول صدرعاملی سال ۱۳۶۳ کارگردانی کرد و همین باعث بازگشت پروانه معصومی به سینما شد. همان سال معصومی در فیلمی از جلال مقدم، کارگردان هنری‌ساز قدیمی هم بازی کرد به نام «آشیانه مهر» و همچنین در فیلم «تاتوره» اثر کیومرث پوراحمد که از موج نویی‌ها بود، اما اولین فیلم بلندش را بعد از انقلاب ساخت. سال ۶۴ نوبت به فیلم «جست‌وجو در شهر» رسید که جمال امید و حسن هدایت، دو نویسنده و فیلمساز معتبر قصه‌اش را نوشته بودند، اما کارگردانی به نام حجت‌الله سیفی که هیچ‌گاه ندرخشید، آن را جلوی دوربین برد. داستان زنی که پس از انقلاب تحت تاثیر تمایلات خانواده پدری‌اش از همسر و پسر خردسالش جدا می‌شود و به خارج از کشور مهاجرت می‌کند. سال بعد یعنی سال ۱۳۶۵ اما برای پروانه معصومی خیلی به لحاظ کاری پرازدحام بود. او در همان سال به اندازه هشت سال بازیگری‌اش در دوره قبل از انقلاب کار کرد و در چهار فیلم حضور داشت؛ البته اگر بیتا را مثل خودش جزء کارنامه او حساب نکنیم. یکی از این چهار فیلم را جلال مقدم ساخته بود، دیگری را خسرو معصومی که بعدها در چند پروژه دیگر هم با پروانه معصومی همکاری کرد. «ترنج» به کارگردانی مجتبی راعی، یکی دیگر از تازه‌واردهای سینما در دوره پس از انقلاب، فیلم سوم بود و چهارمی فیلمی از یک کارگردان دیگر موج نو به جز بهرام بیضایی. «ناخدا خورشید» مهم‌ترین فیلم ناصر تقوایی بود و پروانه معصومی نقش همسر ناخدا را بازی کرد.

از آن به بعد دیگر فصل کار کردن با جوان‌های تازه از راه رسیده‌ای بود که خیلی‌هایشان واقعا با استعداد بودند. در سال ۶۶ سیامک شایقی اولین فیلمش را ساخت به نام «جهیزیه‌ای برای رباب»، ابراهیم وحیدی اولین فیلمش را ساخت به نام «تحفه‌ها» و رخشان بنی‌اعتماد هم اولین فیلمش را ساخت به نام «خارج از محدوده». پروانه معصومی در هر سه این فیلم‌ها بازی کرد و همزمان در پروژه «کوچک جنگلی» به کارگردانی بهروز افخمی حضور داشت که یک سریال بزرگ بود. پروانه معصومی تا پایان آن دهه غیر از دو فیلم دیگر برای خسرو معصومی، در «سال‌های خاکستر» مهدی صباغ‌زاده هم حضور داشت و در ابتدای دهه ۷۰ جزء بازیگران فیلم «ناصرالدین شاه آکتور سینما» به کارگردانی محسن مخملباف بود. فیلم‌های مهم پروانه معصومی دیگر در همین جا تمام شدند و او چند حضور درخشان دیگرش را در سریال‌های تلویزیونی تجربه کرد. دو اثر از داوود میرباقری، کارگردان تاریخی‌ساز نابغه ایران که البته یکی از این سریال‌ها به نام «مسافری»، در نسخه‌ای سینمایی هم عرضه شد و دیگری سریال «امام علی»، در نقش همسر مالک اشتر، جایی که او پس از ناخدا خورشید دوباره روبه‌روی داریوش ارجمند بازی کرد. دو پروژه هم با سیروس مقدم کار کرد که از آن میان «پلیس جوان» خیلی دیده شد. بعدها در «یوسف پیامبر» اثر فرج‌الله سلحشور هم بازی کرد که نه‌تنها در ایران، بلکه در تمام مناطق غرب آسیا و شمال آفریقا به شدت دیده شد. آخرین فیلم‌های پروانه معصومی یکی «جانان» به کارگردانی کامران قدکچیان بود که در ۷۱ سالگی‌اش آن را ساخت و دیگری «معکوس»، نخستین فیلم پولاد کیمیایی که چندان مورد استقبال قرار نگرفت. در تلویزیون هم او برای داریوش یاری «در کنار پروانه‌ها» را در سال ۱۴۰۰، وقتی ۷۷ ساله بود بازی کرد و دیگر به شمال کشور برگشت تا اینکه سه چهار ماه مانده به ۸۰ سالگی‌اش در یک بیمارستان شهر رشت به‌دلیل عارضه ریوی درگذشت.

بازخوانی خاطرات پروانه معصومی از دنیای بازیگری

عصمت/ فیلم سینمایی «گل‌های داودی»

فیلم سینمایی «راه دوم» اولین فیلم من در سینمای پس از انقلاب است که در سال ۱۳۶۲ بازی کردم؛ فیلمنامه خوبی داشت اما فیلم خوبی نشد. سال ۱۳۶۳، فیلم «گل‌های داودی» را بازی کردم که این فیلم را خیلی دوست داشتم. زن فیلم نقش زیبایی بود و باید مسن‌تر از خودم را بازی می‌کردم. فیلمنامه را خواندم و چند جایی از کار بود که دوست نداشتم. آقای صدرعاملی از جمله کارگردان‌هایی است که بازی بازیگر را می‌شناسد و با او همراهی می‌کند. یادم است یک سکانس زندان داشتیم که مادر وقتی به زندان می‌رود، خبر فوت همسرش را به او می‌دهند. فیلمنامه این‌گونه بود که این زن شیون می‌کند، به سر و صورتش می‌زند و درنهایت هم غش می‌کند. من به آقای صدرعاملی گفتم که این کاراکتر را این‌گونه نمی‌بینم، بلکه زنی قوی است که بیش از ۲۵ سال صبر کرده است و این جنس بی‌تابی با این شخصیت همگونی ندارد. گفتم این زن آنقدر از شنیدن این خبر، متاثر می‌شود که هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهد و محکم‌تر از آن است که دست به شیون بزند. پذیرفتند و روزی که رفتم این صحنه را بگیریم خیلی حالم بد بود و یاد خاطرات پدرم افتاده بودم. خاطرم است زمان ضبط سکانس، آقای جمشید مشایخی که نقش مقابل من را بازی می‌کردند با هوشمندی، کنشی نشان دادند که در تمرینات نداشتند و وقتی محکم روی میز زدند و خبر فوت را دادند، من همان حالت شوک و حیرانی را حفظ کردم و حرکت کردم و دوربین هم به دنبال من آمد تا اینکه از دید دوربین خارج شدم. بعد از فیلمبرداری سکانس، آقای صدرعاملی راضی بودند و به من گفتند چطور عضلات صورتت را تکان می‌دادی و من گفتم از روی خودآگاهم نبود و این لرزش صورتم برای ناراحتی و خاطراتی بود که به یادم آمد.

مروارید/ فیلم سینمایی «ناخداخورشید»

قرار بود در سریال «کوچک جنگلی» با آقای ناصر تقوایی همکاری کنم که به دلایلی نشد. بعد از آن آقای تقوایی به من گفتند می‌خواهم فیلمی بسازم به نام «ناخدا خورشید» و نقشی برایت نوشتم که عینا شبیه نقشی است که قرار بود در کوچک جنگلی بازی کنی و با همان جذابیت است، آیا بازی می‌کنی؟ من هم گفتم شما بگو یک پلان بازی کن، قطعا بازی می‌کنم. به‌عنوان بازیگر در کنار آقای تقوایی، خیلی چیزها یاد گرفتم. خاطرم هست در صحنه‌ای از فیلم آقای سعید پورصمیمی در نقش ملول، به خانه ناخدا خورشید می‌آید و دیالوگی داشتم با این مضمون که خاک تو سرت بکنند، مردی که دوتا زن می‌گیره، وضعش بهتر از این نمیشه. یادم است برای گفتن همین دیالوگ ۱۲ برداشت گرفتیم و خسته شده بودم. آخر سر به آقای تقوایی گفتم چه باید بکنم و گفت باید بگی «خاک تو سرت بکنند» و با تعجب گفتم خب من همین را می‌گویم و آقای تقوایی گفت نه این پروانه است که می‌گوید، بلکه مروارید زن ناخدا خورشید باید این دیالوگ را بگوید. گفتم من نمی‌توانم به کسی بگویم خاک تو سرت بکنند و او هم گفت این نقش، تو نیستی بلکه مروارید است که این را می‌گوید و باید این صحنه را درست بگویی وگرنه تا نور هست برداشت‌ها را ادامه می‌دهیم. بالاخره این صحنه را گرفتیم و خداروشکر خوب هم شد.

طوبی/ فیلم سینمایی «طوبی»

قصه فیلم «طوبی» را خیلی دوست داشتم و خوشبختانه مورد اقبال مردم قرار گرفتم. روش من برای رسیدن به نقشی که می‌خواهم بازی کنم این است که قصه را خوب بفهمم. حالا ممکن است به تعداد زیادی مشابه آن نقش را در جامعه دیده باشم و کاملا با آن آشنا باشم اما اگر ندیده باشم سعی می‌کنم که بروم و آن نقش را بین مردم پیدا کنم. برای نقش طوبی هم این کار را کردم. خاطرم هست صحنه‌ای از فیلم بود که طوبی به سمت مرد لبوفروشی حمله و شروع می‌کند به کتک زدنش. این سکانس خارجی، شب و زیر باران بود و ضبط آن کار ساده‌ای نبود. من این لبوفروش بخت‌برگشته را مثل یک گنجشک کتک می‌زدم و به زمین پرت می‌کردم. در کل به فکر درست درآمدن این سکانس‌ها بودم و فقط صدایی شنیدم که می‌گفت خانم معصومی خواهش می‌کنم دیگر نزن. تازه به خودم آمدم و گفتم مگر دردتان آمد و این بنده خدا گفت آخر شما من را محکم به زمین می‌کوبید.

هاجر همسر مالک اشتر/ سریال «امام علی(ع)»

از یک زمانی فقط شروع کردم سریال تلویزیونی بازی کردن چون از جایی به بعد نقش‌های خوبی در سینما به من پیشنهاد نمی‌دادند. زمانی که آقای میرباقری نقش هاجر را پیشنهاد کردند، گفتند اگر شما بازی کنید، این نقش در سریال می‌ماند وگرنه ما اصلا این سکانس‌ها را در سریال نمی‌گذاریم. ایفای نقش من در این سریال زمانی آغاز شد که همه سکانس‌های این مجموعه ضبط شده بود. ضبط کلیه این سکانس‌ها هم ۱۰ روز طول کشید. بخش مهمی از ماجرای داستان زندگی هاجر را آقای میرباقری برایم گفت و بسیار برای ایفای این نقش به من کمک کرد. نیروی مثبتی که عوامل سریال «امام علی(ع)» در این مجموعه داشتند را می‌توان از کیفیت بازی بازیگران و به‌طور کل خروجی این مجموعه احساس کرد. نه‌تنها بازیگران این مجموعه بلکه همه عواملی که در ساخت سریال دست داشتند با عشق به این حضرت کار کرده و با عشق به ایشان تلاش کردند و بهتر است بگویم همه با نیت قلبی و اعتقاد به امام علی(ع) برای این مجموعه آمده بودند. در بین کارهایی که بازی کردم، سریال امام علی(ع) برای من جایگاه خاصی داشت.

بانوتی/ سریال «حضرت یوسف(ع)»

وقتی آقای سلحشور در مورد نقش همسر فرعون در سریال «حضرت یوسف(ع)» گفتند، به آنها گفتم: نه! چون در سرتاسر سریال حضور دارد اما انگار نقش فعالی ندارد. بعد فیلمنامه را فرستادند و گفتند این نقش جای کار کردن دارد. وقتی دقیق‌تر خواندم این نقش را متفاوت از کارهای قبلی خودم دیدم و پذیرفتم که در سریال حضور داشته باشم. بانوتی، زنی قدرتمند است که سال‌ها آمون را می‌پرستد و نمی‌توانست دوروزه خدا پرست بشود. برای همین بود که این نقش و آدم را پذیرفتم. من برای نزدیک شدن به این کاراکتر، کتاب‌های تاریخی مطالعه کردم. شناخت شخصیت‌ها و دوره و زمانه‌ای که در آن زندگی کرده‌اند و نوع روابط اجتماعی که آن زمان برقرار بوده، کمک کرد که مشخصات کاراکترهای تاریخی این سریال را بهتر بشناسم.

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

نخستین فیلم‌های انقلاب زیر ذره‌بین انقلابیون

احسان زیورعالم
خبرنگار

بخش مهمی از مقالات پیشین بایگانی به مشکلات و دشواری‌های تولید فیلم در ایران پساانقلاب اختصاص یافته بود. از اینکه چطور گروه‌های مختلف فکری توانایی اشتراک بر سر یک موضوع مهم، یعنی سینما را نداشتند و حتی گاه مساله از تفکر جمعی خارج می‌شد و عامل افتراق، نظرات شخصی بود. مصادره سینما، موجب ترس و هراس فعالیت بخش خصوصی شده بود و بخش مهمی از انقلابیون با تاسی از کشورهایی چون الجزایر و کوبا در تلاش بودند سینمایی دولتی و البته تبلیغی راه بیندازند. در چنین وضعیتی سرمایه‌گذارانی که از سال ۱۳۵۵، با افول سینمای فارسی پا از ورطه خطرناک سینمای ایران بیرون کشیده بودند نیز تمایلی به تولید اشکال جدید سینما نداشتند؛ اشکالی برآمده از انقلاب و البته متاثر از سینمای چپ‌گرایی که با پیروزی انقلاب حالا بر سردر سینماها جلب توجه می‌کردند. فیلم‌هایی با موضوع استعمار امپریالیست‌ها و استثمار شدن جوامع فرودست. فیلم‌هایی چون «نبرد الجزایر» حالا محبوبیت ویژه‌ای پیدا کرده بودند و این مساله در قامت فیلم‌های داستانی مستندگونه سال‌های پایانی دهه ۵۰ خود را بازنمود می‌کرد.

با این وجود تولید فیلم در روزهای پایانی دهه ۵۰ ناممکن هم نبود. برخی از دستگاه‌های دولتی از جمله «تل‌فیلم» اقداماتی برای روشن نگاه داشتن چراغ سینما داشتند. تل‌فیلم که بعدها در ساختار تلویزیون ایران به «سیمافیلم» تغییر نام یافت، واحد تولید فیلم در تلویزیون ملی ایران، زیر نظر فریدون رهنما بود که هدفش حمایت از گونه‌های نامتعارفی از سینما بود، گونه‌هایی که مخاطبش عوام نبودند؛ اما در آن سوی مرزها می‌توانست تریبون رسمی ایران در جشنواره‌های سینمایی باشد. فیلمسازانی چون سهراب شهیدثالث، آربی آوانسیان یا پرویز کیمیاوی برآمده از تل‌فیلم بودند و حالا این نهاد به دست مسعود کیمیایی افتاده بود که اساسا خارج از چهارچوب تعریف‌شده تل‌فیلم فیلم ساخته بود. اگرچه کیمیایی را یکی از ارکان موج‌نوی سینمای ایران می‌شناختند؛ اما برخلاف دیگر چهره‌های شاخص موج‌نو، فیلم‌های کیمیایی آثار محبوب گیشه بودند و می‌توانستند عامه مردم را ترغیب به دیدن خود کنند. با این حال شرایط پساانقلاب چنان نبود که کیمیایی برای مثال علم قیصرسازی را به اهتزاز درآورد. درعوض اگر فضای کارهای پایانی کیمیایی چون «خاک» و «سفر سنگ» را در نظر بگیریم، می‌توان دریافت چگونه انقلابیون او را دوست می‌داشتند. مهم‌تر آنکه محمدعلی نجفی در تولید نخستین فیلمش، «جنگ اطهر»، از گروه تولید «سفر سنگ» بهره جسته بود که نشان از رابطه او و کیمیایی و احتمالا ارتباط کیمیایی با دفتر آیت‌فیلم دارد. البته کیمیایی در گفت‌وگویی با روزنامه اطلاعات در در هجدهم مرداد ۱۳۵۸، مدعی شده بود «خطر بزرگ سینمای ما ساختن فیلم‌هایی است که الگو بشنود و در یک قالب بمانند و این سینمایی که بعد از انقلاب باید به وجود بیاید، باید سخت مواظبش بود.» به نحوی کیمیایی می‌دانست خطر یکسان‌نگری در کمین سینمای ایران است، چیزی که مطلقا رخ نداد؛ اما رخ‌نمایی کرد.

دیگر نهاد درگیر فیلمسازی «سینما در روزگار محمدعلی رجایی» بود که در سه مقاله پیشین درباره چگونگی شکل‌گیری آن و تلاش‌هایش برای حذف رقبا و البته به چنگ آوردن کنترل سینماها به تفصیل سخن گفته بودیم. در آخرین مقاله «بایگانی» با عنوان «جنگ قدرت بر سر سینمای بی‌فیلم» گفتیم که گزارشی در روزنامه کیهان به تاریخ هشتم فروردین ۱۳۶۰، به نقل از علی زندی، چهره‌ای ناشناخته در سینمای پساانقلاب منتشر شد که در آن آمده بود: «با تجربه کم و وجود مشکلات بسیار زیاد درصدد تهیه فیلمی برآمده‌ایم. سناریوی این فیلم که در مورد زندگی میرزاکوچک‌خان می‌باشد براساس کلیه کتاب‌هایی که در مورد او نوشته شده است، تهیه شده و به چندین شخصیت نیز جهت نظرخواهی ارائه شده است.»

جمال امید اما از یک نهاد ناشناخته دیگر نیز در کتاب «تاریخ سینمای ایران» یاد می‌کند: «سازمان سینمایی محمدزاده»، که در اواخر ۱۳۵۸ با همیاری اداره کل ترویج و نمایش فعالیت کرد. این نهاد ظاهرا خصوصی، در هیات موسس خود نام‌هایی چون سیدمحمد موسوی خوئینی، ابوالحسن بنی‌صدر و عبدالحسین محمدزاده را می‌دید. این سازمان همان جایی است که فیلم «الرساله» مشهور به «محمد رسول‌الله» را وارد کرد و البته سروصداهایی به پا کرد. پس عجیب نیست در خبر آغاز به کارش در روزنامه کیهان دوم مرداد ۱۳۵۸ آمده است: «به منظور احیای هنر در اسلام و پرورش استعدادها و خلق آثار هنری که در خور جامعه انقلابی ایران باشد، بنیاد هنری به تازگی اعلام موجودیت کرده و فعالیت خود را آغاز نمود.»

حال در چنین وضعیتی که هستی سینمای ایران نسبت به سال‌های پیشینش کوچک شده بود، به گفته جمال امید ۱۱ فیلم ساخته شد که امید می‌گوید تنها شش فیلم مجوز اکران پیدا کردند. هفت فیلم هیچ‌گاه به اکران عمومی نرسیدند؛ اما این فیلم‌ها چه بودند؟

زنده‌باد...

نخستین فیلم ۱۳۵۹، نخستین فیلم بلند خسرو سینایی بود که پیش از انقلاب در مقام مستندساز و چهره‌های شناخته‌شده به حساب می‌آمد. فیلم که اثری سیاسی بود، با نگرشی مستندگونه، شاید متاثر از شاهکار جیلو پونته‌کوروو، «نبرد الجزایر» ساخته شد. فیلم داستان مهندس محمود است که در اوج‌گیری رویدادهای پاییز ۵۷، تلاش می‌کند خانواده خود را از درگیری‌ها و راهپیمایی‌ها برحذر دارد؛ اما با ورود یک مبارز جوان با بازی مهدی هاشمی به زندگی‌اش، حالا او هم در تیررس ساواک، شنود مکالمات تلفنی و تعقیب و گریز قرار می‌گیرد و این منتج به انقلابی شدن یک بورژوای محافظه‌کار می‌شود. چهار سال بعد، سینایی که حالا چهره‌ای شناخته‌شده‌تر بود، در شماره ۱۶ مجله فیلم، در شهریور ۱۳۶۳ به هوشنگ گلمکانی می‌گوید: «اصل مسلمی که همیشه برای من مطرح بوده و به آن معتقدم، اعتقاد به هنر سالم و در زمینه کاری خودم، سینمای سالم است. برداشت من از مفهوم یک سینمای سالم دقیقا مرتبط با سلامت یک فیلم از نقطه‌نظرهای سیاسی، اخلاقی، هنری، اقتصادی و ... است» اصطلاح سینمای سالم کلیدواژه مهمی در نقد سینمای دهه ۵۰ به حساب می‌آید. با افزایش تابوشکنی در تولیدات فیلمفارسی، همچون رقابت در برهنه نشان دادن بازیگران سینما -که بعدها عیان شد محصول فشار تهیه‌کنندگان برای فروش بیشتر بود- منتقدان سینمایی از پالایش سینما و رسیدن به «سینمای سالم» می‌گفتند و حال سینایی از همان عبارت برای فیلم سیاسی خود استفاده می‌کند که از قضا هدفش نقد نظامی است که آن سینمای ناسالم را نمایندگی می‌کرد.

فیلم با اقبال چندانی روبه‌رو نشد، اما پایش به جشنواره‌های اروپایی باز شد و گفتمان ضدفاشیستی آن برایش جایزه‌ای در جشنواره کارلووویواری چکسلواکی و اکران در جشنواره نانت و وین را به همراه داشت، اما جمال امید می‌گوید: «در بازبینی مجدد هیات نظارت و نمایش پروانه‌اش لغو می‌گردد.»

خونبارش

۱۷ شهریور رویدادی یگانه در پیروزی انقلاب بود و بی‌شک در آن شوروحال پسا۵۷، سوژه‌ای بود محبوب برای دراماتیزه شده و این مهم را امیر قویدل، دستیار سابق ساموئل خاچیکیان با همکاری رسول صدرعاملی، روزنامه‌نگار شناخته‌شده آن سال‌ها ممکن ساختند. فیلم روایت سه سرباز است که در بزنگاه ۱۷ شهریور، با سلاح خود به مردم می‌پیوندند و حالا مورد تعقیب نیروهای رژیم قرار گرفته‌اند. در نهایت یک نفر کشته و دو نفر دیگر دستگیر می‌شوند. فیلم گویا براساس رویداد واقعی ساخته شده است و در عنوان‌بندی نیز به جای فیلمنامه، «گزارشی از رسول صدرعاملی» را بازتاب می‌دهد. نکته مهم‌تر آنکه دو سرباز دستگیرشده، قاسم دهقان‌سنگستانی و علی غفوری‌سبزواری، در فیلم نقش‌های واقعی خود را بازی کردند و جالب آنکه این قهرمانان ناشناخته طبق گفته صدرعاملی هر دو در آن زمان زندانی بودند و پس از پایان فیلمبرداری به زندان بازگشتند. با وجود ضعف‌های که با دیدنش در این روزها ادراک می‌کنیم، مورد استقبال نشریات قرار می‌گیرد. برای مثال نویسنده بی‌نام روزنامه کیهان در ۲۶ آذر ۵۸ می‌نویسد اگرچه یک شاهکار سینمایی ندیده است؛ اما «می‌تواند به عنوان یک فیلم خوب و سالم در میان دیگر آثار برتر سینمای ایران برای خود جا باز کند و از سوی دیگر به عنوان برگ زرینی از پرونده قطور انقلاب شکوهمند اسلامی به آیندگان سپرده شود.»

فیلم که بارها از تلویزیون ایران نیز پخش شده است، اکنون حاوی نشانه‌های فرامتنی است. فیلم به‌جای عنوان‌بندی با انبوهی نام ارتشی‌ها آغاز می‌شود که قویدل و صدرعاملی از آنها به نیکی یاد می‌کنند و ساخته شدن فیلم را محصول همکاری آنها می‌دانند. فیلمی که هیچ بازیگر مشهوری ندارد، مزین به انبوهی از سربازان ارتشی آن روزگار است که به فیلم جلوه‌ای مستندگونه داده است؛ هرچند قویدل به غایت از فرم‌های محبوب خاچیکیان نیز بهره برده است، کارگردانی که فیلمش در همان سال مجوز اکران نگرفت. اما فراتر از همه اینها مونولوگ ابتدایی فیلم از زبان فرمانده ارتشی است که از خطر انقلابیون می‌گوید و نیروهای خود را ترغیب می‌کند، جان آدم‌ها را فراتر از حفظ کشور در کنار کیان سلطنت می‌داند، به‌خصوص در این گفته عجیب «من فشنگ می‌دم، در عوضش جنازه می‌خوام» که می‌تواند کد مهمی باشد گره‌خورده با ۱۷ شهریور که با وجود اختلافات مورخان بر سر آن، شهرتش در کثرت کشته‌شدگان به دست ارتش است و عنوانش در تاریخ «جمعه سیاه». فیلم محبوب شد و در نقدها در مقابل فیلم‌های سرهم‌بندی‌شده‌ای چون «فریاد مجاهد» قرار گرفت که درواقع آثاری متعلق به پیش از انقلاب بودند با راش‌های اضافی و تغییرات عمده در دوبله، آنها را ظاهرا انقلابی می‌کرد. جمال امید در کتابش نکته جذابی بیان می‌کند، فیلم که در اکران نخستش کمی بیش از یک میلیون تومان می‌فروشد، دو سال بعد در اکران مجدد دوبرابر فروش می‌کند.

ازفریاد تا ترور

منصور تهرانی را عموم بابت ترانه‌هایش می‌شناختند؛ اما فیلمنامه‌نویسی را با «باغ بلور» تجربه کرده بود. پیروزی انقلاب برای تهرانی فرصت کارگردانی فراهم کرد تا او نخستین فیلمش را بسازد که امروز بیش از تصویرش، آهنگش برای ما شناخته‌شده‌تر باشد. «از فریاد تا ترور» روایت چند دوست است که هر یک در فضای انقلاب با رویدادهای متفاوتی مواجه می‌شوند؛ از عشق گرفته تا مبارزه با فساد. فیلم که با اقبال منتقدان روبه‌رو نشده بود، خیلی شبیه به فیلم‌های اولیه پساانقلاب بود، سرشار از شعار و البته حامل همان ادبیات فیلمفارسی با چاشنی «گوزن‌ها»ی کیمیایی. ترانه «یار دبستانی» فیلم در آینده به یکی از محبوب‌ترین ترانه‌های ایرانی به‌خصوص در متینگ‌های سیاسی بدل شد. مخالفان فیلم از قضا به همین وجه ادبیاتی اثر گیر دادند، اینکه منصور تهرانی به‌جای فیلم ساختن، «ادبیات‌بافی» کرده است و این منتج به تولید شعار شده است؛ هرچند تورج زاهدی، مورخ سینما همین موضوع را در ترانه فیلم هم دنبال می‌کند، ترانه‌ای سست و با ترکیب‌های بی‌معنا.

قیام

رضا صفایی از چهره‌های شاخص فیلمفارسی بود؛ اما البته شهرتش در کیفیت آثار نبود، بلکه در سرعت تولید آنها بود. صفایی توانایی آن را داشت در عرض یک هفته فیلمی سرهم کرده و البته در گیشه هم موفقیتی کسب کند. با اینکه با پیروزی انقلاب بسیاری از فیلمسازان سابق در انتظار آینده بودند، صفایی تصمیم به ساخت «قیام» گرفت که کلیتش تقابل میان مردم و رژیم پهلوی است. این نخستین فیلم صفایی در نظام جدید، ظاهرا آخرین فیلم او شد و البته آخرین فیلم فیلمنامه‌نویس پرکارش؛ حبیب‌الله کسمایی. فیلم همان رویکرد فیلمفارسی در فرم و بیان را دنبال می‌کرد با این تفاوت که به‌جای آن بورژواهای از دماغ فیل افتاده، نیروهای امنیتی جایگزین شده‌اند و جالب آنکه ارتشی‌ها در فیلم تصویری ملایم‌تر و همسو با مردم دارند. جمال امید در توصیف فیلم از صفات «فرصت‌طلبانه، شبه‌انقلابی و سهل‌انگارانه و خالی از عمق و ظرافت» بهره می‌جوید. صفایی در گفت‌وگو با جمال امید درباره اکران فیلم قیام می‌گوید «فیلم در نمایشش از سه‌شنبه هفدهم شهریور، حدود دو هفته روی پرده بود و بعد از نمایش در چند شهرستان پروانه‌اش لغو شد» که اشاره به خودمختاری‌هایی دارد که در مقالات پیشین مطرح شده بود. به گفته جمال امید صفایی در دهه ۷۰ پس از سکوت موفق به ساخت سریال «بهاران» و چند فیلم با نام مستعار «رضا تبریزی» شد.

سرباز اسلام

پیش‌تر درباره اتفاقات عجیب پیرامون «فریاد مجاهد» گفته‌ایم. ستار هریس داداش‌زاده، مشهور به فیروز پیش از انقلاب با فیلم‌هایی به شهرت رسیده بود که داستان‌هایشان در بستر «کشتی کج» و متاثر از ژانری محبوب در مکزیک می‌گذشت. فیروز بازیگر خوش‌قیافه نبود و آنچه او را مشهور ساخته بود توان فیزیکی و بدن عضلانی‌اش بود. با این حال او از معدود کسانی بود که تلاش کرد پس از انقلاب هم در سینما بماند. تلاش‌هایش برای اکران «فریاد مجاهد» به‌خصوص ترغیب آیت‌الله یزدی در حمایت از او می‌تواند گواه بر این مساله باشد. «سرباز اسلام» دومین فیلم او بود و این بار با همکاری امان منطقی در مقام کارگردان که پیش از فیلمساز شدن افسر ارتش بود. فیلم داستان مبارزی مجروح است که به همراه خواهرش در خانه پسر یک مقام ساواکی پناه می‌گیرد که آرام‌آرام دلبسته خواهرش می‌شود. همانند همان فیلم‌های فارسی پدر بدطینت با این ازدواج مخالفت می‌ورزد و پسر در عوض انقلابی شده تا در نهایت در یک درگیری مسلحانه به همراه برادر مبارز کشته می‌شود. فیلم که امروز می‌تواند یک زی‌مووی جذاب به حساب آید، به‌خصوص در سکانسی متعلق به شکنجه‌گاه ساواک که بیشتر شبیه فیلم‌های فانتزی است، این‌بار هم با همراهی آیت‌الله یزدی ساخته می‌شود. وی در نامه‌ای از مسئولان وقت می‌خواهد «همکاری‌های لازم از طرف مسئولان ارتش، سپاه و دیگر مقامات لازم با جناب آقای فیروز ستار داداشی، انجام شود.» فیروز در گفت‌وگو با جمال امید می‌گوید پس از پخش فیلم فریاد مجاهد برای آیت‌الله شیرازی، امام جمعه وقت مشهد، نظر او برای ساخت فیلم سرباز اسلام هم جلب می‌کند. در فیلم تصویر ارتشی‌ها منزه است که به سابقه ارتشی منطقی بازمی‌گشت و عجیب نیست فیلم رویکردی ضدچپ هم داشت که باز ارتش نیروی مقابل آنها به حساب می‌آمد. در عوض ساواکی‌ها خائن، وطن‌فروش، تفرقه‌انداز و مستشاران غربی‌هایند. اکران فیلم با آغاز جنگ مصادف می‌شود و گویا همین مساله به دیده نشدن فیلم هم منجر شد تا جایی‌که فیروز به جمال امید می‌گوید بعد از این شکست «به‌نظرم رسید که شناخت لازم را برای ادامه کار ندارم و یا لااقل متوجه آنچه مسئولان انتظار دارند، نیستم.» فیلم برای اکران مجدد دیگر موفق به کسب پروانه نمایش نمی‌شود.

سند زنده

اصغر بیچاره عکاس مشهوری بود که نقش موثری در مستند کردن سینما داشت و البته گهگاهی هم در برابر دوربین فیلمسازان بازی کرده بود. سال ۵۹ او برخلاف جریان دست به ساخت مستندی با عنوان «سند زنده» می‌زند که هدفش روایت تاریخ ایران از کودتای ۱۲۹۹ تا پیروزی انقلاب در ۱۳۵۷ بود. متاسفانه نسخه‌ای از فیلم نیافتم و توضیحات درخوری درباره فیلم وجود ندارد.

به سوی ساحل

دومین مستند آن سال ساخته چهره‌ای است که بعدها نقش مهمی در احیای فیلمفارسی پساانقلابی داشت؛ عبدالله علیخانی. فیلم که متاسفانه موفق به یافتن تصویری از آن نشدم، محصول تلاش‌های یک پسر ۱۸ساله با همراهی سپاه پاسداران شهری است که قصدش به تصویر کشیدن تاریخ صدر اسلام با راش‌هایی از بلاک‌باسترهای آمریکایی و تمزیجش با راش‌های شخصی در دکور فیلم‌های گذشته است، چیزی شبیه فیلم‌های راجر کورمن. جمال امید می‌گوید فیلم در تئاتر شهر اکران شده و بدل به آخرین فیلم علیخانی هم می‌شود. در آینده نگاهی به فیلم‌هایی خواهیم انداخت که یا رنگ پرده ندیدند یا ساخته‌های قدیمی بودند که موفق به عبور از سد شورای نظارت وقت شدند.

خونبارش

قیام

ازفریاد تا ترور

سرباز اسلام

سند زنده

زنده‌باد...

چارسو

پژمان بازغی مشاور «کودک شو» شد

پژمان بازغی درباره حضورش به عنوان مشاور در کنار تیم جدید «کودک شو» و همچنین اینکه در فصل جدید حضور خواهد داشت یا خیر به مهر گفت: «یک جلسه معارفه بین من و تهیه‌کننده جدید برنامه برگزار شد که گفت‌وگویی با یکدیگر داشتیم و بعد از آن جلسه من در خبرها خواندم که شخص دیگری جایگزین من شده است که البته این هم از اختیارات شبکه است که مجری جدید انتخاب کند.» وی اضافه کرد: «با این حال درباره حضور من به‌عنوان مشاور تولید نه گفت‌وگویی داشتیم نه از طرف تهیه‌کننده تماس دوباره‌ای گرفته شده است. ضمن اینکه این روزها مشغول همکاری با سریال «غریبه» به کارگردانی سروش محمدزاده هستم. تمام و کمال درگیر این مجموعه هستم و طبیعتا تیم جدید هم همه فکر خود را کرده است.» بازغی در سخنانی کوتاه درباره همکاری با دیگر برنامه‌های شبکه نسیم به‌عنوان مجری نیز تصریح کرد: «چند پیشنهاد هم از طرف شبکه نسیم و هم دیگر شبکه‌های تلویزیون مطرح شده است، پیشنهادهایی هم از طرف پلتفرم‌ها برای اجرا بوده است که فعلا برای هیچ‌یک به توافق نرسیده‌ایم.» وی در پایان بیان کرد که روز گذشته از طرف مدیر برنامه‌هایش و اخبار رسانه‌ها متوجه شده که از برنامه کناره‌گیری کرده است.

«نون خ» به چابهار رفت

فصل پنجم سریال «نون خ» این روزها به کارگردانی سعید آقاخانی و تهیه‌کنندگی مهدی فرجی در شهر چابهار در حال تصویربرداری است و برای اولین بار اهالی کرد این سریال یک سفر جاده‌ای به مناطق جنوب و جنوب شرقی کشور خواهند داشت و با مردم کرمان و سیستان‌وبلوچستان همراه می‌شوند. به تازگی مهدی فرجی، تهیه‌کننده سریال تصاویر جدیدی از این مجموعه در شبکه اجتماعی منتشر کرده است که به شخصیت‌های این سریال مربوط می‌شود. فرجی از خلیل و مهیار با بازی حمیدرضا آذرنگ و پاشا جمالی به‌عنوان دو بازیگر پرطرفدار این مجموعه یاد کرده است. همچنین در تصویر دیگری که از سعید آقاخانی با بازی در نقش نورالدین منتشر کرده از او با عنوان یکی از محبوب‌ترین نقش‌های کمدی سریال‌های ایرانی نام برده است. این سریال این روزها با جمعی از بازیگران کرد و همچنین بازیگران حوزه طنز که در فصل‌های قبلی هم حضور داشته‌اند درحال ساخت است و برای نوروز و رمضان ۱۴۰۳ آماده می‌شود. حمیدرضا آذرنگ بازیگر این سریال روز گذشته در گفت‌وگویی با برنامه «استودیو هشت» گفت که او این روزها در چابهار است و فصل جدید این سریال ۳۰ قسمت خواهد شد. سریال نون خ پیش از این در چهار فصل به تولید رسیده است و جزء آثار پرمخاطب تلویزیون بوده است.

دولت به ۱۸۰ فیلم مجوز تولید داده است

روح‌الله سهرابی، مدیرکل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم گفت: «در دولت جدید بیش از ۱۸۰ فیلمنامه سینمایی مجوز تولید گرفته‌اند که ضمن رعایت تنوع ژانر و گوناگونی موضوعات به لحاظ ترکیب و تنوع سینماگران نیز از چهره‌های شاخص و پیشکسوت تا سینماگران تازه‌کار و کمترشناخته‌شده در جدول دیده می‌شوند.» سهرابی ادامه داد: «آنچه بنده از نزدیک شاهد بوده‌ام تک‌تک اعضای شورای پروانه ساخت همواره با وجدان کاری در خدمت سینماگران هستند و این تعامل به لطف خدا نتایج ارزشمندی داشته است. بنابراین انتظار می‌رود برخی دوستان جانب انصاف و دیگر جوانب امر را در مواضع و نظرات‌شان رعایت کنند و بی‌دلیل و به صرف شنیده‌ها به اعضای محترم شورا به‌ویژه نمایندگان محترم صنوف که حقیقتا در خدمت سینما و سینماگران عزیز هستند حمله نکنند و ناخواسته موجب تضعیف یا تخریب آنها نشوند.» وی عنوان کرد: «سینمای ایران شریف است و بخش مهمی از شرافت آن مدیون اخلاق‌مداری و رعایت حرمت فی مابین است لذا از اعضای محترم صنوف به‌ویژه عناصر موثر، تصمیم‌گیر و مسئول انتظار می‌رود با کنار گذاشتن اختلافات و کمک به سینما این هنر-صنعت مهم را که در حال اوج گرفتن است یاری کنند.»

۱۰۶ فیلم متقاضی سودای سیمرغ جشنواره فجر

طی یک ماه فرصت ثبت‌نام آثار سینمایی در سامانه جشنواره که تا پایان آبان‌ماه ادامه داشت تهیه‌کنندگان ۱۰۶ اثر درخواست خود را برای حضور در بخش سودای سیمرغ (مسابقه سینمای ایران) جشنواره چهل‌ودوم ثبت کرده‌اند. مدیر دبیرخانه چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر با اشاره به حضور ویژه فیلمسازان اول در این دوره جشنواره گفت: «۵۱ اثر ثبت‌نامی به فیلمسازان اول تعلق دارد که کنار فیلمسازان صاحب‌نام متقاضی شرکت در جشنواره هستند.» سیمونیان از تطابق آثار ثبت‌نامی با آیین‌نامه توسط دبیرخانه جشنواره خبر داد و اظهار کرد: «فیلم‌های حائز شرایط حضور پس از ارسال نسخه توسط هیات انتخاب بازبینی خواهد شد.» وی ادامه داد: «هیات انتخاب مسابقه بخش ملی بازبینی فیلم‌های متقاضی حضور را از ۱۵ آذرماه آغاز و تا ۱۵ دی‌ماه اسامی فیلم‌های منتخب را برای حضور در بخش مسابقه سینمای ایران چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر اعلام خواهند کرد.» سیمونیان از صاحبان آثار متقاضی درخواست کرد طبق زمان‌بندی اعلام‌شده نسخه بازبینی را حداکثر تا ۱۵ آذر ماه به دبیرخانه جشنواره تحویل دهند. امسال در ژانرهای مختلف اثر خواهیم داشت و فیلمسازان صاحب‌نام و اساتید خوب کشورمان آثار خوبی را به جشنواره ارسال کرده‌اند.

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

دانشگاه‌های دنیا نسبت به تحولات فلسطین چه واکنشی نشان دادند؟

فریاد مظلومیت فلسطین در دل دانشگاه‌ها

فرهیختگان

لنز دوربین‌ها و نگاه مردم دنیا از نیمه مهرماه خیره به تحولات ضلع شرقی دریای مدیترانه است. نواری ۳۶۰ کیلومتری در شمال مصر که یکی از پرتراکم‌ترین مناطق جهان از نظر جمعیتی محسوب می‌شود. مناطق مرزی غزه را باید محل آغاز فصلی نو در جریان مقاومت مردم فلسطین و مبارزه با اشغالگری دانست. ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حملات راکتی حماس در ابتدا و سپس ورود زمینی به سرزمین‌های اشغالی زمینه‌ساز عملیاتی بی‌سابقه و تاریخی شد که رسانه‌های اسرائیلی این عملیات را بی‌نظیر در تاریخ و شکستی وسیع برای این رژیم دانستند.

اشغالگران قدس به تلافی این حملات روی دیگری از خشونت‌طلبی خود را با قطع آب و برق، بمباران مناطق مسکونی و کشتار زنان و کودکان نشان دادند. برخی آمار تاکنون از شهادت ۴۸۰۰ کودک و ۲۵۵۰ زن در این حملات حکایت دارد. پازل وحشی‌گری رژیم صهیونیستی با حمله به بیمارستان المعمدانی تکمیل شد تا جهانیان نسبت به آنچه در غزه پساهفت‌اکتبر در حال وقوع بود به‌پا خیزند. از ۲۵ مهر ماه که تراژدی غم‌بار بیمارستان المعمدانی مخابره شد شهرها و کشورهای مختلف صحنه تجمعات متعددی در حمایت از مردم فلسطین بوده است. اجماع عمومی بسیاری از ملت‌های جهان را باید یکی از دستاوردهای راهبردی طوفان الاقصی دانست. دامنه واکنش به حملات رژیم صهیونیستی دانشگاه‌های مختلفی را متاثر کرد. آنچه پیش‌روی شماست مروری آماری از بازتاب‌های رسانه‌ای واکنش دانشگاهیان جهان و ایران نسبت به جنگ علیه مردم مقاوم غزه است که در ادامه می‌خوانید. در این پیمایش ۲۵۰ دانشگاه در ایران و جهان و اخبار ۴۰۰ منبع خبری موردبررسی قرار گرفتند. پیمایش حاضر توسط دکتر طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در همایش «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» ارائه شده است. پیمایش حاضر توسط دکتر طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در همایش «طوفان الاقصی و غزه؛ روایت‌ها و واقعیت‌ها» ارائه شده است.

۲۶ درصد دانشگاه‌های برتر میزبان رویدادهای فلسطین

بررسی ۲۵۰ دانشگاه برتر جهان نشان می‌دهد ۲۶ دانشگاه یا به بیان دیگر ۱۰ درصد از آنها محل برگزاری رویدادهای مرتبط با تحولات اخیر فلسطین و غزه بوده که اتفاق کم‌نظیری به نظر می‌رسد. در ۹۵ دانشگاه نیز تجمعات دانشجویی شکل گرفت. خبرگزاری‌های مطرح جهان، توییتر و یوتیوب منابع خبری اصلی و شبکه‌های اجتماعی محوری در بازتاب این تحولات بوده‌اند.

منابع خبری و شبکه‌های اجتماعی بررسی‌شده	خبرگزاری‌های اصلی توییتر و یوتیوب
تعداد دانشگاه‌هایی که رویداد مرتبط در آنها مشاهده شده است	۹۵ دانشگاه
تعداد اقدامات دانشجویی	۸۷ اقدام

اقدامات دانشگاه‌ها چگونه منعکس شد؟

سایت دانشگاه‌ها نگاه‌های متفاوتی نسبت به اقدامات شکل‌گرفته درخصوص تحولات فلسطین داشتند. ۴۴ درصد رویکرد کلی بازنمایی‌ها مثبت و ۳۲ درصد منفی بوده است. با این حال انعکاس این اقدامات در فضای رسانه‌ها تا ۹۵ درصد مثبت ارزیابی شده است. حمایت از کودکان غزه و حقوق مردم فلسطین محورهای مثبت و محکومیت حمله ۷ اکتبر و برخورد با تجمعات دانشجویی محورهای منفی است که در کنار تحلیل وضعیت سیاسی منطقه که بیشتر خنثی بوده به مخاطبان ارائه شده است. ماجرا در ایکس (توییتر) کمی متفاوت رقم خورد؛ تجمعات دانشجویی در حمایت از مردم فلسطین و محکوم کردن برخورد دانشگاه با دانشجویان حامی فلسطین دو محور برجسته پیام‌های مثبت بوده است. در مقابل هم به‌جز برگزاری میزگردهای تخصصی، خطرناک جلوه دادن حامیان فلسطین در دانشگاه‌ها هم محور منفی بازنمایی اقدامات دانشگاه‌ها بوده است. در یوتیوب تجمعات دانشجویی وجه مثبت بازنمایی‌ها و درخواست برخورد با دانشجویان حامی فلسطین وجه منفی بازتاب‌ها محسوب می‌شود که در کنار تقابل دانشجویان حامی دوطرف نبرد در دانشگاه‌های آمریکا برجسته‌ترین بازتاب‌ها را تشکیل می‌دهد. در فضای خبرگزاری‌های برجسته جهان هم درخواست آتش‌بس در غزه و تجمعات دانشجویی در حمایت از مردم فلسطین نقاط مثبت برجسته بازنمایی‌ها بوده است. در طرف دیگر برخورد با تجمعات دانشجویی در حمایت از فلسطین مهم‌ترین محور اخبار منفی بوده که در کنار اظهارنظرهای کلی مسئولان دانشگاه در اهمیت رعایت حقوق بشر در هنگام جنگ به عنوان یک موضع خنثی برجسته‌ترین مواضع منتشرشده را تشکیل می‌دهند.

رویکرد کلی بازنمایی شده از اقدامات دانشگاه در رسانه‌ها

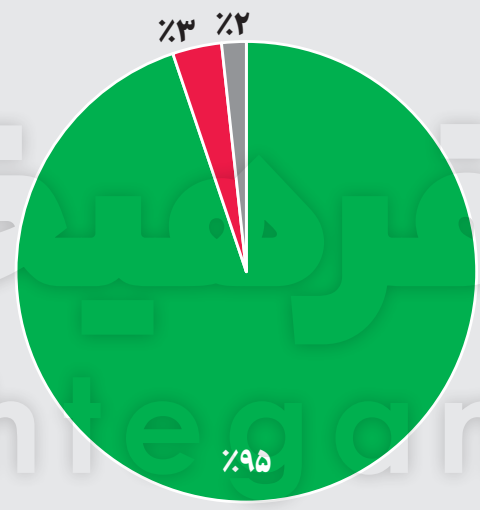

رویکرد کلی بازنمایی شده در سایت دانشگاه‌ها

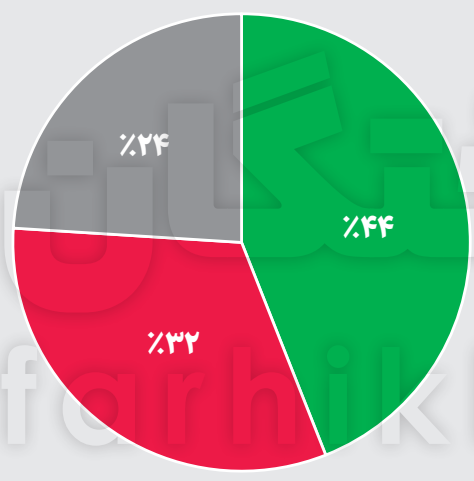

منفی ■ خنثی ■ مثبت ■

سایت‌های دانشگاه

حمایت از کودکان غزه | **محکومیت حمله ۷ اکتبر حماس** | **تحلیل وضعیت سیاسی منطقه** | **برخورد با تجمعات دانشجویی** | **حمایت از حقوق مردم فلسطین**

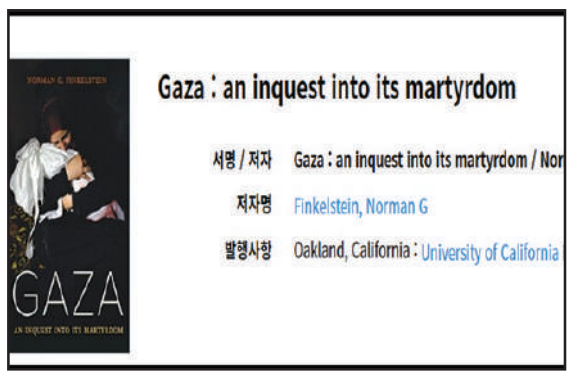

کشور: کره جنوبی
نام دانشگاه: موسسه علوم و فناوری پیشرفته کره
رویکرد کلی بازنمایی: مثبت
نوع اقدام: بازنمایی مشکلات و رنج کودکان غزه

کشور: هلند
نام دانشگاه: دانشگاه صنعتی دلفت
رویکرد کلی بازنمایی: مثبت
نوع اقدام: به چالش کشیدن بازنمایی رسانه‌های غربی از وقایع غزه

شبکه اجتماعی توییتر

تجمعات دانشجویی در حمایت از مردم فلسطین | **محکوم‌کردن برخورد دانشگاه با دانشجویان حامی فلسطین** | **خطرناک جلوه‌دادن حامیان فلسطین در دانشگاه** | **برگزاری میزگردهای تخصصی**

کشور: آمریکا- نیویورک
نام دانشگاه: سیراکیوز
رویکرد کلی بازنمایی‌شده: مثبت
نوع‌اقدام: ۱۲۰۰۰ فلسطینی در غزه کشته شدند/ ۱۲۰۰۰ پرچم در دانشگاه سیراکیوز

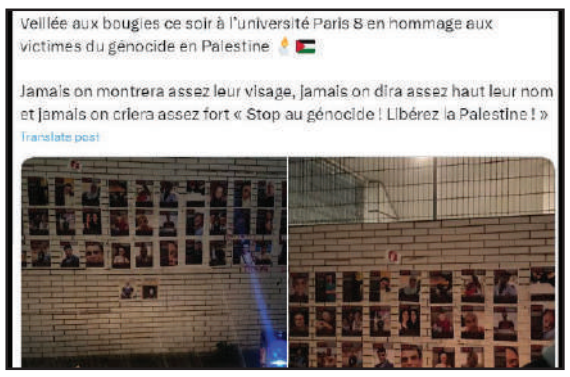

کشور: فرانسه
نام‌دانشگاه: پاریس
رویکردکلی‌بازنمایی‌شده: مثبت
نوع‌اقدام: شمع‌افروزی عصر امروز در دانشگاه پاریس برای ادای احترام به قربانیان نسل‌کشی در فلسطین

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ادامه از صفحه ۳
ادامه در صفحه ۱۵

خبرگزاری‌ها

تجمعات دانشجویی در حمایت از مردم فلسطین

کشور: آفریقای جنوبی
نام‌دانشگاه: آفریقای جنوبی
رویکرد کلی بازنمایی‌شده: مثبت
نوع‌اقدام: محکوم‌کردن کشتار کودکان توسط اشغالگران در غزه

برخورد با تجمعات دانشجویی در حمایت از فلسطین

درخواست آتش‌بس در غزه

اظهارنظرهای کلی مسئولان دانشگاه‌ها در اهمیت رعایت حقوق‌بشر هنگام جنگ

کشور: آمریکا
نام‌دانشگاه: استنفورد
رویکرد کلی بازنمایی‌شده: مثبت
نوع‌اقدام: تجمع دانشجویی و درخواست از دانشگاه برای محکوم کردن اقدامات اسرائیل

یوتیوب

تقابل دانشجویان حامی دو طرف نبرد در دانشگاه‌های آمریکا

موضوع: درگیری حامیان دوسوی جنگ در دانشگاه‌های آمریکا
نام‌دانشگاه: هاروارد، کلمبیا و...
منتشرکننده: NBC News
میزان بازدید در یوتیوب: ۱٫۹ میلیون

تجمعات دانشجویی در حمایت از مردم فلسطین

درخواست برخورد با دانشجویان حامی فلسطین

موضوع: تجمعات حمایت از فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا
نام‌دانشگاه: کلمبیا و...
منتشرکننده: Al Jazeera English
میزان بازدید در یوتیوب: ۸۵ هزار

وضعیت دانشگاه‌های ایران چگونه است؟

بررسی نمود رسانه‌ای فعالیت‌های دانشگاه‌های ایرانی که اغلب بر محوریت تشکل‌های دانشجویی صورت گرفته نشان می‌دهد قریب به ۸۲ هزار خبر مربوط به این جریان منتشر شده که گستره آن تقریبا همه دانشگاه‌های کشور را مربوط می‌شود. از مجموع اخبار منتشرشده ۹۹ درصد با رویکرد مثبت انتشار یافته و ۸۰ درصد آن به فضای دانشجویی مربوط بوده است. سهم اساتید از بازتاب رسانه‌ای اقدامات که به نوعی نشان از سهم آنها در فعالیت‌ها هم می‌تواند داشته باشد، ۱۶ درصد برآورد می‌شود. کارکنان دانشگاه‌ها هم مشارکت چهاردرصدی داشتند. در بین دانشگاه‌ها هم ۶۴ درصد اخبار مربوط به دانشگاه‌های دولتی بوده است. واحدهای دانشگاه آزاد با ۲۶ درصد و دانشگاه‌های علوم پزشکی با ۹ درصد در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، آزاد مشهد، صنعتی شریف، فردوسی مشهد، آزاد تبریز و دانشگاه ارومیه فعال‌ترین دانشگاه‌ها براساس بازتاب رسانه‌ای محسوب می‌شوند.

سهم دانشگاه‌های مختلف کشور

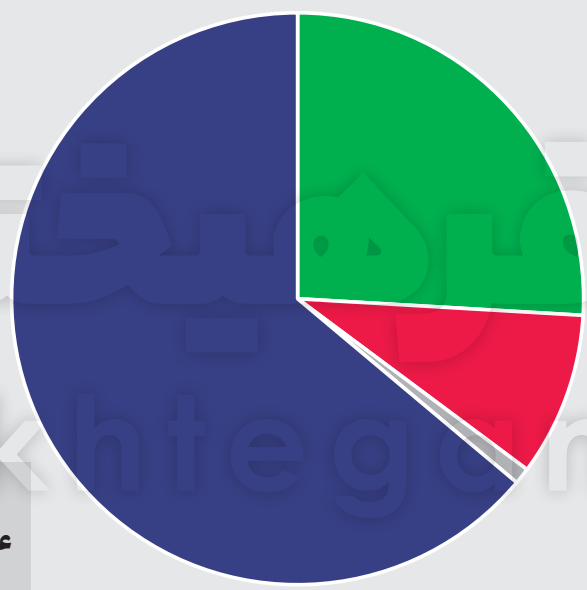

گروه‌های اجتماعی فعال

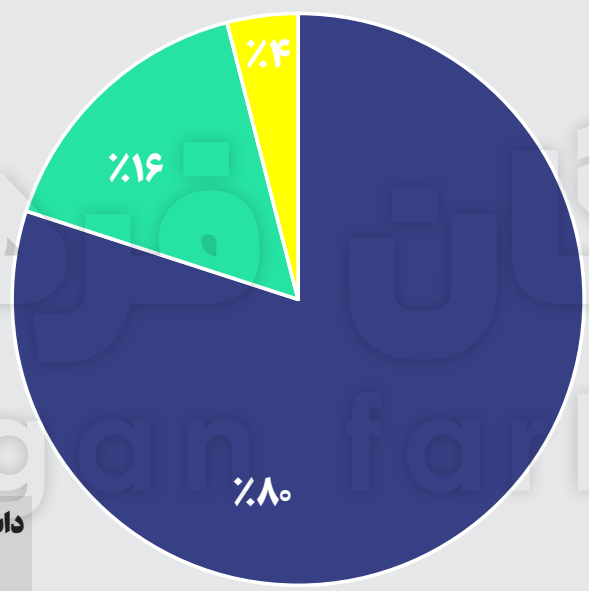

رویکرد کلی بازنمایی شده از دانشگاهیان ایران

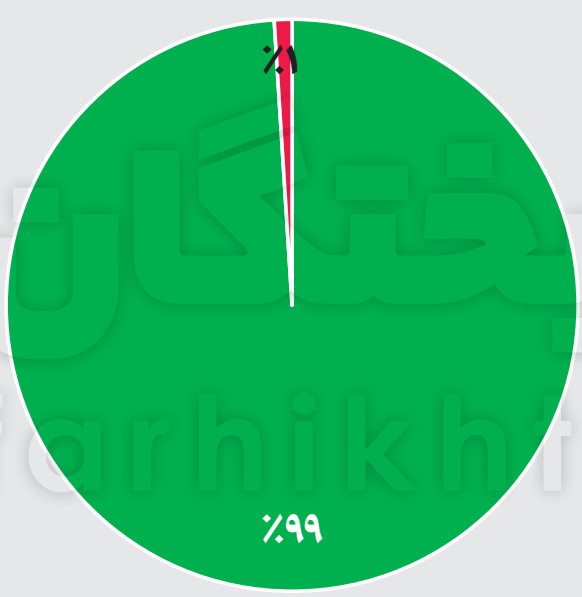

ادامه از صفحه ۶

فرشته روح‌افزا، استاد دانشگاه تهران:

ایستادگی زنان مقاومت در برابر سلاح‌ها ستودنی است

فرشته روح افزا، استاد دانشگاه تهران درباره سابقه تاریخی آغاز اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها گفت: «فلسطین در سال ۱۹۱۷ در ابتدا تحت سرپرستی فرمانداری عثمانی مستقل و خودکفا بود. بعد از جنگ جهانی اول تقسیماتی انجام شد. انگلستان پس از تقسیم‌بندی، طبق قراردادی قسمتی از اردن، عراق و فلسطین را برای خود برداشت. به دلیل موقعیت‌های استراتژیک بسیار خوبی که وجود داشت دولت انگلیس نیاز به کمک‌های مالی و سیاسی داشت و از این رو به صهیونیسم‌ها قول دادن سرزمین داد. بعد از شکست عثمانی‌ها فلسطین به رسمیت شناخته شد. تا آن زمان بیشتر جمعیت فلسطین را مسلمانان تشکیل می‌دادند و مسیحیت و اقلیت یهودی دیگر اقوام این منطقه را تشکیل می‌دادند. در آغاز جنبش صهیونیسم‌ها آنها اعلام نیاز به سرزمینی مقدس کردند و انگلیسی‌ها هم به آنجا پناه آوردند. برنامه‌ریزی دقیق آنها برای اشغال این سرزمین و رسیدن به نقطه‌ای که در حال حاضر قرار داریم نکته مهمی است.»

به گفته او، رژیم‌صهیونیستی - اگر بتوان آن را یک کشور به حساب آورد- تنها کشوری است که سازمان‌های جاسوسی آن، پیش از تشکیل این کشور شکل گرفته‌اند. روح‌افزا تصریح کرد: «موسسات مختلفی که با آنها همکاری کرده‌اند، قدرتمندترین لابی صهیونیسم را در دنیا شکل داده و به‌واسطه شرکت‌های حامی که داشته‌اند و برندهای مختلفی که دارند رسانه‌های دنیا را در دست گرفته‌اند. در انگلستان چند فروشگاه بزرگ متشکل از برندهای مختلف، تمام درآمد روزهای شنبه خود را در اختیار اسرائیلی‌ها قرار می‌دهند و کمک‌های مختلفی که از اقصی نقاط دنیا دریافت می‌کنند، آنها را قدرتمند کرده است. درواقع صهیونیسم بر سیاست دنیا سلطه دارد.»

او ادامه داد: «آنها در بحران‌هایی که داشته‌اند هم به نفع خود عمل نکرده‌اند. بحث تشکیل خانواده و بحث بحران خانواده در کشورهای غربی دچار مشکل است. آنها تنها با فرزندان فلسطینی‌ها مبارزه نمی‌کنند بلکه با خودشان هم بد رفتار می‌کنند. آمار همزیستی والدین با فرزندان و زندگی‌های ناپایدار در کشورهای اروپایی بسیار ضعیف است و موفق به ازدواج نمی‌شوند. فرزندان اروپایی و آمریکایی برای شناسایی پدران خود باید به بانک‌های DNA مراجعه کنند. بحران در آمار طلاق، آمار تجاوزها، قربانیان جنسی و زنان بسیار بالاست؛ به‌عنوان مثال در کشور سوئد ۸۸ درصد زنان در آرامش نیستند. هرساله هم بیش از ۶۰۰ مادر فرزندان خود را از بین می‌برند. در رسانه‌های کشورهای غربی و اروپایی اخبار متعددی درباره مشکلات خانواده‌ها، فرزندان، آمار بالای سقط و خشونت علیه زنان مطرح می‌شود. صهیونیسم یک ایدئولوژی است که درنهایت مردم کشورهای دنیا را به بی‌هویتی، طلاق، خودکشی کودکان و... می‌کشاند.»

به گفته روح‌افزا، زنان مقاومت با تمام سلاح‌ها و تمهیدات تمام قدرت‌های جهانی و سازمان‌های بین‌المللی طی ۷۵ سال با کودک، ایستاده و مقاومت کرده است. باید دید چه چیزی موجب پیروزی این جنگ شده است. آیا اندیشه استعمار صهیونیسم است که نتوانسته حریف زن مقاومت شود؟ چنین زنی در تمام شرایط دشواری که با آن مواجه شده، با شجاعت ایستاده است. صهیونیسم یک اندیشه است که هم در میان مسلمانان و هم مسیحیان حامی دارد و کمک مالی به آن می‌شود و تمام قدرت‌های جاسوسی دنیا در اختیار آنهاست و نهایتا با تمام اقداماتی که انجام دادند تلاش کردند مردم دنیا متوجه خصامت آنها نشوند.»

او درنهایت به این نکته اشاره کرد که صهیونیسم با تمام توانمندی‌هایی که دارد و با همه برنامه‌ریزی‌های دقیقی که کرده در حال حاضر به این نقطه رسیده که زنان و کودکان را نابود کند. منطق و عقل نشان می‌دهد که صهیونیسم مبارزه را واقعا باخته و راهی برای پیشبرد ندارد.

ادامه از صفحه ۱۴

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

با اعلام مرکز آمار نرخ رشد فصل دوم سال ۷.۱ شد، چرا این عدد مهم است؟

رشد اقتصادی تابستان بالای ۷ ماند

فرهیختگان

مرکز آمار ایران روز گذشته نتایج رشد اقتصادی تابستان را اعلام کرد. بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، محصول ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در تابستان سال ۱۴۰۲ به رقم ۲۱۹ هزار میلیارد تومان با نفت و ۱۸۵ هزار میلیارد تومان بدون احتساب نفت رسیده است که حکایت از رشد ۷٫۱ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۴٫۲ درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت دارد. گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد رشد بدون نفت و با نفت فعلی محصول ناخالص داخلی علاوه بر اینکه تداوم چندین فصل رشد مثبت بوده، بدون در نظر گرفتن سال برجامی (۱۳۹۵) ازجمله رشدهای بالا طی ۶۲ فصل اخیر (از بهار ۱۳۸۷ تاکنون) است. لازم به ذکر است رشد اقتصادی بیان‌کننده رشد مداوم تولید بوده که اغلب با تغییرات ساختاری همراه می‌شود. این شاخص به معنای افزایش حجم ارزش مجموعه کالاها و خدمات تولیدشده در طول یک سال در کشور به صورت تعدیل شده با تورم بوده و از تغییر شاخص تولید ناخالص داخلی یا ملی در دو سال متوالی به دست می‌آید. هرچه تولید ناخالص داخلی نسبت به سال قبل بیشتر باشد، نرخ رشد اقتصادی نیز بیشتر خواهد شد.

تداوم رشد ۷ درصدی

بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در سه ماهه اول سال ۱۴۰۲ با نفت به رقم ۲۱۹ هزار میلیارد تومان و بدون نفت به ۱۸۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. با این حساب، رشد اقتصادی با نفت ۷٫۱ درصد و بدون نفت ۴٫۲ درصدی در تابستان سال ۱۴۰۲ به ثبت رسیده است. نگاهی به وضعیت رشد اقتصادی با نفت در ۶۲ فصل اخیر (از بهار ۱۳۸۷ تاکنون) نشان می‌دهد رشد اقتصادی بدون نفت بهار و تابستان امسال بدون در نظر گرفتن سال ۱۳۹۵ (سال اول برجام و افزایش قابل توجه فروش نفت) ازجمله رشدهای بالای ۶۲ ماه اخیر بوده است. در خصوص رشد اقتصادی بدون نفت نیز، رشد ۴٫۲ درصدی فعلی تداوم رشد مثبت اقتصادی طی ۱۳ فصل اخیر است. این موضوع از این منظر مهم است که رشد اقتصادی بدون نفت، یک رشد باکیفیت‌تر بوده که اگر آن را در کنار رشد مثبت تشکیل سرمایه بگذاریم، اتفاق مثبتی بوده است. همچنین باید توجه داشت رشد مثبت ۴٫۲ درصدی بدون نفت تابستان در شرایط رقم می‌خورد که بنگاه‌های اقتصادی کشور همچنان از ناحیه کمبود برق و قطعی آن رنج می‌برند و رشد بخش برق و رشد بخش کشاورزی نیز منفی بوده است.

تکرار رشد مثبت ۱۶ ماهه صنعت

گزارش مرکز آمار ایران از رشد ارزش افزوده رشته فعالیت‌های عمده اقتصادی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد طی تابستان ۱۴۰۲ بالاترین رشد رشته فعالیت‌ها مربوط به بخش استخراج نفت و گاز با ۲۵٫۶ درصد بوده است. این میزان در بهار ۱۴۰۲ نیز ۱۹٫۸ درصد بوده که هر دو بالاترین مقدار چند فصل اخیر هستند. پس از بخش نفت، بالاترین رشد ارزش افزوده در بین رشته فعالیت‌های عمده اقتصادی مربوط به گروه صنایع و معادن با ۸٫۷ درصد، گروه خدمات با ۷٫۵ درصد، گروه ساختمان با ۲٫۹ درصد، صنعت با ۲٫۶ درصد و بخش کشاورزی با منفی ۳٫۲ درصد بوده است. در بخش خدمات بالاترین رشد در زیربخش‌های مربوط به بخش خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی با ۳۳٫۵ درصد و واسطه‌گری مالی با ۱۶٫۹ درصد رشد بوده است. این موضوع نشان می‌دهد در کنار بخش نفت بخش‌های غیرتولیدی همچون واسطه‌گری‌های مالی رشد قابل توجهی دارند. اقتصاددانان بر همین اساس رشد اقتصادی را در یک طیف رشد اقتصادی باکیفیت و رشد اقتصادی بی‌کیفیت تقسیم‌بندی می‌کنند که منظور بخش بی‌کیفیت اولا بخش نفت بوده که رشد اقتصادی ناشی از آن معمولا ناپایدار و ناشی از گشایش‌های سیاسی در اقتصاد ایران بوده است. آمارها نشان می‌دهد یکی از اتفاقات مثبت سال‌های اخیر، تکرار ۱۶ ماهه رشد مثبت رشته فعالیت بخش صنعت است. در کنار بخش صنعت رشد مثبت ۲ فصل اخیر بخش ساختمان و تداوم ۱۸ ماهه رشد مثبت بخش خدمات نیز حائز اهمیت است. اما در بین رشته فعالیت‌ها رشد بخش کشاورزی طی ۱۰ فصل اخیر (از بهار ۱۴۰۰ تاکنون) همواره منفی بوده و در دو فصل بهار و تابستان به ترتیب منفی ۴٫۶ و منفی ۳٫۲ را به ثبت رسانده است. تداوم خشکسالی‌ها احتمالا مهم‌ترین دلیل رشد منفی این بخش بوده است.

تداوم ۱۱ فصل رشد مثبت تشکیل سرمایه

ازجمله شاخص‌های مهم در داده‌های حساب‌های ملی، آمار و ارقام تغییرات نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است. سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی و تداوم آن از دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان نیازمند افزایش در نرخ انباشت سرمایه و حفظ توازن در بخش‌های اقتصادی است. از دیدگاه اقتصاددانان، سرمایه‌گذاری بی‌ثبات‌ترین جزء تولید ناخالص داخلی بوده که این بی‌ثباتی خود عامل بروز نوسانات در تولید، درآمد و اشتغال است، به‌ویژه تغییرات نامنظم تولید ناخالص داخلی را قویا نتیجه نوسانات نامنظم در تقاضاهای سرمایه‌گذاری می‌دانند. به عبارتی، سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از اجزاء تابع تقاضای کل، انتظار می‌رود عامل رشد تولید، درآمد و اشتغال کشور شود، در صورت نوسانات نامنظم، می‌تواند خود منشأ بی‌ثباتی تولید ناخالص داخلی و کاهش سطح درآمدها و پس‌انداز داخلی گردد. تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران از دیرباز به دلایل گوناگون ازجمله وابستگی ساختاری اقتصاد ملی به درآمد نفت، نوسانات نرخ ارز، بی‌ثباتی قیمت‌ها، گسترش حوزه مداخله دولت در اقتصاد، سهمیه‌بندی اعتبارات سیستم بانکی و عدم تداوم فضای اجتماعی اطمینان‌بخش، با نوسانات و تنگناهای زیادی مواجه بوده است. کشور ما علی‌رغم دستیابی به منابع مالی حاصل از صادرات نفت، قادر به افزایش ظرفیت تولیدی و بالا بردن سطح درآمدها و پس‌اندازها و به دنبال آن، اصلاح فرآیند تولید و سرمایه‌گذاری از محل پس‌اندازهای جاری نبوده است به‌نحوی‌که به سبب وجود تنگناها و موانع ساختاری در بخش عرضه که خود ناشی از کمبود سرمایه است، ریسک و مخاطره سرمایه‌گذاری افزایش یافته و موجب گردیده است تا افراد و صاحبان منابع، کمتر منابع مالی خود را در بخش‌های تولیدی به کار گیرند و از این رو امکانات جذب سرمایه در اقتصاد کشور ضعیف شود. همان‌طور که در نمودار هم قابل مشاهده است، این وضعیت با تشدید تحریم، التهابات ارزی و همچنین شرایط رکودی دوره شیوع کرونا در کشور، وضعیت بسیار نامطلوبی داشته است، به‌طوری که در سال ۱۳۹۱ میزان رشد تشکیل سرمایه در کشور حتی به منفی ۳۳ درصد نیز رسیده است. این وضعیت درنتیجه شروع تحریم‌ها، جهش‌های ارزی و شروع شیوع کرونا، طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ نیز تکرار شده و رشد فصلی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص حتی به منفی ۲۴ درصد نیز در پاییز ۱۳۹۷ هم رسیده است. آمارها نشان می‌دهد از بهار ۱۴۰۰ به بعد رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص مثبت بوده و در فصل تابستان ۱۴۰۲ به مثبت ۴٫۳ درصد رسیده است که تسهیل و افزایش واردات اقلام سرمایه‌ای و ماشین‌آلات و رشد بخش ساختمان دلایل این اتفاق بوده است.

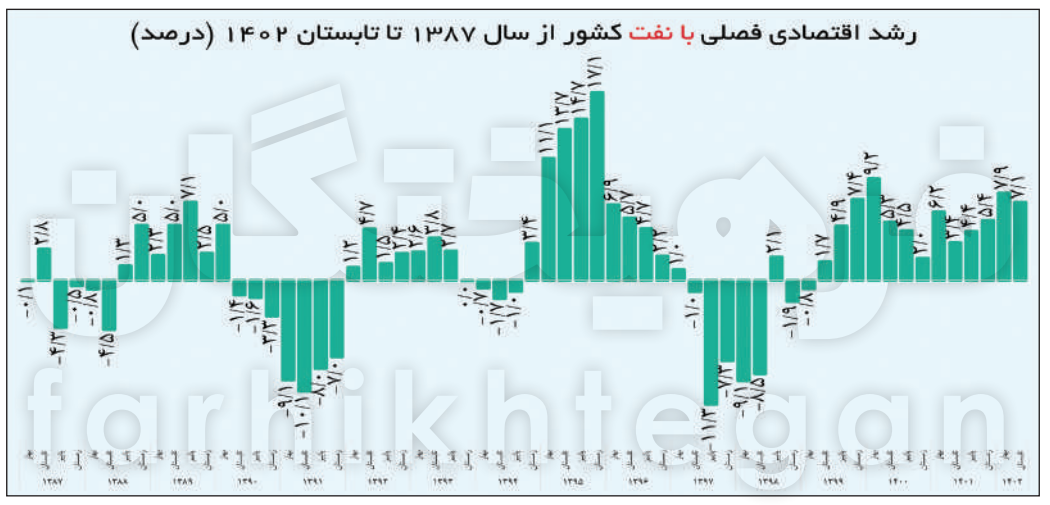

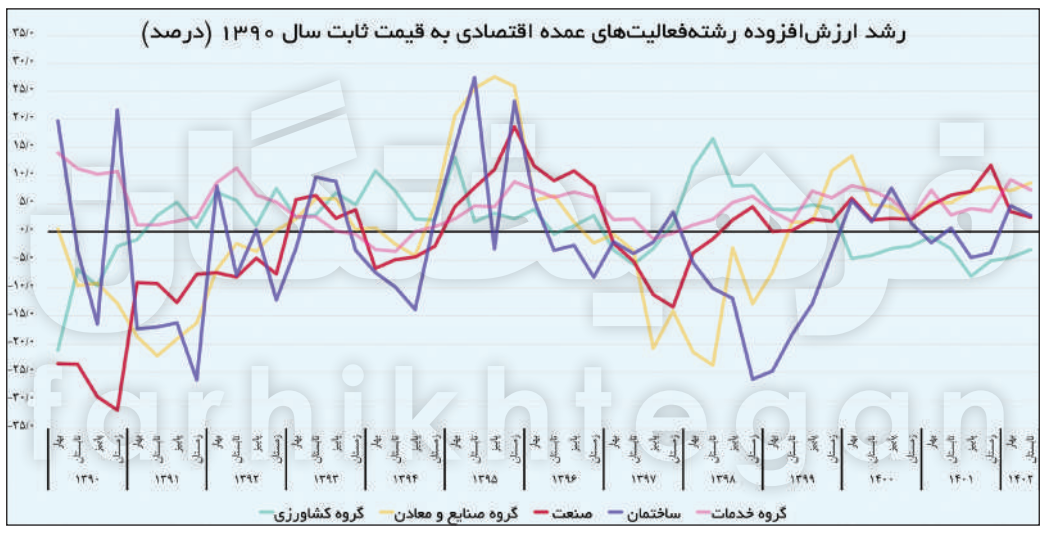

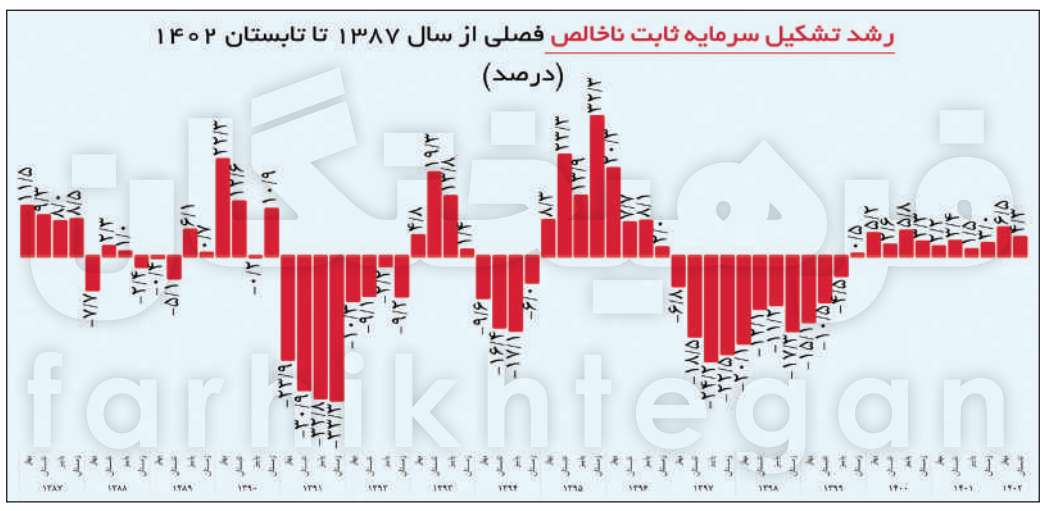

چرا آمار صادرات کمتر از میزان واقعی گزارش می‌شود؟

براساس گزارش رسانه «مسیر اقتصاد» آغاز سیاست الزام به بازگشت ارز صادراتی از سال ۹۷، ارزش پایه کالاهای غیربورسی در گمرک را با افت روبه‌رو کرد. تا پیش از آن بالا بودن ارزش گمرکی به صادرکننده کمک می‌کرد مشوق صادراتی بیشتری دریافت کند اما پس از سال ۱۳۹۷ بالا بودن ارزش گمرکی به معنای آن بود که صادرکننده باید ارز بیشتری را به نظام بانکی تحویل دهد. افت ارزش پایه اعلام‌شده توسط گمرک در اقلام عمده صادراتی همچون مواد خوراکی و مصالح ساختمانی موجب تورش سالانه بیش از یک میلیارد دلار در آمار صادرات غیرنفتی شده است. براساس قانون امور گمرکی جمع‌آوری و انتشار آمار واردات و صادرات کالا از کشور برعهده گمرک و مبتنی بر فاکتور و اسناد مبادله خرید و فروش است. اما در صورتی که اسناد مبادله «قابل قبول نباشد» گمرک می‌تواند ارزش کالای صدوری را با استعلام از مراجع ذی‌ربط و براساس قیمت عمده‌فروشی کالا در بازار داخلی با تعدیلات لازم درخصوص تجارت فرامرزی تعیین کند. از بهمن ۱۳۷۳ تا اسفند ۱۳۸۰ سیاست پیمان سپاری ارزی برقرار بود و صادرکنندگان باید پیش از انجام صادرات به میزان ارزش کالای صادراتی نزد بانک وثیقه (ارزی و ریالی) می‌گذاشتند و متعهد می‌شدند ارز حاصل از صادرات را به بانک مرکزی بفروشند. این سیاست در سال ۱۳۸۱ با یکسان‌سازی نرخ ارز و مقررات زدایی از صادرات متوقف شد. از سال ۱۳۸۰ در قالب بودجه سالانه، برای برخی از کالاهای خاص جایزه صادراتی در نظر گرفته شد. براساس این سیاست ۰٫۵ تا ۴ درصد ارزش کالا جایزه صادراتی در نظر گرفته شد که از سوی ادارات توسعه صادرات استان‌ها به صادرکننده پرداخت می‌شد. این سیاست تا پایان برنامه چهارم توسعه ادامه داشت و تمدید نشد. در قالب برنامه پنجم توسعه به عنوان سیاست جایگزین برای تشویق به صادرات اخذ هرگونه مالیات از صادرات کالاهای غیرنفتی ممنوع اعلام شد. بنابراین از سال ۱۳۹۰ تاکنون صادرات کالا از ارزش افزوده معاف است و ارزش صادراتی کالا به منظور لحاظ در پرونده مالیاتی شرکت و بازپس‌گیری سهم فروش خارجی از مالیات، مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سال ۱۳۹۷ و در قالب مصوبات کمیته اقدام ارزی و پس از آن در قالب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز صادرکنندگان موظف هستند ارز حاصل از صادرات خود را به روش‌های مختلف به شبکه بانکی کشور برگردانند. سیاست رفع تعهد ارزی که هم‌اکنون در حال پیگیری است.

چه کالاهایی در ارزش گمرکی دچار چالش است؟

در سال ۱۴۰۱ طبق آمار گمرک صادرات کشور (بدون نفت خام) معادل ۵۳ میلیارد دلار اعلام شد. محصولات صادراتی به سه بخش تقسیم می‌شوند؛ گمرک برای تعیین ارزش صادراتی محصولات گروه اول که صادرکننده آن شرکت‌های دولتی وزارت نفت هستند از وزارت نفت استعلام می‌گیرد. صورت‌های مالی محصولات گروه دوم و سوم که عمدتا شرکت‌های بورسی هستند شفاف است و صادرکننده نمی‌تواند قیمت‌های فروش صادراتی خود را با اختلاف جدی نسبت به قیمت‌های جهانی اعلام کند. چالش اصلی مربوط به ارزش‌گذاری محصولات خوراکی، صنعتی و ساختمانی است که ۲۰ درصد از صادرات را در بر می‌گیرند. گمرک برای تعیین ارزش محصولات صادراتی از قبیل خشکبار، ماکارونی، شوینده‌ها، سرامیک و... به دلیل عدم شفافیت قیمت‌های جهانی و وابستگی به کیفیت محصول، برند فروشنده، کشور خریدار و... از مراجع سیاستگذار نظیر سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و اتحادیه‌های صنفی برای محاسبه ارز صادرات این کالاها کمک می‌گیرد که به اشتباه محاسباتی در ارزش افزوده واقعی، عدم بازگشت ارز و سلب معافیت مالیاتی منجر می‌شود.

علل افت ارزش پایه گمرکی

بعد از سال ۱۳۹۷ آمار صادرات اعلام‌شده توسط گمرک برای برخی کالاها دچار افت ناگهانی شد. دست‌اندرکاران صنایع مختلف معتقدند بعد از تحریم‌ها، بهای واقعی فروش کالایشان به دلیل کاهش دسترسی به بازارهای بین‌المللی، ارائه تخفیف و حضور واسطه‌ها دچار افت شده و پایین‌تر از قیمت میانگین جهانی قرار می‌گیرد؛ برخی دیگر نیز الزام بازگشت ارز را عامل واقعی شدن قیمت به‌واسطه حذف امتیازات صادراتی می‌دانند. از سوی دیگر نیز چندنرخی بودن ارز در کشور سبب شده خریدار محصول خود را از فروشنده ایرانی به صورت ریالی بخرد در نتیجه ارزش معادل دلاری صادرات ایران از قیمت‌های جهانی عقب مانده است. این ادعا به معنای آن است که حتی تاجر ایرانی هم از این افت قیمت گمرکی بهره‌مند نمی‌شود و قیمت‌گذاری گمرکی به مثابه «نظام یارانه به دلالان منطقه» خواهد بود.

تخمین بیش از ۱ میلیارد دلار تورش در آمار صادرات

طبق نمودار ارزش گمرکی کالای صادراتی طی دهه ۹۰ درصورت افت ناگهانی این ارزش برای ایران می‌توان گفت ارزش‌گذاری بخشنامه‌ای گمرک هم فرآیند رفع تعهد ارزی و هم تحلیل شاخص‌های اقتصادی را دچار خطا کرده است. به‌طور مثال درمورد محصول پسته، قیمت پسته ایران تفاوت چندانی با میانگین جهانی و پسته آمریکا نداشته و تا پیش از سال ۱۳۹۷ هم‌روند بودند، اما بعد از ارزش‌گذاری بخشنامه‌ای گمرک ناگهان میانگین ارزش پسته ایران از ۸۰۰۰ دلار بر تن به ۶۰۰۰ دلار کاهش یافته است. میانگین ارزش ماکارونی صادراتی جهان بیش از ۱۵۰۰ دلار بر تن است، اما طبق نمودار ارزش ماکارونی ایران همچون ترکیه پایین‌تر از میانگین جهانی و در حدود ۹۰۰ دلار بر تن بوده است. با این حال پس از تعیین ارزش بخشنامه‌ای گمرک در سال ۱۳۹۷، ناگهان ارزش ماکارونی صادراتی به پایین‌تر از ۵۰۰ دلار بر تن رسیده است. با وجود روند صعودی که ارزش ماکارونی در سطح جهانی دارد، ارزش گمرکی این محصول در ایران (احتمالا به دلیل اثرگذاری غیرمستقیمی که بر بازار داخل دارد) همچنان پایین نگه داشته شده است. اگر ارزش‌گذاری کالای صادراتی بعد از سال ۱۳۹۷ با همان شیوه قبل از سال ۱۳۹۷ انجام می‌شد صرفا در شش قلم کالای مذکور سالانه بیش از ۹۰۰ میلیون دلار به آمار صادرات کشور افزوده می‌شد.

نقض غرض «رفع تعهد ارزی» در ترکیب با ارزش‌گذاری گمرکی

هدف از رفع تعهد ارزی شفافیت بخش رسمی اقتصاد خصوصا بازار ارز بوده، با این حال در همراهی با سایر عوامل موجب شده است بخشی از فروش خارجی کشور از همان ابتدا از بخش رسمی اقتصاد خارج شود و حتی در صورت‌های مالی تولیدکنندگان نیز منعکس نشود؛ چراکه از نظر سازمان امور مالیاتی نیز ارزش کالای صادرشده معادل همان مبلغی است که گمرک تعیین می‌کند.

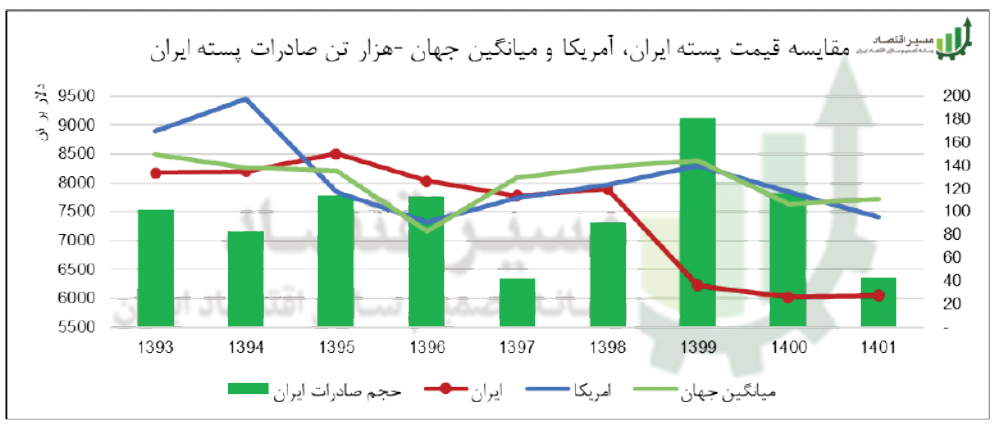

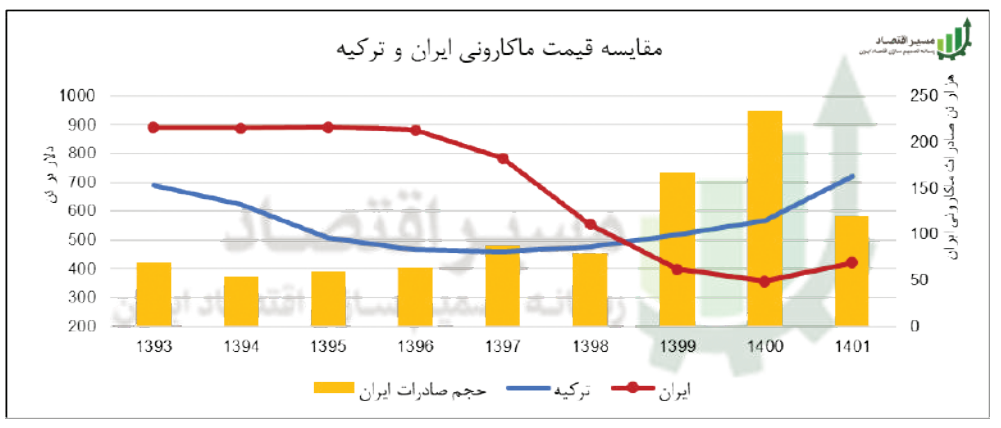

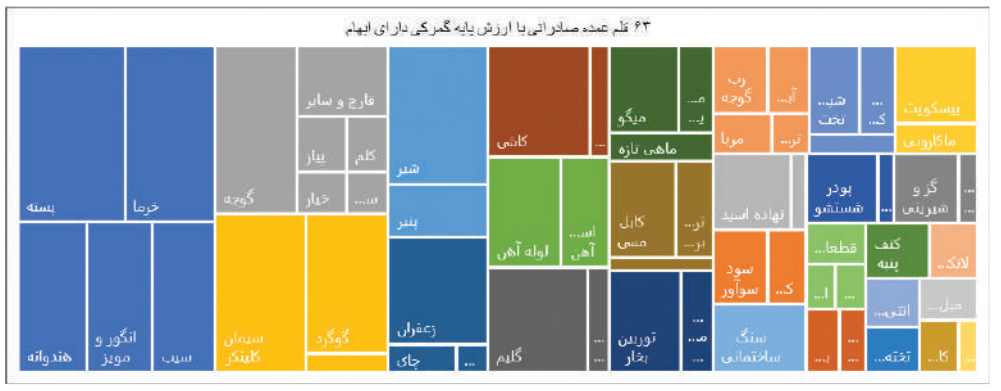

۲ توصیه سیاستی با هدف اصلاح نظام ارزی صادرات

ارزش‌گذاری گمرکی کالاهای خوراکی، مصالح ساختمانی و کالاهای دارای شرایط مشابه که قیمت‌شان مبتنی بر بورس نیست، به دلیل آنکه موجب «کم‌اظهاری اجباری صادرات به مقدار تخمینی سالانه یک میلیارد دلار» شده، نیازمند بازنگری جدی است. وضعیت فعلی صادرات ایران دارای یک مزیت است که هم بیش‌اظهاری و هم کم‌اظهاری برای صادرکننده مضر خواهد بود. درصورتی‌که صادرکننده ارزش کالای صادراتی خود را بیشتر اعلام کند مجبور است ارز بیشتری را با قیمت نیمایی برگرداند، اما اگر ارزش کالای خود را کم اعلام کند نیز از معافیت ارزش افزوده کمتری برخوردار می‌شود. با این حال از آنجا که بازگشت ارزش افزوده توسط سازمان مالیات با دشواری و بعضا با دو سال تاخیر همراه است تمایل صادرکننده به کم‌اظهاری است. با تسهیل معافیت مالیاتی یک وضعیت تعادل پایدار برای صادرکننده پدید می‌آید که اعتماد به خوداظهاری او را ممکن می‌کند. ایجاد یک پایگاه داده غیرمتمرکز (بر بستر بلاک چین) از این داده‌ها و تقاطع آن با پایگاه‌های مختلف قیمت‌های جهانی می‌تواند برای صحت‌سنجی راهکار اول مورد استفاده قرار بگیرد. این پایگاه داده باید یک کریدور قیمتی محرمانه برای کالاها ایجاد کند و اجازه اظهار ارزش در خارج از آن بازه را به صادرکننده ندهد.

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم